

راهکارهای مبارزات بدون خشونت:

تفکری در مورد مبانی

رابرت هل وی

مؤسسه آلبرت اینشتین

حق امتیاز این نوشته در سال 2004 توسط رابرت هل وی اخذ شده است.

تمام حقوق مربوط به این اثر از جمله ترجمه آن محفوظ می باشد.

منتشر شده در ایالات متحده امریکا

اولین چاپ، جولای 2004

چاپ در کاغذهای بازیافتی

چاپ این نشریه به کمک و همراهی Connie Grice Memorial Fund صورت گرفته است. Connie Grice که مدیریت اجرایی مؤسسه آلبرت اینشتین را به عهده داشت (1986-1988) تجاربی در جنبش های حقوق بشر و نیز تعهد عمیق در امور صلح و عدالت دارد، او همچنین نقش اساسی در سال های اول این مؤسسه ایفا کرده است. اگر چه زندگی او خیلی زود به پایان رسید، ما که از همکاران او بودیم، به خوبی آگاهیم که او بسیار خوشحال میبود که خاطراتش توانسته است حامی کار این مؤسسه باشد. بنیاد کانی گریس The Connie Grice Fund به وسیله همسر او ویلیام اسپنسر و خواهر او مارتا گریس بنیان گذارده شد.

مؤسسه آلبرت اینشتین

E-mail : Einstein@igc.org

web site : www.aeinstein.org

«تمام آدم ها رویا می بینند، اما نه بگونه ای یکسان» آنها که در ذهن غبارگرفته خود دچار رویا میشوند، در روز و در بیداری به بیهودگی آن، پی می برند، اما خیال پردازان روز می توانند آدم هایی خطرناک باشند. چون ممکن است آن ها در روز و با چشمانی باز در پی عملی کردن رویای خود برآیند.

هفت ستون خرد، تی.ئی.لارنس

تقدیم به آن هایی که در روز در رویای پیروزی بر استبداد هستند.

فهرست مطالب

مقدمه	
ix	
بخش 1 نظریه قدرت سیاسی	1
بخش 2 ستون های حمایت	8
بخش 3 فرمان برداری	13
بخش 4 راهکارها و روش های مبارزه بدون خشونت	18
بخش 5 راه حل مشکلات	32
بخش 6 برآورد راهبردی	37
بخش 7 برنامه ریزی عملیاتی	54
بخش 8 عملیات روانی	62
بخش 9 بصیرت در تفکر استراتژیک	70
بخش 10 ترس	81
بخش 11 رهبری	87
بخش 12 آلوده کننده ها	95
بخش 13 تحت تأثیر قرار دادن اجتماعات خارجی	101
بخش 14 مشورت ها و آموزش ها	108
بعضی ملاحظات در پایان	116

ضمیمه ها (پیوست ها)

1	واژه نامه اصطلاحات مهم در مبارزه بدون خشونت	ضمیمه
117		
2.	روش هایی در مبارزه بدون خشونت	ضمیمه
		124
3.	مثال از حل مسایل	ضمیمه
		134
4.	چارچوب پیشنهادی برای تهیه یک برآورد استراتژیک	ضمیمه
138		

نمودارها

1.	شکل تک حزبی در قدرت	نمودار
		139
2.	شکل چندگرایی در قدرت	نمودار
		140
3.	ستون های حمایت	نمودار
		141
4.	جذب کردن به جای دفع کردن ستون های حمایت	نمودار
		142
5.	تجسم وفاداری (پای بندی)	نمودار
		143

سپاسگزارى

بدون پافشارى و تشويق پيتر اكرمان از مركز بين المللى مبارزات بدور از خشونت و هاريت هنتجس از موسسه صلح ايالات متحده، من هرگز نميتوانستم چالش نگارش اين كتاب را عهده دار شوم. مايلم از صبر و تشويق هاى خانم جودى بارسالو، مسئول برنامه موسسه صلح نيز تشكر كنم.

مقدمه

قرن بیستم، یکی از فجیع ترین قرون ثبت شده در تاریخ می باشد. وقوع دو جنگ جهانی به قیمت جان دو بیست میلیون نظامی و غیرنظامی تمام شد. اضافه بر آن، بسیاری جنگ های محدود نیز اتفاق افتاد، که آن ها نیز وحشتناک بودند، جنگ های آزادی خواهانه، جنگ هایی برای تسخیر و جنگ های داخلی بین مردم برای اهداف سیاسی و یا باورهای دینی. بسیار بعید به نظر می رسد اگر در قرن بیستم روزهایی بدون درگیری های مهم نظامی پشت سر گذارده باشیم.

عواقب پیشرفت در علم و تکنولوژی، تولید ابزار نظامی و تخریب روزافزون مناطق نظامی و به موازات آن رساندن آسیب به طور ناخواسته به زندگی غیرنظامی ها و اموال آن ها بود. این گونه آسیب های موازی، نه صرفاً به دلیل به کارگیری سلاح های بسیار مهلک است، بلکه به دلیل وجود بیش از حد این گونه سلاح ها است. ارزان بودن نسبی سلاح های شیمیایی و میکروبی کشتار جمعی، و جا به جایی و تحویل آسان آن ها، پیامدی بس موحش و هم زمان برای افراد غیرنظامی به همراه دارد. گزارش های خبری مربوط به «بمب های هوشمند» که در اوایل سال 1990 در منطقه صحرائی طوفان مورد آزمایش قرار گرفت، جامعه امریکا را به این باور گمراه کننده انداخت که حمله های جنگی می توانند، سریع، تمام عیار و مطمئن باشند. با توجه به، استفاده گسترده از سلاح های هدایت شونده در جنگ علیه عراق در اوایل سال 2003 توسط ارتش ایالات متحده به عنوان سردسته متحدان، کشورهای همراه به علت عدم توان پرداخت هزینه و نیز نداشتن تکنولوژی مورد نیاز نمی توانند از آن سلاح به عنوان یک سلاح قابل قبول، به طور گسترده استفاده کنند. به این ترتیب، حتی در جنگ های محدود، شامل جنگ های داخلی، این غیرنظامی ها هستند که به طور دائم فشار سلاح های پیشرفته را تحمل می کنند.

با آب شدن یخ در روابط بین اتحاد جماهیر شوروی با غرب در دو دهه آخر قرن بیستم، مازاد سلاح های کوچک، توپخانه، هواپیماهای جنگی و وسایل نقلیه نظامی و مجموعه گسترده ای از ادوات نظامی، سر از بازارهای جهانی درآوردند. میزان تولید که از نظر اقتصادی به صرفه است (که عبارت است از تولید بیشتر و در نتیجه کاهش قیمت واحد) به دلیل با صرفه بودن متوجه ساخت سلاح های مشابه آنچه در اختیار خریداران موجود بود، شد. ملت ها و شرکت های تجاری دلال های خود را به بازارهای بین المللی

فرستادند. این توانایی و وجود سلاح ها، نهایتاً مشوق درگیری ها در سرتاسر جهان شد.

در اینجا این سؤال مطرح می گردد که، با توسعه تکنولوژی جنگ افزار و با افزایش روزافزون سلاح های مخرب، آیا هیچ اصول اخلاقی می تواند نتایج حاصل که احتمالاً ویرانی هر دو طرف درگیر را در بر خواهد داشت توجیه کند. چه کسی در یک جنگ ویرانگر که تلفات انسانی و از بین رفتن منابع اقتصادی و طبیعی یک ملت در آن مطرح است می تواند مدعی پیروز شدن گردد؟ در رویارویی با چنین تباهی، طرف های درگیر به جستجوی راهکارهایی در جهت دوری از جنگ از طریق سیاست بازداري و گفتگو برمی آیند. سیاست بازداري از جنگ، خصوصاً در بازداشتن از جنگ اتمی کارساز بوده است. تا وقتی که توازن در قدرت ایجاد نشده است، احتمال وقوع جنگ به هرحال دور از ذهن نیست. افزون بر آن، در مناطقی که تعصب های قومی و مذهبی مسلط است، وقوع جنگ ممکن است خالی از هرگونه واقع بینی صورت گیرد.

غالب اوقات یک دلیل واهی برای جنگیدن و در پی آن یک پریشانی و ستم دیدگی وجود دارد. موضوعاتی وجود دارد که انجام مذاکره به تنهایی به حل آن ها کمک نمی کند، اما مبارزه نظامی نیز برای یک جامعه ستم دیده کارساز نیست، چرا که ابزار سرکوب سیاسی غالباً در انحصار دولت می باشد. این به این معنی نیست که در جایی که شکست تقریباً مسلم است، بنابراین چاره ای به جز تسلیم و یا اقدام به مبارزه نظامی برای مردم ستم دیده وجود ندارد. راه سومی نیز برای مبارزه وجود دارد که آن مبارزه بدون خشونت برای تغییرات سیاسی است. در این کتاب، راهکار مبارزه غیرخشونت بار به این معنی است که :

مبارزه بدون خشونت براساس یک برنامه طراحی شده به کارگرفته می شود. این طراحی براساس تحلیل موقعیت مبارزه، نقاط قوت و ضعف مخالفین، طبیعت، ظرفیت ها و نیز نیازهای مربوط به روش های مبارزه بدون خشونت و خصوصاً اصول و راهکارهای مبارزه⁶ تنظیم می گردد.

مبارزات برای رسیدن به مردم سالاری در کشورهای برمه، بلاروس، ایران، تبت و زیمبابوه تمثیل هایی از مبارزات بدون خشونت هستند که اقدام به مقابله با رژیم های حکومتی ستم گر برای رسیدن به اهداف عالی - مبارزاتی برای پایان دادن به استبداد و برگرداندن صلح و عدالت به مردم.

⁶ راهکارهای واقعی وجود دارند. جین شارپ. Boston, The Albert Einstein Institute, 2003

این کتاب با این امید نوشته شده است که شاید بتواند، مورد استفاده کسانی قرار گیرد که در پی تحقیق و یا مطالعه برای انتخاب راهکار مبارزه بدون خشونت به عنوان راه برد مبارزه علیه حکومت ستم گر و یا اشغال گران بیگانه می باشند. این «چگونه» مبادرت به مبارزه بدون خشونت نیست. به بیان دقیق تر، این چهارچوبی است برای حمایت از یک تفکر منضبط در مورد مبانی کلیدی در مورد مبارزه بدون خشونت مخالفین با حکومت مستبد. این کتاب شامل اطلاعاتی با مبانی نظری، برنامه ریزی راه بر دی و نیز مبادرت به مبارزه ای بدون خشونت است، که ثابت شده است که نتایج حاصل از آن مساعد می باشد. با امید به این که خواننده با مطالعه این کتاب بتواند به سادگی موضوعات مندرج در آن را در محیطی آموزشی به دیگران انتقال دهد.

راهکار مبارزه بدون خشونت، راهکاری جدید در مبارزه از یک نظر، و احتمالاً منطقی، که تلفات جانی ناشی از آن بسیار محدود است و این محدودیت شامل آسیب به اموال و دارایی ها نیز می گردد. اما اگر آن طور که گفته شد نیز نباشد، تجربه نشان داده است که مبارزه بدون خشونت، ابزاری است کارساز در مقابل رژیم های خودکامه. پیروزی در یک درگیری نظامی، در گرو تخریب امکانات طرف مقابل است و یا / ادامه درگیری. مبارزه بدون خشونت تفاوت خاصی با درگیری نظامی ندارد به جز این که اسلحه به کار گرفته شده در آن متفاوت و مخصوص به خود می باشد.

بعد از آشنایی با این کتاب، بعضی از خوانندگان ممکن است به اشتباه چنین نتیجه گیری کنند که تدارک چنین راهکار و نیز حمایت از برنامه ای برای مبادرت به یک مبارزه بدون خشونت مشمول چنان پیچیدگی هایی است که تنها طبقه ممتاز جامعه و گروه های مخالف که دارای استطاعت مالی کافی دارند می توانند مسئولیت آن را به عهده بگیرند. این درست نیست. سنگ اول این بنا برای استفاده از مبارزه بدون خشونت، تفکر در مورد مبانی آن است، و این کتاب نه تنها به بیان آن ها پرداخته است، بلکه خواننده را دعوت به تفکر در مورد چگونگی به کار گرفتن این مبانی برای موارد خاص می نماید. برخلاف کتاب راهنمای پرواز هواپیما، در اینجا هیچگونه "فهرست از کارهایی که باید انجام شود" وجود ندارد. در عوض "فهرستی از کارهایی که باید انجام شود"، به صورت آرمانی و پیشنهاد برای راهنمایی کسانی که به فکر ایجاد گذار از رژیم استبدادی به دموکراسی هستند ذکر شده است.

هر نوشته و استدلالی درموضوع راهکار برای مبارزه بدون خشونت مدیون دکتر جین شارپ Dr. Gene Sharp محقق

ارشد مؤسسه آلبرت اینشتین است. نامبرده تقریباً پنج دهه عمر خود را صرف بررسی درگیری‌ها کرده است. هم‌زمان با مطالعه دکتر شارپ در دانشگاه آکسفورد (1960-64)، او نظریه چگونگی شکل‌گرفتن و طبیعت رشد قدرت در جامعه که اساس درک کوشش و مبارزه بدون خشونت است را مورد بررسی قرار داد. که این، موضوع مطالعه کلاوتیز Clausewitz و نظریه طبیعت و نظریه درگیری نظامی نیز قرار گرفت. بخش 1-4 این کتاب براساس و یا برگرفته از مقالات متعدد نظریات گوناگون و بهره‌گیری از مبارزه بدون خشونت می‌باشد.

در میان آثار متعدد دکتر شارپ، کتاب سیاست‌ها در مبارزه مسالمت‌آمیز در سه جلد *The Politics of Nonviolent Action* (1973) و *From Dictatorship to Democracy* (1993) از منابع مهمی در مبحث راهکارهای مبارزه بدون خشونت می‌باشند.

هم‌زمان با خدمت من در دانشگاه هاروارد به عنوان یک نظامی بلندپایه در مرکز امور بین‌الملل در سال‌های 1987-88 که پایانی بود برای سی سال خدمت من در دسته پیاده‌نظام، در یک برنامه در مورد برنامه حمایت از مبارزه بدون خشونت، با دکتر شارپ آشنا شدم. او موضوع درس را با جمله «راهکار مبارزه بدون خشونت، در مورد گرفتن قدرت سیاسی برای خود و یا انکار آن برای دیگران است. این درس در مورد صلح‌طلبی، اخلاق و یا باورهای دینی نیست» آغاز کرد. از زمانی که من تحت تأثیر شعار «فرزندان گل Flower-Children»، و شعار «صلح peaceniks و فراریان از خدمت draft dodgers» قرار گرفتم. سخنان دکتر شارپ در مورد «مبارزه بدون خشونت» مرا به خود جلب نمود. از آن به بعد، دکتر شارپ به عنوان یک رایزن مرا در فهم اصول، پویایی و بهره‌گیری از توان بالقوه برای مبارزه و نیز به عنوان یک همکار در پاسخ‌گویی در کار روشنگری برای کسانی که درگیر مقاومت‌اند و بالاخره به عنوان یک دوست خوب مرا کمک کرده است.

بخش نخست

نظریه قدرت سیاسی

قدرت سیاسی مجموعه ای است از ابزار، نفوذها و فشارها - در اختیار مقامات با نفوذ - قدرت سیاسی در دست صاحبان قدرت است برای رسیدن به اهدافشان، دادن پاداش ها به زیر دستان و ایجاد محرومیت های اجتماعی و به طور کلی قدرت سیاسی در دست کسانی است که در رأس امور هستند و کشور را در اختیار دارند و به همین ترتیب در دست گروه های مخالف.

دکتر جین شارپ. در سیاست مبارزه بدون خشونت

به نظر می رسد که کاوش برای رسیدن به قدرت، ذهنیتی طبیعی برای همه انسان ها و تشکیلات وابسته به آن ها است. این ذهنیت در بین ملت ها، در بین دولت ها، در بین و در داخل انجمن های شهری و حتی در بین دوستان وجود دارد. شاید آشنا ترین موضوع در بین شهروندان جنگ قدرت بر سر چگونگی هزینه کردن درآمدهای حاصل از مالیات ها باشد. گروه هایی از وکیل ها، گروه های فشار، و متخصصین روابط عمومی، با استفاده از منافع مشتریان خود، برای رسیدن به یک گزینه ترجیحی مالیاتی و یا دسترسی به قراردادهای سودآور دولتی فعالیت می کنند. گاهی اوقات دسترسی به این گزینه ها، برای مردمی که مالیات می پردازند ابهام آمیز است. اغلب، نفوذهای اعمال شده در خصوص چنین امتیازهایی از چشم عموم افراد جامعه پنهان می ماند. برای مثال، با یک نگاه گذرا به روند بودجه وزارت دفاع امریکا، متوجه می شویم که این روند پر است از موارد اعمال قدرت، که اداره خرید تسلیحات را وادار به خرید هواپیماها، کشتی ها و تسلیحاتی می نماید که نیازی به وجود آن ها نیست، مخصوصاً اگر تاریخ مصرف این تسلیحات گذشته باشد و یا دارای طراحی ضعیف و یا اصولاً جزو تجهیزات مازاد قلمداد شده باشند. آنچه دولت برای آن بودجه تخصیص می دهد می تواند برای افرادی که حتی آشنایی کمی با منافع بعضی از مقامات و گروه های فشار دارند، غیرقابل توجیه باشد. حتی این که، این درآمد مالیاتی به چه مصارفی می رسد، خود یک تناقض است. هنگامی که دوایر دولتی با تزویر اقدام به مصرف بودجه ای می کنند که مربوط به محیط زیست است و آن ها مسئول به انجام رساندن آن هستند، حتی طرفداران محیط زیست نیز در توجیه آن در می مانند. مصرف درآمدها در کشورهای دموکراتیک، همیشه یک

موضوع سياسي است و غالباً بازتابي است از يك كوشش دايمي در اعمال نفوذ از يك طرف و كوشش براي جلوگيري از اين اعمال نفوذ از طرف ديگر.

پيامدهاي مهم تر از رقابت بر سر تقسيم درآمدهاي مالياتي، تلاش براي كسب قدرت براي در اختيار گرفتن دولت و استفاده از مزايای حاصل از آن است. وقتي سوزن گرامافون بر روي خط «آزادي و استبداد» مدام مي چرخد (يك عبارت به واقع ذهن گرايانه) حكايتي است از تسلط استبداد بر جامعه و در اينجا است كه آرزوي براندازي و جابجايي در طبقات آسيب ديده به وجود مي آيد. انتخاب راه براي جابجايي و چگونگي آن بستگي به درجه فهم و فرهنگ مردم ستمديده و نيز درك طبيعت منابع قدرت دارد. دكتور شارپ دو شكل از اساس قدرت در جامعه را توضيح مي دهد - يكي حكومت مطلقه و ديگري نمائي از مردم سالاري.

نظريه قدرت در حكومت مطلقه

يك شكل از قدرت كه از طرف دكتور جين شارپ توضيح داده شده است، نظريه «حكومت مطلقه» مي باشد. در اين نظريه، قدرت در مركز و در بالاترين نقطه، يك پارچه و غيرقابل تغيير، ترسيم شده است. [نگاه: نمودار 1]. در اين نمودار كه اشغال كنندگان قدرت كه تجسمي از حكومت مطلقه هستند، ممكن است به هر دليلي تغيير كنند، اما ساختار قدرت كه ساختمان هرم را تشكيل داده است، همچون سنگ خارا بدون توجه به آميختگي و فعل و انفعالات درون قدرت و هر خواسته ديگر ثابت و بدون تغيير مي ماند. در اين نظريه فرض بر اين است كه مردم در جهت اداره، حمايت و تصميم گيري قدرت مطلقه حركت مي كنند و نيز اين كه ولي مطلق تصميم مي گيرد كه چگونه قدرت خود را به اجرا درآورد. ترجيحاً، صاحب اين قدرت براساس يك نظم خاص و نيز انتخابات قانوني تعويض مي گردد. در هر حال، در يك حكومت استبدادي، تصميم به برگزاري انتخابات نيز غالباً توسط حكومت گرفته مي شود كه نتيجه آن به طور كلي از پيش تعيين شده است. ژنرال نو وين **No win** در کشور بروندي و رابرت موگابه **R. Mugabe** در کشور زيمبابوه، نمونه هايي از حاکمان مستبد هستند كه دستكاري و تقلب در انتخابات را جزء جداناپذير از روند انتخابات مي دانند. گهگاه نيز اتفاق مي افتد كه ديكتاتورها در محاسبات خود در تقلب در انتخابات دچار اشتباه شده و نتيجه انتخابات براي آن ها دلخواه نيست. براي مثال، حكومت نظامي ها در کشور برمه پس از صدور اجازه انتخابات و روشن شدن نتايج آن در سال 1990 كه منجر به شكست آن ها شد، دچار بهت زدگي شدند. واكنش رژيم نظامي

به این نتایج پیش بینی نشده، این بود که از پذیرفتن خواست رأی دهندگان خودداری کرد و فرمان دستگیری رهبران سیاسی مخالف را صادر نمود.

رژیم های مستبد هنگامی احساس آرامش می کنند که عامه مردم این نمایش قدرت استبدادی آن ها را بپذیرند (و یا زیر فشار رژیم تن در دهند). این حقیقت محض که آن ها صاحب قدرت هستند، این اجازه را به آن ها می دهد که اعمال قدرت نموده و علی رغم خواست مردم، آن ها را وادار به تسلیم نمایند. نیروهای سرکوبگر حکومت با این دیدگاه وارد معرکه شده و با اتکا به ابزار قانون اساسی، توده مردم را وادار به اطاعت می نمایند. در قرن بیستم نمونه های متعددی را می توان مطرح کرد. در دهه های 1930 و 1940 ژرف استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق، حدود بیست میلیون نفر افراد آن کشور را که گمان می رفت تهدیدی بالقوه برای قدرت او باشند به قتل رساند- تقریباً به همان اندازه نیز ملت شوروی در جنگ جهانی دوم در مقابله با آلمان کشته شدند.

برای تضعیف و برکناری استبداد با شیوه مبارزه عاری از خشونت، بایستی بدون تعصبات ذهنی در مورد قدرت مطلقه، به شناسایی و ارزیابی تقسیم واقعی قدرت استبداد در همه ابعاد آن پرداخت. شناخت قدرت استبداد وسیله ای است ضروری برای شناخت این که چگونه یک قدرت مستبد ایجاد می شود و عنان قدرت را در دست می گیرد. می توان با مطالعه روند شکل گیری قدرت، به عنوان راهنما، در جایابی سیاسی و شکستن محدودیت ها، به انتخاب تمام راهکارهای ممکن برسیم. آگاهی از شکل قدرت مطلقه برای «خیال پردازان» جایابی قدرت اهمیت دارد. به منظور تحقق جایابی از رویا به واقع، با تحقیق در این مورد که، از گذشته قدرت های مطلقه چگونه شکل گرفته اند، و نیز چگونه از بین رفته اند، می تواند تجربه هایی به عنوان راهنما برای رسیدن به یک جامعه مردم سالار تلقی شود.

نظریه چنگانگی در قدرت «مردم سالاری»

شکل دیگری که به درک بهتر طبیعت قدرت کمک می کند، چنگرایی یا مردم سالاری است که توسط دکتر شارپ بیان شده است. برخلاف یک قدرت مطلقه، با ساختاری غیرقابل تغییر و متمرکز در رأس هرم، در این نظریه، قدرت سیاسی، چنگرایی و شکننده ترسیم شده است. منابع قدرت و هویت آن مردمی است، برخواسته از مردم و زندگی آنان در متن جامعه است، قادر به انجام وظیفه و اعمال قدرت است، صرفاً با اراده مردم. به عبارت دیگر حاکم می تواند حکومت کند فقط

با رضایت و همراهی مردم. این رضایت و همراهی ممکن است به دخواه ارائه شده باشد و یا تحت فشار و سرکوب. این رضایت ممکن است ناشی از بی تفاوتی بخشی از جامعه باشد و یا حتی تحت تأثیر سخت اطاعت کردن به وجود آمده باشد. در هر صورت، نکته مهم در حکومت های مردم سالار این است که، حکومت و قدرت او توسط مردم انتخاب شده است، بنابراین مردم اختیار عقب نشینی خود را دارند و با امتناع از حمایت منابع قدرت می توانند به طور جمعی حکومت را بر کنار کنند.

بر اساس اظهار نظر دکترشارپ، شش منبع کلیدی، بیانگر حکومت مردم سالاری یا دموکراسی است. این منابع قدرت چنانچه در زیر مورد بحث قرار خواهند گرفت، ناظرین با نفوذی هستند که می توانند در ابقا یا برکناری حکومت نقش اساسی داشته باشند. این منابع قدرت «ستون های حمایت» نامیده می شوند که در بخش دوم مورد بحث قرار خواهند گرفت.

1- اقتدار

اولیای امور پایگاه هایی هستند برای قدرت بخشیدن به حکومت و طلب اطاعت از ملت. نتایج انتخابات غالباً تأییدی است بر صلاحیت حکومت برای حکومت کردن و به این دلیل است، که بسیاری از رژیم های خودکامه، اصرار به برگزاری انتخابات و پر کردن صندوق های رأی دارند، رأی دهنده را تهدید می کنند، فعالیت های مخالفین را محدود می کنند، و نیز از پذیرفتن نتایج ناموافق حاصل از رأی گیری سر باز می زنند. برای هر حکومتی، مشروعیت به طور جدی دارای اهمیت است. مشخص شدن این موضوع که مقامات حکومتی از حدود قانون اساسی آن کشور تجاوز می نمایند و یا حاکمینی هستند یاغی و قانون شکن، بالقوه عواقب جدی، هم در داخل و هم در میان جامعه بین الملل در برخواهد داشت.

با استفاده از مفاهیم «قرارداد اجتماعی» ممکن است مخالفین سیاسی اعلام کنند که دولت مرتکب یک خیانت مهم در قانون اساسی مربوط به ملت شده است و بنابراین قرارداد بین ملت و دولت مخدوش شده، و شالوده فرمانبرداری، حمایت و همکاری مردم با رژیم از بین خواهد رفت.

به لحاظ خارجی، از دست دادن مشروعیت یک رژیم ممکن است جامعه جهانی را آماده برای اعلام تحریم اقتصادی و تحریم سیاسی علیه آن رژیم نماید. تحریم سیاسی و اقتصادی می تواند باعث تضعیف چنین رژیم هایی گردد، همچنان که در مورد رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و نیز

رژیم دیکتاتوری برمه اتفاق افتاد. تعلیق زیمبابوه از عضویت در کشورهای مشترک المنافع انگلیس در سال 2002 بیانیه ای حاد بود که رژیم موگابه را از عضویت در دولت های دموکراتیک و در جریان انتقالشان از مستعمره به جرگه کشورهای مستقل بازداشت. گهگاه گروه های دموکراتیک مخالف، از خارج به شکل شرافتمندانه مورد حمایت مالی قرار می گیرند و این در حالی است که قدرت رژیم استبدادی حاکم به طور جدی مستهلک می گردد. باید در نظر داشت که این به تنهایی، یعنی حمایت های بین المللی برای براندازی یک حکومت خودکامه کافی نیست. افزون بر آن چنین تحریم ها و تأثیرات آن می تواند بیش از آنچه گریبانگیر یک رژیم گردد، آسیبی جدی برای مردم آن کشور باشد.

2- منابع انسانی

شماری از افراد که حمایت می کنند، همکاری می کنند، و از رهبری پشتیبانی می کنند، عامل تعیین کننده ای مهم در تحکیم رژیم به شمار می روند. این بدان معنی نیست که، اگر اکثر مردم از مقامات مسئول رژیم متنفر باشند، بنابراین تغییر آن رژیم اجتناب ناپذیر است. این فقط بدین معنی است که شرایط عوض شدن آن بالقوه مهیا شده است. تاریخ پر است از مثال های ظلم هایی که از طرف یک گروه اقلیت بر یک اکثریت روا داشته شده است. از طرف دیگر، استراتژی عاری از خشونت نیز بدون حمایت و همکاری اکثریت، کاربردی ندارد. در تلاش برای رسیدن به دموکراسی، رأی تعداد افراد مهم است.

3- مهارت ها و شناخت

در زمان حاضر، حکومت کردن دشوارتر از هر زمان دیگری است. در شروع قرن بیست و یکم، رییس جمهور ایالات متحده امریکا به عنوان مقتدرترین مرد جهان پذیرفته شد. با این حال، این مقتدرترین فرمانروا، دارای اطلاعات بسیار اندک و یا به کلی بی اطلاع از وظایف بسیار پیچیده در تعمیر و نگهداری هواپیما، برنامه های پرواز، اداره یک شرکت ثبت ترافیک بندری، اداره و پیگیری یک جنایت، دریافت مالیات، مطالعه نقشه های جنگی، تقسیم غذا، گسترش و دادن خدمات در یک شبکه مخابراتی، و نیز بر عهده گرفتن بسیاری از مهارت های دیگر است. نکته اینجاست که مهارت ها و دانشی که توسط مردم فراهم آمده است، زمینه انجام وظیفه در تمام سطوح را به دولت می دهد. بدون چنین مشارکتی، دولت فرو خواهد ریخت.

4- عوامل نامرئي

برآورد درجه اهميت عوامل نامرئي کار مشکلي است، عوامل غير ملموس همچون مذهب، نگرش در مورد اطاعت و تسليم، احساس رسالت و ميزان برخورداري از فرهنگ، مي تواند در روابط يک رهبر با عامه مردم تأثير داشته باشد. براي مثال، در بعضي جوامع (براي مدت ها)، «حقوق الهي پادشاه» پذيرفته شده بود. اعتقاد بر اين که فرمانروايان نماينده خدا در زمين هستند، و نافرمانی در مقابل پادشاه نافرمانی در مقابل خداوند قلمداد مي شد. در ساير جوامع مثل ژاپن تصور مي رفت که امپراتور، يک خدا - پادشاه است. در چنين شرايطي وجود دموکراسي غير ممکن مي نمايد. با پيدایش قرن بيست و يکم، در بعضي کشورهای اسلامی، نمونه هايي از ادغام دين با قدرت هاي سياسي سنتي پديدار شدند. تا زماني اين ادغام می تواند مناسب باشد که (آنچه متعلق به سزار است، فقط متعلق به سزار است)، بحث را بایستی از آنجا شروع کرد که دقيقاً چه چيزي متعلق به سزار است. افزون بر آن، اين ادعا وجود دارد که براساس باورها و اعتقادات، هر قدرتي که يک رهبر از آن برخوردار است «يک وام» از طرف مردم است.

5- منابع مادي

«کسي که حق الزحمه نوازنده را مي پردازد، هم اوست که حق انتخاب آهنگ را دارد» و اين حتماً در مورد سياست نيز صادق است. نظارت بر اقتصاد، دارايي، منابع طبيعي، ارتباطات و حمل و نقل جنبه هاي مهم از محدوده اعمال قدرت بر مردم است. براي مثال، جايي که دولت مالکيت تمام مزارع را در اختيار دارد، به نحو مؤثري نيز نظارت خود را بر تمام خانوارهاي ساکن در مزارع خواهد داشت، در تعليم و تربيت و نيز، جايي که سانسور غالب است، زندگي تمام کساني که درگير جنبه هاي گوناگون روزنامه نگاري هستند، تحت نظارت و نفوذ دولت قرار دارند. در کشورهايي که صنعت نفت ملي شده است، اتکاي کمتری بر درآمد ماليات وجود دارد، اين اتکای کمتر به درآمد مالياتي از طرف مردم، اين نتيجه را خواهد داشت که تمرکز قدرت در دخل و خرج در اختيار دولت قرار گیرد.

6- تخریم ها

سرکوب براي وادار کردن مردم به اطاعت و حمايت از قوانين دولتي، بوسيله حمايت، همکاري و اطاعت

عامه مردم محدود می‌گردد. تحریم برای تنبیه و نیز باز داشتن رفتار غیرقابل پذیرش، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای ثمربخش بودن تحریم‌ها، نیازی نیست که بیش از اندازه سخت و طاقت فرسا همچون اعدام و به زندان انداختن باشند. عدم پذیرش یا پایان دادن به خدمت، از دست دادن مزایای بازنشستگی، محدود کردن فرصت‌های تحصیلی و ترفیع‌ها، ممنوعیت سفر (عدم صدور گذرنامه)، تحمیل مالیات سنگین به اتهام «مالدار بزرگ» جلوگیری از امکان استفاده از آب و اعمال سایر تحریم‌های تأثیرگذار برای وادار کردن شخص به تسلیم به نظر کافی می‌نماید. در بعضی از رژیم‌های استبدادی، رسانه‌ها به نوعی خود سانسوری می‌پردازند. به این دلیل که رژیم این ظرفیت را دارد که از طریق کنترل بنگاه‌های انتشاراتی و سازمان‌های خبری و زیر نظر داشتن سیستم توزیع و خبررسانی آن‌ها اقدام به توقیف و تعطیل نموده و یا جواز فعالیت رادیوها و تلویزیون‌ها را باطل نماید. اینچنین تحریم‌ها، اقداماتی معمولی و عادی هستند.

تحریم‌ها ابزاری در دست دولت‌ها هستند. اغلب، آن‌ها را برای مهار رفتارهای ضداجتماعی به کار می‌برند. در سایر مواقع، آن‌ها را به عنوان سلاح برای ایجاد وحشت و نیز تنبیه گروه‌ها، برای پایان دادن به جریان‌های سیاسی به کار می‌برند. برای مثال، آلمان نازی مجموعه‌ای از تحریم‌ها را برای بازداشتن عملیات زیرزمینی که توسط جنبش‌های مقاومت علیه اشغال‌کشورشان توسط آلمان انجام می‌شد، اعمال می‌کرد. با شروع سده جدید، دولت اسرائیل به بهانه جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی، اقدام به اعمال مجموعه‌ای از تنبیهات نمود، غافل از این حقیقت که تنبیه یک گروه بابت عملیات چند نفر، نقض حقوق ابتدایی بشر محسوب می‌گردد، به طور کلی کاربرد چنین تنبیهی خود به خود زیر سؤال است. در حقیقت، مجموعه این تنبیهات و ترورها، ممکن است نتایجی خلاف آنچه مورد نظر بوده است داشته باشد. تنبیهات ممکن است اشخاص را در گرفتن انتقام در فعالیت‌های خرابکارانه آینده مصمم‌تر نماید.

خلاصه

بخش 1 بیانگر دو گونه از قدرت می‌باشد. شکل انعطاف‌ناپذیر قدرت که بیانگر اعمال قدرت به نحوی تغیرناپذیر در ساختار است، که در آن مردم وابسته به رهبری و حکومت هستند. و دیگری شکل دیدگاه قدرت چندگرایی و مردم‌سالاری است که در آن قدرت به نحو دیگری عمل می‌کند. در

این شکل رهبری و حکومت وابسته به مردم هستند. منابع قدرت نیز که مردم برای رهبری فراهم می آورند شناسایی شده است، و این منابع قدرت، بایستی از دسترس حکومت دور نگه داشته شوند، در این صورت تسلط حاکمیت را در حکومت غیرممکن خواهد کرد.

توضیح بیشتر این که، ساختارهای گوناگونی که اجازه تداوم عملیات روزمره دولت را امکان پذیر می کند، وابسته به «محورهای حمایتی» می شود. به این ترتیب، منابع قدرت در سازمان ها و مؤسسات در داخل و یا خارج از دولت تجسم می یابد. (رجوع به شکل 3 محورهای حمایت). مخالفین یک حکومت مطلقه نیز در صدد بدست آوردن ستون های حمایت هستند. زمانی که ستون های مهم حمایت به اندازه کافی سست شوند، دولت و یا گروه های مخالف فرو خواهند ریخت، همانگونه که با سست شدن پی های یک ساختمان، دیوار ساختمان سست شده و فرو می ریزد.

بخش دوم

ستون های حمایت

و دلیله به سامسون گفت، به من بگو، من تو را دعا می کنم، این نیروی عظیم از تو، در کجای تو نهفته است. و نقطه ضعف تو در کجای تو نهفته است.

قضاوت 16۰6

سازمان ها و مؤسسات درهم آمیخته با منابع قدرت را در بخش اول مورد مطالعه قرار دادیم. منابع قدرت فراهم آمده در این گروه ها، توانایی دولت را در حکومت کردن فراهم می سازند. غالب رژیم ها برای حمایت شدن پیش از هر انتخابات دیگر متوسل به این ستون های حمایت می گردند. ضمن این که، رژیم استبدادی، کوشش خود را معطوف به جلوگیری از توسعه ستون های حمایت مخالفین خود می کنند. جای تعجب نیست اگر در شیوه مبارزه بدون خشونت، اتکای برنامه ریزان اساساً به توانایی ها و قابلیت های ستون های حمایت متمرکز گردد.

شناسایی ستون های حمایت

هنگامی که مخالفین به فکر مبارزه بدون خشونت می افتند، اساسی ترین اقدام شناسایی و تحلیل ستون های حمایت است. تا هنگامی که ستون های اساسی در یک رژیم سست نشوند و یا تخریب نشوند، چشم داشتن به اصلاحات سیاسی و یا تغییر رژیم چندان امیدوار کننده نخواهد بود. بنابراین آن کسانی که مبادرت به مبارزه بدون خشونت می کنند، باید توجه خود را معطوف به مؤسسات و سازمان های کلیدی بنمایند.

پلیس

شعار «حمایت کن و خدمت کن» یک تصویر ذهنی از غالب سازمان های پلیسی در سرتاسر جهان است، که برای ارائه به جامعه برنامه ریزی شده است. اگر چه، مشخص نیست که منظور از طرفی که باید از آن حمایت شود و به او خدمت شود، لزوماً عموم افراد جامعه باشند. در حالی که، وجه غالب و در همه جا گسترده «چهره» دولت است که گهگاه حمایت از آن و خدمت به آن به خاطر فاسد بودن و سرکوب کردن، از طرف پلیس در اولویت قرار می گیرد.

یک عقل سلیم چنین فرض می کند جایی که فساد ریشه دوانده است، بدون جایجایی رژیم انجام اصلاحات اگر غیرممکن نباشد، بسیار مشکل است. حتی در جوامع دموکراتیک، هنگامی که در دستگاه پلیس نهال فساد کاشته می شود، اصلاحات تنها با جایجایی اشخاص می تواند انجام شود، آن هم با گزارش خود

پلیس. جنبه مثبت داشتن پلیس محلی زیر نظر مقامات محلی که از طریق آرای محل انتخاب شده، این است که مردم می توانند شخص مسئولی را برای نظارت و عملکرد پلیس به طور مستقیم در اختیار داشته باشند. برعکس در جایی که پلیس غیر محلی حضور داشته باشد، اعمال نظارت در عملکرد آن به سختی انجام می گیرد.

نیازی به این نیست که شهروندان برای اصلاح نگرش پلیس محلی به انتظار جایجایی رژیم باشند. نکاتی چند در مورد پلیس وجود دارد که بایستی به آن ها توجه داشت. اول این که، پلیس ها به طور معمول در محل هایی به خدمت مشغول اند که محل سکونت آن ها نیز در همان محل است. بنابراین، خانواده آن ها، آشنایان و دوستان آن ها در مجموع شبکه ای از ارتباط را تشکیل می دهند (مثلاً، مدارس، محل های کار، سازمان های مذهبی، و گروه های اجتماعی). حال اگر دولت، آن هایی را که مخالف رژیم هستند به عنوان خلاف کار، جاسوس یا تروریست معرفی نماید، برای ارزیابی تبلیغ دولت، پلیس معیارهای جدیدی را در اختیار خواهد داشت. دکتر جین شارپ که در زمان جنگ دوم جهانی برای یک تحقیق در کشور نروژ به سر می برد، بعضی حوادث اتفاق افتاده در مورد گروه مقاومت نروژی ها در مقابل آلمان اشغالگر شرح می دهد که در آن چگونه پلیس «وفادار» احکام صادر شده از طرف مقامات مستبد آلمانی را به اجرا در می آورند. در یک مورد، پلیس محلی با خانواده شخص متهم تماس گرفته و به آن ها اطلاع می دهد که شخص مظنون در چه روزی، در چه ساعت و دقیقه ای می تواند در انتظار ورود دستگیرکنندگان به خانه خود باشد.

دوم این که، نیروی پلیسی که مجری فرمان های سران دیکتاتور می باشد را نباید در منظر عموم، دشمن مردم پنداشت. آن ها در استخدام یک نظام ورشکسته اند. این آن نظام است که بایستی جا عوض کند، و نه هزاران مردم درستکار، افرادی قابل احترام، آموزش دیده که تخصص آن ها برای خدمت و حمایت در یک جامعه دموکراتیک بسیار ضروری است. البته، ممکن است افرادی را در این میان با پیگرد کیفری به اتهام قتل، شکنجه، غارت مشخص نمود، اما کانون توجه بایستی صرفاً آن افراد خاص باشند و نه تمام کسانی که در نیروی پلیس مشغول به خدمت هستند.

ارتش

امکان استفاده از نیروی نظامی برای ماندن در قدرت، «برگ برنده» ای است در دست یک حکومت خودکامه. برخلاف افراد پلیس که در داخل جامعه محلی زندگی می کنند، واحدهای نظامی در مجتمع های مسکونی، بازارهای خرید،

بیمارستان ها و مدرسه ها، جدا از جامعه شهری زندگی می کنند. منظور از ایجاد چنین جدایی، دور نگه داشتن و کاهش ارتباط بین افراد ارتشی و وابستگان غیرنظامی آن ها است. هنگامی که دولتی تصمیم به دخالت نظامی در یک برخورد علنی سیاسی می گیرد، به طور طبیعی نیروی نظامی در اعمال خشونت، دست و دلبازی بیشتری از خود نشان خواهد داد. در جریان خیزش های سیاسی در برمه در سال 1988 و یک سال بعد از آن در چین، دولت ها، واحدهای نظامی خود را از منطقه ای دور از محل درگیری به آن محل فرستادند. در چنین موقعیت هایی، سردمداران حکومت تصور می کنند که آمادگی نظامی ها بسیار بیشتر از افراد پلیس محلی است، و آمادگی بیشتری برای نشان دادن واکنش نسبت به فرمان صادر شده دارند. در بعضی از کشورها که پیش بینی تظاهرات بزرگ در آن می شود، واحدهای ویژه آموزش دیده با تجهیزات سرکوب ایجاد شده اند که با فراخوان ارتش، وارد میدان می شوند.

زمان مناسب برای ایجاد بی علاقتی و سست کردن اراده ارتش در رویارویی با مردم معترض، قبل از اعلام تصمیم دولت ها به استخدام چنین نیروهایی می باشد. کلید پیروزی در هرگونه برنامه ریزی برای سست کردن اراده ارتش در انجام عملیات نظامی علیه معترضین، قانع کردن آن ها در این مورد است که زندگی آن ها و نیز زندگی خانواده آن ها درگیر هیچ گونه تهدیدی نیست و خصوصاً نظامی های حرفه ای در سایه یک قانون دموکراتیک آینده ای مطمئن تر خواهند داشت.

عملیات واحدهای نظامی در پاسخ بدستورات، تحت تأثیر برخوردها، ارزش ها و نیز دانش حرفه ای رهبری، متفاوت خواهد بود. افسران به طور کلی خود را وطن پرست، وفادار و از نظر سیاسی محافظه کار نشان می دهند. «حرفه ای بودن» آن ها گاهی آن ها را به حمایت کورکورانه از رهبر سیاسی و می دارد. بنابر شایعات، ستاد فرماندهی تحت فرمان هیتلر، مخالف با سیاست های او بود، با وجود این، آن ها برای اجرای اراده رهبری، اقدام به ارتقای نقشه های نظامی می نمودند. کلید رمز آن، هیتلر بود که به عنوان رهبر بزرگ ترین حزب در ستاد فرماندهی آلمان (رایشناک)، مطابق با قانون اساسی آن کشور، درجه صدراعظمی دریافت کرده بود و به عنوان یک رهبر قانونی تلقی می شد.

القای ارزش های دموکراتیک به فرهنگ ارتشی، عاملی است که می تواند از قدرت آسیب رسانی آن ها نسبت به شهروندان بکاهد. عامل مهم دیگر قانع کردن فرماندهان نظامی است به این که در یک حکومت دموکراتیک آن ها نقش مهمی را به عهده خواهند داشت. هر دو این عوامل نیاز به

وقت کافی و برنامه ریزی فکری دقیق برای پیشبرد دارد. یک عامل بسیار مهم در این که چگونه پیش آمد که جنبش سرب ها Serbian هنگام تسخیر پارلمان توسط هزاران اعتراض کننده در اکتبر 2002 بدون تلفات به پایان رسید (یک نفر در اثر سخته قلبی درگذشت و دیگری در یک حادثه اتومبیل) تصمیم ارتش به عدم دخالت در امور «سیاسی» بود. بدون شک علت اتخاذ چنین تصمیمی ناشی از این حقیقت بود که جنبش دموکراتیک مسلما پیروز خواهد شد و مقامات ارتشی علاقمند به داشتن نقشی در کشور بعد از حکومت رو به زوال میلوسویچ Milosevic بودند.

مستخدمن دولتی

مستخدمن دولت غالباً در مظان اتهام، استهزاء و تحقیراند. گاهی اوقات این کارکنان خشک و مقرراتی را به یک جماعت از مورچه ها تشبیه می کنند- هزاران نفر بدون نام، بدون چهره، کارکنان بی روحی که مشغول به انجام وظیفه حقیر خود هستند، در سوراخ موش های خود از این طرف به آن طرف روان هستند. با این حال رهبران سیاسی، همچون «ملکه مورچه ها» علاقمند به فرمانبرداری این جماعت هستند، به این دلیل که بدون این فرمانبرداری، بدون حضور این مستخدمین با تجربه که مشغول به کارهای بی بو و خاصیتی نیز هستند، رهبران سیاسی نمی توانند به زندگی ادامه دهند. این جماعت شبیه به مترجم هایی هستند که فقط فرمان را به عملیات ترجمه می کنند. آن ها برقرارکننده مقررات هستند، مالیات جمع می کنند. بودجه تنظیم می کنند، مدارس را اداره می کنند، رساننده اطلاعات به هزاران پایگاه اطلاعاتی هستند، برای دولت خرید می کنند، خطوط هوایی و بنادر را کنترل می کنند، کارکنان سفارت خانه ها، تعمیرکار سیستم های ارتباطی، و، انجام تمام وظایفی که نهایتاً منجر به ادامه کار رژیم می گردد. هیچ دولتی بدون وجود آن ها قادر به ادامه حیات نیست.

گروه های مخالف که مبارزه بدون خشونت برای براندازی رژیم و ایجاد تغییراتی دموکراتیک را انتخاب کرده اند، بایستی به اهمیت جلب حمایت کارکنان دولتی آگاه باشند. اما آن ها بایستی به این واقعیت نیز آگاه باشند که کارکنان جیره خوار دولت و جیره و مواجب آن ها در گرو فرمانبرداری از اوامر بالادست آن ها است و به طور معمول، تعداد اندکی از بالادست ها حاضر به بیان مخالفت علی خود علیه دولت هستند، مگر شواهدی مشخص مؤید سست شدن ستون های دیگری از حمایت شود. با این وجود، پیوستن به جنبش مخالفین حتی اگر به طور علی هم نباشد، در پیشرفت جنبش تأثیر خواهد داشت، حتی در جنبش هایی که تنها در اندیشه و تخیل شکل گرفته باشد.

رسانه های جمعی

هرگاه یک جنبش مردم پسند بخواهد دست به تغییرات دموکراتیک بزند، موفقیت این اقدام بستگی به داشتن ارتباط از طریق وسایل ارتباط جمعی با مخاطبین دارد. رژیم های خودکامه از این جریان به خوبی آگاه هستند و کوشش می کنند که این دسترسی صورت نگیرد و یا بسیار محدود باشد. آن ها مبادرت به ایجاد مراکزی برای مبارزه با داده های کامپیوتر نموده و نیز قوانین سخت گیرانه ای در جهت دسترسی به کامپیوتر و استفاده از آن و یا از ایستگاه های دریافت و ارسال فاکس، وضع می کنند. برای مثال در کشور برمه، زندان های طولانی مدت برای کسانی که از این نوع ماشین های «بدون مجوز» استفاده می کنند، پیش بینی شده است. مالکیت و یا استفاده از ماهواره و تلفن های ماهواره ای از جمله وسایل ممنوعه می باشد و گهگاه دولت اقدام بدستگیری گروه های مخالف و توقیف تلویزیون، فرستنده های رادیویی دور از ساحل می نماید، که همه این ها کوشش در جهت جلوگیری از رسیدن اخبار به عامه مردم است.

کنترل مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی در داخل کشور توسط یک حکومت سرکوبگر به سادگی امکان پذیر است. تشکیل یک هیئت بازبین که تمام انتشارات از قبیل کتاب ها، روزنامه ها و مجلات، قبل از توزیع باید به تأیید این هیئت برسد، گهگاه بسیار مؤثر است. برای ناشرینی که به هر دلیل هزینه نشر را پرداخته اند اما نشریه آن ها مورد بازبینی قرار نگرفته و خود ناشر اقدام به خودسانسوری نموده است، تشویقی های بسیاری در نظر گرفته می شود. روزنامه ها، سایر نشریات، و ایستگاه های رادیو و تلویزیون، می توانند باعث ابطال مجوز کار خود شوند، اموال آن ها توقیف شود، و صاحبان آن ها، سردبیران آن ها به طور فیزیکی تهدید شوند. برای غلبه بر این فشارهای داخلی، در حال حاضر فعالیت های برون مرزی متداول شده است، خواه ایستگاه رادیویی برمه که در کشور نروژ برنامه پخش می کند و خواه ایستگاه تلویزیون ایران در کالیفرنیا که مصاحبه کنندگان مخالف رژیم در آن به مخاطبین خود در تهران لبخند می زنند. از امکان ایجاد ارتباط از طریق وسایل ارتباط جمعی، از طریق پایگاه خارج از مرزهای کشور، می توان از جنبش طرفداران دموکراسی در کشور سربستان نام برد. بیش از 60 تن اعلامیه قبل از انتخابات سال 2000 به آن کشور فرستاده شد که در طی چند روز این اعلامیه ها توزیع گردید.

بخش سوم

فرمانبرداري

انسان آزاد به دنيا آمده است، و در همه جا در بند است.

ژان ژاک روسو. قراردادهاي اجتماعي، کتاب اول، بخش اول

در پاسخ به نظرياتي شبیه به آنچه در بالا مطرح شده است، دکتر جین شارپ سئوالات زیر را مطرح می کند: چگونه شرايطي ایجاد می شود که یک فرمانروا صاحب چنان قدرت سياسي و تسلط بر فرمانبرداران خود می گردد؟ به چه دليل، چنین جمعيتي خود را تسليم خواسته هاي او کرده و از او فرمان می گیرند، حتي در موقعيت هايي که آن را به زیان خود می بینند، از او فرمان می برند؟

سئوال بگردانه ای که دکتر شارپ مطرح می کند، تحلیل این نکته است که چرا مردم اطاعت می کنند. در این بخش این سئوال را در مقیاس وسیعی تحلیل می کند. نمونه مردم سالار قدرت (بخش 1)، ترکیب و پیکربندی منابع قدرت در ستون های حمایت (بخش 2)، و فرمانبرداري، مجموعه سه گانه است برای درک نظریه تلاش و تلاش برای اعمال مبارزه بدون خشونت. دانستن دقیق این که، چرا مردم از موضوعي اطاعت می کنند، تا آن جا که حتي گاهی حاضر به دادن جان خود نیز هستند. اطاعت کردن در «قلب قدرت سياسي» است. اگر مردم از فرمانروا اطاعت نکنند، قادر به حکومت کردن نیست. این نکته ای است که با دریافت آن، راهکارهاي مبارزه بدون خشونت پایه گذاري می گردد. اگر منظور ما برانگیختن جامعه برای بازپس گيري رضایت خود از اداره شدن توسط دیکتاتور و سایر رژیم های خودکامه باشد، در آن صورت، باید ابتدا به این موضوع پی ببریم که به چه دليل در مرحله اول به این فرمانبرداري گردن نهاده بودند.

عادت

علت این که اغلب آدم ها بیشتر فرمانبردار هستند، این است که فرمانبرداري در غالب انسان ها یک عادت است. ما عادت به فرمانبرداري از مقامات را داریم. برای اغلب ما، مقامات، با پدر و مادر شروع می شوند. همشیره های بزرگ تر از خود ما، پدر و مادر بزرگ ها و سایر وابستگان که بعداً به معلم مدرسه، پلیس، و حتي نهادهايي از مقامات. برای مثال، ما بدون این که عادت داشته باشیم به چراغ راهنمايي

توجه کرده و از آن اطاعت می‌کنیم - حتی در چهارراه های متروکه. اولین آموزش های دوره سربازی، ایجاد عادت در فرمانبرداری است. سرباز تازه وارد به خدمت، بلافاصله از گروهبان سرپرست خود یاد می‌گیرد که چگونه بدون هیچ پرسشی از گروهبان، بلافاصله عکس العمل نشان دهد. ساعت ها تکرار فرمان های سنگین تمرین های نظامی و نیز قوی دل، خالی کردن های دائمی، مناسبت بسیار اندکی را با مهارت های نظامی مدرن ضروری روز دارد، کاربرد همه این ها ایجاد عادت در پذیرفتن فرمان است. افزون بر آن، اساس مهارت های سربازی، همچون استفاده از سلاح، در اثر تکرار آنچنان در شخص نهادینه می‌شود، که استفاده از آن از طرف شخص به صورت یک عادت درآمده و نیازی به سنجیدن و یا تفکر ندارد.

کسانی از ما که معتاد به استفاده از تنباکو شده ایم می‌دانیم که عادت کردن به چه معنی است. ما نمی‌دانیم چند نخ سیگار دود می‌کنیم، به یاد نمی‌آوریم که در چه مواقعی آن ها را دود کرده ایم و نیز هنگامی که قیمت آن به صورت نامعقوبی بالا می‌رود قادر به ترک آن نیستیم. برای پایان دادن به این عادت و یا هر گونه اعتیاد دیگر، شامل فرمانبرداری از مقامات، باید برای ترک آن تصمیم سنجیده ای بگیریم، به طور دائم این تصمیم را در ذهن خود یادآوری کنیم و مهم بودن علت ترک این عادت را نزد خودمان تکرار کنیم.

ترس از تنبیه ها

ترس از تنبیه شدن به خاطر نافرمانی، علت دیگری است از این که فرمانبرداری افراد، هنگامی که ما قانونی را زیر پا می‌گذاریم، قانون مملکت می‌تواند در مقابل ما بایستد. ممکن است به مبلغی سنگین جریمه شویم. این قانون می‌تواند داری ما را از ما بگیرد. می‌تواند ما را به زندان بیندازد. قانون مملکت حتی ممکن است در مقابل تمرد از آن، حکم به اعدام ما بدهد. منظور از تنبیه، تنبیه در مقابل تمرد از قانون است و یا بازداشتن دیگران از تمرد در مقابل قانون مشابه می‌باشد. یک دیکتاتور برای تسلط به فرمانبرداران خود، بیشتر متکی به ترس ناشی از تنبیه ها است تا حاکم هایی که بیشتر قصد خدمت به جامعه خود را دارند.

منافع شخصی

بسیار هستند اشخاصی که ممکن است بگویند که شدیداً از دولت متنفر هستند، با این حال، در عمل از آن حمایت می‌کنند. زیر نظر داشتن نقش کسانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند و پاداش هایی که در مقابل حمایت از دولت نصیب آن ها می‌گردد، به اندازه کافی پاسخگویی این تناقض گویی می‌باشد. برای مثال پاداش هایی که به افراد نیروهای مسلح داده می‌شود، به خاطر اطاعت از دستورالعمل های مردم پسند و یا حتی

وحشی گرایانه. ارتقاء درجه، نشان افتخار، وجهه، امتیازهای خاص و یا عواملی دیگر همچون ایجاد درآمد در بازنشستگی آن ها. در کشورهایی با اقتصاد متمرکز کنترل شده، جایی که غالب افراد در استخدام دولت هستند، و در جایی که برای استخدام شدن، امکانات بسیار محدودی وجود دارد، از دست ندادن شغل، حفظ یک منفعت شخصی است. دیگران ممکن است با حمایت از رژیم، منافع مالی بالایی را بدست آورند. ما نباید کسانی را که با حمایت از رژیم پاداش نمی گیرند سرزنش کنیم. هر کس ممکن است در توجیه رفتار خود دلیلی داشته باشد. بسیاری از افراد می اندیشند که راه چاره دیگری وجود ندارد. کوشش در مبارزه، اثبات این نظر است که نافرمانی خود یک منفعت شخصی است.

تعهد اخلاقی

در تمام جامعه ها، فرمانبرداری، یک تعهد اخلاقی فراگیر است. این تعهد به فرمانبرداری، ناشی می شود از: **مصلحت عمومی جامعه.** می توان بحث را اینگونه مطرح کرد که قانون حامی تمام شهروندان است. بعضی از قوانین ما را در مقابل رفتارهای خلاف ضدجامعه که از دیگران سر می زند، حمایت می کنند (دزدی، قتل، تجاوز). قوانین دیگری، حافظ مصالح عمومی جامعه اند (سهمیة بندي کالا و خدمات، نام نویسی و اعزام به خدمت نظام جوانان، مالیات ها). گاهی از اوقات، حتی ممکن است احساس کنیم که مصلحت عمومی جامعه در بهترین شکل آن زمانی است که امور آن با فرمانبرداری از یک حکومت مورد تنفر، اداره گردد، شاید به این دلیل که راه چاره دیگری، بهتر از آنچه در جریان است باورنداریم. ژرف استالین به روشنی یک مستبد بود. با این حال، میلیون ها مردم به او سر تعظیم فرو می آوردند، به این دلیل که آن ها را به این باور رسانده بودند که، این فرمانبرداری در جهت منافع همه افراد جامعه است. حتی بعد از این که مشخص شد که استالین مسبب و مسئول مرگ بیش از بیست میلیون نفر از مردم بود، هنوز هم بعضی از افراد روس در آرزوی «روزهای خوب گذشته» آه می کشند. ممکن است، فشار مشابهی را به عنوان یک انجام وظیفه در فرمانبرداری در خود احساس کنیم. **به خاطر داشته باشید - این فشار مشابه ممکن است سویی دیگری نیز داشته باشد، می تواند در جهت متحول کردن الگوی رفتاری ما مفید واقع شود.**

عوامل فوق انسانی

گاهی از اوقات، رهبران چهره ای فوق انسانی و یا خداگونه از خود ارائه می دهند. زمانی که یک رهبر، خویشتن را در یک چهره قدرت مطلقه احساس کند، و یا، خود را یک انسان برتر در یک دین بداند، نافرمانی به هر شکل آن در برابر چنین رهبری غیرقابل تصور است. زمانی که هیتلر در اوج فرمانروایی خود قرار داشت، چه کسی جرأت نافرمانی از او را در خود می یافت؟ این خود خداانگاری رهبران دارای سابقه ای است بسیار طولانی. برای قرون متمادی، مردم این انگاره «خدا - شاهی» و «حقوق الهی پادشاهان» را پذیرفته بودند. شکل دیگری از این حکومت الهی را ما در قرن بیستم در ایران به شکل ادغام دین و سیاست شاهد هستیم. در برخورد با عامل فرمانبرداری، نیاز است که تنها، دم از انسان - صدیق بزنیم و چنین انسانی، نه انسان خداگونه است و نه نماینده حکومت خداوندی روی زمین.

روان شناسی مشخصات رهبران

بعضی از افراد، رهبران خود را جزئی از خانواده خود می پندارند. از این رو است که حمایت کنندگان از یک تیم فوتبال، نهایت لذت را از پیروزی آن تیم می برند و یا دچار اندوهی عمیق از باخت آن تیم می شوند، و در همین راستا، رهبر نیز جزئی از افراد قرار خواهد گرفت. این واقعیتی است، خصوصاً اگر مردم و رهبر به طور مشترک دچار مشکل شوند، مثلاً در مورد تلاش برای دست یابی به استقلال. (بعضی انگشت نمایان مشهور راه آزادی شامل هوشی مینه، جنرال نه وین و رابرت موگابه). اگر این وابستگان به خانواده، عامل فرمانبرداری افراد باشند، باید متقاعد شویم که چنین فرمانبرداری از چنین رهبرانی، هیچگونه توجیهی ندارد.

محدوده بی تفاوتی

بعضی افراد ممکن است مدعی بی تفاوتی در اغلب، اگر نه در تمام، قوانینی بشوند که انتظار کوچک ترین تأثیری در زندگی روزمره آن ها ندارد. آن ها به سادگی اطاعت می کنند، چون اگر نکنند دچار دردهایی می شوند که به طور کلی ارزش آن را ندارد. برای اغلب مردم، بیشتر قوانین چنین وانمود می شوند. این مسئله زمانی حاد می شود، که به هر دلیل، قانون باعث تحمیل محدودیت هایی در حقوق و آزادی این محدوده از بی تفاوتی می گردد. این وظیفه جبهه دموکراتیک است که به عامه مردم بی تفاوت اخطار کند که بی تفاوت ماندن در برابر مزاحمت ها بیش از این جایز نیست، به این خاطر که با محدودیت هایی که هوشمندانه طراحی می شوند، به

تدریج آزادی فردی را محدود کرده، جامعه را با سیاست برده داری به انقیاد خود درمی آورند.

نداشتن اعتماد به نفس

بنا بر دلایل بسیار، بعضی افراد در قضاوت خود و یا حتی این که بتوانند مقاومتی کنند و یا از آن ها نافرمانی سر بزنند، فاقد اعتماد به نفس می باشند. در جایی که ده ها سال عمر حکومت مستبدها دوام می آورد، ممکن است تجربه اندکی در استفاده از فرصت های پیش آمده برای تشکل یک رهبری وجود داشته باشد. ممکن است بعضی افراد تصور کنند که رهبران آن ها صلاحیت بیشتری برای تصمیم گیری دارند. اساساً برای یک جنبش مقاومت، ممکن است آن ها احساس کنند که نمی توانند با موفقیت یک دولت را شکست داده و یا در نهضت خود مشارکت داشته باشند. بازگرداندن اعتماد به نفس به افراد جامعه در این که آن ها قادر به قضاوت در مورد اعمال رهبران خود هستند و آن گاه عمل نسبت به نتایج حاصل از این قضاوت، در موفقیت مبارزه بدون خشونت بسیار جدی و کارساز است. بعضی از اوقات، آنچه را که ما فکرمی کنیم نوعی «بی تفاوتی» است، ممکن است صرفاً ناشی از اعتماد به نفس باشد.

خلاصه

ما در این بخش دلایلی را مورد مطالعه قرار داده ایم که به چه علت، مردم از رهبران فرمانبرداری می کنند. آن ها این بحث که فرمانبرداری یک امر «طبیعی» است را انکار می کنند. نوع انسان به طور ژنتیک مستعد فرمانبرداری نیست. فرمانبرداری در درجه نخست، ترکیبی از عادت، ترس و منافع است - و عادت و منافع قابل جابجایی است و ترس، قابل غلبه شدن بر آن.

بخش چهارم

راهکارها و روش های مبارزه بدون خشونت

آنچه من می گویم، این است که هر تجربه، اعتقاد مرا نسبت به مبارزه بدون خشونت به عنوان بالاترین نیرویی که در اختیار نوع بشر قرار داده شده عمیق تر می کند.

مهاتما گاندی

حرکت یک جامعه از نظام استبداد به طرف یک نظام دموکرات، صرف نظر از این که کدام راه برای رسیدن به این هدف بهتر است، بسیار مشکل می باشد. اگر قرار بر این باشد که راهکار مبارزه بدون خشونت از طرف مخالفین آن رژیم انتخاب گردد، آنگاه این موضوع اساسی پیش خواهد آمد که در بین راه ها و ساز و کارهای موجود، بهترین انتخاب برای رسیدن به یک دگرگونی دخواه در رابطه بین حکومت و ملت کدام است. در بررسی راهکارهای موجود، دکتر شارپ معتقد به وجود چهار شیوه برای «جابجا کردن این رابطه» می باشد که آن ها عبارتند از، تغییر ساختار، انعطاف پذیری، اعمال فشار و بالاخره فروپاشی. برای شناخت بهتر این راه های پیشنهادی، دکتر شارپ اقدام به تهیه یک چارچوب شناختی برای هر یک از پیشنهادهای بالا و پویایی هر کدام در جابجا کردن روابط در قدرت می نماید. این طبقه بندی در عملیات مربوط به مبارزه بدون خشونت و ارزیابی نتایج برای انتخاب بهترین راهکار مبارزه مفید واقع خواهد شد.

همچنین آنچه در این بخش مورد نظر قرار گرفته، معرفی مبانی عملیات در مبارزه بدون خشونت، به طور گسترده است. اعتراض و متعاعد کردن، عدم همکاری، و مداخله کردن، که در ضمیمه 2، به فهرستی از 198 روش مختلف، شناسایی شده توسط دکتر شارپ اشاره شده است.

شیوه ها

برای ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی، بایستی طرح های مبارزه بدون خشونت از تئوری به عمل نزدیک شود. نکته مهم درانتقال این تئوری به عمل، انتخاب راهکار و شیوه عمل توسط جنبش مخالفین به بهترین شیوه یا راهکار، برای تأثیرگذاری در رفتار سران نظام می باشد. بعد از اتخاذ چنین

تصمیمی، انتخاب راه های رسیدن به تغییرات دلخواه در ارتباط بین مردم و دولت تأثیرگذار خواهد بود.⁷

تعریف ساختار

عملکرد یا فرآیند به کار گرفته شده در مقابل حریف برای تغییر، نشان از نیت در عملیات بدون خشونت در شدت های متفاوت می باشد. ممکن است موقعیت هایی پیش آید که رژیم قانع شود که منافع او با پذیرش توصیه ها و خواسته های گروه مبارز تأمین گردد. تغییر ساختار، امتیازهای زیادی را برای گروه مبارزه خواهد داشت. پذیرش رژیم و استقبال او از پیشنهاد مخالفین برای انجام تغییرات، باعث بالا رفتن اعتبار و تأیید مشروعیت گروه های مخالف، کاسته شدن از خطرات بالقوه در مقابله با دولت، و مهم تر از همه کنار نگه داشتن منابع برای استفاده از آن ها در درگیری های سرنوشت ساز خواهد شد. اگر چه، این کارکرد، که به طور معمول شامل فعالیت های شبکه و فشارهایی در سطح پایین است، غالباً در مورد رژیم های افراطی و مستبد ناکافی و کم اثر می باشد. با این وجود، انتخاب چنین موضعی و چگونگی حمایت از آن، گاهی منجر به موفقیت هایی در رویارویی با رژیم های بسیار سبب شده است.

یک نمونه از کاربرد این تغییر ساختار در مقابل دیکتاتوری نظامی ها در برمه اتفاق افتاد و آن موضوع آموزش انگلیسی در مدارس ابتدایی بود. بعد از کودتای نظامی سال 1962، ژنرال نه وین Ne Win بر این شد که زبان انگلیسی بازمانده استعمار برمه در گذشته بوده است و اعلام نمود که آموزش زبان انگلیسی در سطح آموزش ابتدایی ممنوع است. مخالفین دیگر، عوض کردن آن را علت شرارت بار بودن آن عنوان می کردند. در آن زمان، عامه مردم برمه، انگلیسی را به عنوان یک زبان ساده و نیز زبان دوم خود استفاده می کردند. به منظور منزوی کردن مردم از افکار و نفوذ خارجی، و محروم کردن مردم از فرصت های آموزش زبان انگلیسی، سانسور بسیار سخت و گسترده ای را در مورد آموزش آن وضع نمودند. همچنین محدودیت هایی نیز در دروس انگلیسی در دانشگاه تحمیل گردید. بعد از بیش از دو دهه، برای رژیم چنین مفهوم شد که اتخاذ چنین سانسورهایی، پیامدهای بزرگ اقتصادی به همراه خواهد داشت. سرمایه گذاران خارجی در توسعه کارخانه هایی که نیروی کار آن ها و نیز مدیران سطح متوسط آن ها از داشتن ارتباط و به کار بردن زبان

⁷ برای اطلاع از بحث بیشتر در مورد روش ها و راهکارها، مراجعه کنید به سیاست مبارزه بدون خشونت جلد 2 و 3 دکتر شارپ

تجارت و بازرگانی محروم هستند، اظهار بی میلی کردند. دانشجویان دانشگاه ها برای فارغ التحصیل شدن در دانشگاه های غربی پذیرفته نمی شدند. فارغ التحصیلان دانشکده های پزشکی در رانگون Rangoon برای شغل طبابت در خارج و یا حتی ادامه تحصیل در یک رشته خاص پذیرفته نمی شدند. بعد از سال ها داشتن ارتباط تجاری و نیز فعالیت فعالین دموکراسی و حمایت آن ها از آموزش زبان انگلیسی، و با توجه به این که پذیرش این مقوله در جهت منافع رژیم می باشد، رژیم کوتاه آمده و با آن موافقت نمود.

با یادآوری این نکته که راهکار مبارزه بدون خشونت، منابع قدرت را نشانه می گیرد، کوشش برای تغییر ستون های حمایت رژیم، کارساز خواهد بود. نخستین قدم در این راهکار، جلب اعتماد اعضای سازمان ها و مؤسسات مورد نظر به این مهم که، آن ها اطمینان پیدا کنند که به عنوان فرد «دشمن مردم» تلقی نمی شوند و در حقیقت در جامعه دموکراتیک از آن ها به عنوان اعضای سازنده تقدیر شده و مورد احترام واقع خواهند شد. به محض این که این هدف برآورده شد، اعضای مورد نظر در مؤسسات را می توان در مورد جایابی سیاسی به نحو مطلوب به مشاوره خواسته و بعد از آن برای اشغال سمت های خاص از آن ها دعوت به عمل آورد.

تغییر ساختار، نخستین ساز و کار برای گسترش و تقویت نیروهای حامی دموکراسی است. داشتن مهارت در استفاده از تبلیغات برای مقایسه شرایط زندگی در رژیم های خودکامه و نیز ارائه اخبار مربوط به مبارزات جاری و بدون خشونت در سرتاسر جهان، تلاشی است نتیجه بخش برای انجام جایابی ها. پخش اخبار مربوط به تظاهرات، اعتصاب ها، و سایر اشکال اعتراض از جمله نکاتی است که می تواند بر روی افکار عمومی تأثیر قاطع داشته باشد. مهم ترین عامل، به نمایش درآوردن «تصویری از فردا» است و القای این باور به عموم که چگونه می توان به چنین تصویری نایل شد.

شاید قوی ترین نیرو برای ایجاد تغییرات، تظاهرات کسانی است که جرأت بیان مخالفت خود را با رژیم استبداد داشته باشند. عملکرد همراه با شهادت عمومی در مقابل دستگاه ظلم، هرگونه شائبه ترسو بودن آن ها را به دلیل مبارزه بدون خشونت از بین خواهد برد. شهادت، عملکردی است مورد احترام در سرتاسر جهان، خواه این شهادت از طرف یک سرباز در میدان جنگ سربزند و خواه از مبارزینی که بدون خشونت در مقابل یک رژیم ظالم می ایستند. در مواردی، درد و رنجی که اعضای یک گروه مخالف متحمل می شوند، می تواند تأثیر عظیمی بر نگرش هر دو طرف، یعنی هم ستم دیده و هم

ستمکار بگذارد، سنجش شهامت و معیار آن، همیشه حمام خونی نیست که به خاطر رسیدن به آرمانی از طرف افراد به راه بیافتد، اراده برای استقبال از نتایج نهفته در یک عمل، معیار واقعی شجاعت است، برای مثال، آنان که اعلامیه آزادی آمریکا را در سال 1776 امضا کردند با ایستادگی در مقابل پادشاه انگلستان، شهامت عظیمی را به نمایش گذاردند، و به همین ترتیب عملیات فعالین حقوق مدنی که با «اعتراض نشسته» در دهه 1950 و 1960 به عمرتبعیض نژادی پایان دادند. هر دو این نافرمانی‌ها باعث شد که عامه مردم به تجدید نظر در مورد اهدافی که اعتراض کنندگان به خاطر آن‌ها دست به ریسک بزرگی زده بودند، بپردازند.

سازش با مقتضیات شرایط

بعضی اوقات، یک رژیم به خواسته نیروهای دموکرات، بدون خارج شدن از احترام و نزاکت، نظر مساعد نشان می‌دهد، صرفاً دلیل آرام کردن یک تنش اجتماعی، تحت تأثیر قراردادن نگرش دولت‌های خارجی، تحت تأثیر قراردادن شهروندان در نشان دادن نگرانی برای رفاه مردم، و یا پیش آوردن موضوعی برای سرپوش گذاردن بر تنش و رفع و رجوع آن قبل از این که مخالفین بتوانند از آن به نفع خود بهره برداری کنند. در این صورت رژیم متوسل به زور نشده است، اما نشان می‌دهد که کوتاه آمدن و یا برآوردن خواسته طرف مقابل، منافع رژیم نه دچار تهدید شده و نه این که ضعیف خواهد شد. واقعیت این است که رژیم که بر قدرت تکیه زده است، در حقیقت دچار ضعف شده و در مقابل موضوعاتی که می‌تواند دشمنی عامه مردم را در مقابل دولت تحریک کند، حساسیت نشان می‌دهد. اخبار به طور مرتب چنین سازش‌هایی را که به وسیله دولت‌های خودکامه از خود نشان می‌دهند، گزارش می‌دهند. رژیم نظامی رانگون Rangoon و رهبران چین کمونیست، موقع بازدید شخصیت‌هایی از غرب از کشورشان، با آزاد کردن چند زندانی سعی در نشان دادن نیت خود دایر بر اصلاحات سیاسی می‌نمایند. دولت اسراییل، معمولاً برای سازش با مقتضیات با درخواست آمریکا، به طور سمبولیک در مورد رعایت رفتار انسانی با فلسطینی‌های در بند موافقت‌هایی نشان می‌دهد. اینچنین موضوعاتی که دولت‌ها برای سازش با مقتضیات انتخاب می‌کنند، کاربرد زیادی ندارند و در صورت ایجاد موفقیت، تهدیدی برای کسانی که قدرت را در اختیار دارند، محسوب نمی‌گردند. به عبارت دیگر، این‌ها تصمیماتی هستند که با اتخاذ آن حداقل خطر برای آن مقصود می‌باشد. مثال‌های آورده شده از دولت‌هایی است که برای حفظ ظاهر و به طور سمبولیک امتیازهایی را به گروه‌های مخالف می‌دهند و یا نمایش انتخابات آزاد به اجرا می‌گذارند. برای مثال، در

پاسخ به اعتراضات روزافزون جامعه به رژیم کمونیست لیتوانی Lithuania در 1988، شورای عالی لیتوانی با امید به خنثی کردن تنش های ایجاد شده توسط جنبش های دموکراسی، تصمیم به انجام اصلاحاتی در قانون اساسی کشور گرفت. این اصلاحات شامل رسمی کردن زبان لیتوانی و نیز اهتزاز پرچم ملی بر فراز محل های تاریخی بود. در آن وهله، جنبش دموکراسی، به رهبری ساجودیس و کمیته Co-Committee, Sajudis و سایر گروه های پشتیبان، آنچنان گسترده و موفق شده بود، که واگذاری یک امتیاز سمبولیک به وسیله رژیم به جبهه مقاومت، کافی و رضایت بخش نبود.⁸ در نتیجه با افزایش اعتبار مخالفین و تبدیل آن به یک نیرو، اقدام به یک جایابی دموکراتیک شد.

تصمیم صدام حسین در سال 2002 مبنی بر صدور اجازه برای انجام مراسم مذهبی، مثال دیگر این سازش با مقتضیات است. اگر چه صدام حسین در اداره جامعه عراق یک خودکامه بود، با این حال او به خواسته پیروان شیعه مذهب برای برگزاري مراسم در مرقد مذهبی در حومه بغداد، تن در داد. صدام حسین می توانست از این خواسته سر باز زند، او به طور حتم برای تحمیل چنین محدودیت هایی نیروی نظامی و پلیس را در اختیار داشت، با این حال او نرمی نشان داد، شاید به این دلیل مایل نبود بار دیگر، با این تحریم پای مخالفین را به آتش افروزی باز کند.⁹

رضایت همراه با اکراه نسبت به اعلام انتخابات آزاد، یکی از طاقت فرساترین سازش هایی است که یک رژیم می تواند به آن تن دهد. اگر چه استقلال چنین انتخاباتی تقریباً همیشه مورد سوءظن بوده است. در دو دهه آخر قرن بیستم، تجربه های متعددی از اجازه برگزاري انتخابات «آزاد» از طرف رژیم ها در داخل مرزهای خود وجود داشته است.

انجام انتخابات ملی در برمه توسط آن رژیم، نقش توطئه رژیم را در نتایج بیرون آمده از صندوق های رأی آشکار کرد. یکی از آخرین اقدامات رسمی ژنرال نه - وین Ne Win قبل از کناره گیری از قدرت، اعلام انتخابات چندحزبی در برمه بود. ماه هایی قبل از کناره گیری او از قدرت در ماه جولای 1988، تظاهراتی برای جایابی سیاسی، شامل انتخابات چندحزبی صورت گرفت. برای نه - وین این تصور

⁸ Grazina Miniotaite مقاومت بدون خشونت در کشورهای لاتین: حکایتی از آزادی آرام (مؤسسه آلبرت اینشتین 2002)

⁹ بر اساس گزارش ها، شرط موافقت صدام، عدم استفاده تظاهرکنندگان از هرگونه پلاکارد و علم و کتل بود. شرایط اعلام شده برای راه پیمایی، رعایت گردید، اما بنا بر گزارش یک شاهد عینی، آن ها چنان پای بر زمین می کوبیدند که صدای آن تا چند بلوک آن طرف تر شنیده می شد.

پیش آمد که برگزاري يك انتخابات چندحزبي، باعث کاهش ضدیت با دیکتاتوري او خواهد شد، که حتی ممکن است به از میان برداشتن رژیم نیز منجر شود. او با ارائه امکانات برای انجام يك انتخابات فرمایشي، احساس کرد که، در این انتخابات، ممکن است در شرایطی به علت نومیدي بین گروه هایی از مخالفین، جدایی ایجاد شود، و به این ترتیب پیروزي در صندوق های رأی، تضمین شده باشد.¹⁰

این مهم است، هنگامی که دولت ها موضوعاتی برای سازش احتمالی انتخاب می کنند، باید این سازش شرایطی ایجاد کند که در آن رهبران به نظر عامه، «موجه» جلوه کنند. هم زمان، عامه مردم بایستی متوجه باشند که سازش از طرف رژیم، انعکاس افزایش قدرت جنبش مبارزه بدون خشونت بوده و نیز این که جامعه به دنبال خونریزی نیست و نتایج روزافزون تغییر عقیده و سازش باعث افزایش نیروی جامعه و آماده شدن آن برای انجام عملیاتی حتی قوی تر از قبل گردد.

به طور معمول انجام انتخابات توسط رژیم استبداد سازشی است با خواسته های گروه مخالف برای تغییرات سیاسی. متأسفانه، عامه مردم، و رهبران مخالفین با ساده اندیشی، این تصور را دارند که انتخابات آزاد و منصفانه انجام خواهد گرفت، که در نتیجه آن عامه مردم در مقابل تهدیدهای دولت خواهند ایستاد، و یا این که ناظرین بین المللی، می توانند اصالت روند شمارش آرا را تضمین کنند. انتخابات در صربستان در سال 2000 و در زیمبابوه در 2002 نمونه هایی هستند از انتخابات متفاوت، حاصل از انتخابات دستکاری شده.

در صربستان، گروه سیاسی مخالف، دست به ایجاد يك نمایشگر از صندوق رأی گیری در دفتر رأی گیری مرکزی بلگراد زد. آن ها افراد ورزیده ای در کار سازماندهی سیستم «رأی در Get Out The Vote» و برنامه ریزی در انعکاس عملکرد احتمالی دولت در صورت اقدام به سرقت آرا ترتیب دادند. نتایج اولیه انتخابات، توسط گروه های مخالف از مرکز شمارش آرا قبل از اعلام رسمی حاکی از پیروزي جبهه دموکراتیک بود. هنگامی که دولت اعلام داشت که بر اساس شمارش آرا توسط خودش مخالفین انتخابات را نبرده اند، مردم به خیابان ها ریختند و با تظاهراتی که در سرتاسر صربستان به اجرا گذاردند، پیروزي خود را جشن گرفتند. این تظاهرات در ماه

¹⁰ بعد از نخستین مرتبه رد شدن انتخابات چندحزبی، رژیم رانگون موافقت کرد که این انتخابات در ماه می 1990 برگزار گردد. در نهایت حیرت دولت، گروه ملی برای دموکراسی، National League for Democracy، بیش از 80 درصد آراء را به خود تخصیص داد. رژیم نتیجه بدست آمده از انتخابات را مردود اعلام کرد و مجدداً اقدام به سرکوب مخالفین سیاسی نمود.

مارچ و در پارلمان به اوج خود رسید. تدارکات آنچنان کامل بود که هنگام اعلام و تشکیل دولت جدید، پلیس و ارتش هیچگونه دخالتی نکردند.

انتخابات در مارچ 2002 در زیمبابوه نتایجی کاملاً متفاوت داشت. مخالفین در جنبش دموکراتیک C. Movement for Democratic خود را برای رأی گیری آزاد و منصفانه زیر فشار سازمان های بین المللی پیاده کردند. آن ها توجه خود را متوجه این نکته نمودند که در صورت دزدیده شدن آرا توسط مقام مسئول، روبرت موگابه، بایستی، «نقشه D» به اجرا گذاشته می شد. در آن زمان و خیلی زود، آن ها علایمی مشخص کردند که موگابه قصد کناره گیری از قدرت را ندارد. با وعده دادن غذا و پول، شبه نظامیان جوان، مسلح به چاقو و چماق، دستوراتی برای حمله به حزب کارگران مخالف، دریافت کردند. حمایت کنندگان از MDC (جنبش جایابی دموکراتیک) و آن کسانی که مظنون به رأی دادن علیه موگابه بودند مورد ضرب و شتم و تهدید قرار گرفتند. رییس MDC و کاندیدای آن به اتهام خیانت دستگیر شدند. مأمورین اطلاعاتی و پلیس به تهدید مردم پرداختند. حتی شهروندانی که برای دادن آراء خود در صف ایستاده بودند و با نمایش آن ها در نمایشگرهای بین المللی، شناسایی شدند مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. نمایشگرهای متعلق به بعضی کشورهای اروپایی به نشانی آن ها بازپس فرستاده شد. ایستگاه های رأی گیری در روز انتخابات، جابجا شدند، راهکاری که دولت برای سردرگم کردن رأی دهندگان و این که در کدام محل باید رأی خود را به صندوق بریزند، انتخاب کرده بود. هزاران رأی در وقت فهرست بندی آرا به حساب نیامدند. موگابه اعلام پیروزی کرد. بدون داشتن و اعلام برنامه و یا رأی مردم در تفویض اختیار به او، جنبش مخالفین MDC در یک عمل انجام شده قرار گرفت و چاره ای به جز اعلام آزاد نبودن انتخابات و منصفانه نبودن آن نداشت، آن ها فراخوان تجدید انتخابات را کردند. هیچ نوع اطمینانی وجود نداشت که انتخابات مجدد، به هر اندازه نتایجی متفاوت از انتخابات اول را دربر داشته باشد.

درسی که در اینجا باید آموخت، این است که باختن انتخابات برای رژیم بسیار حائز اهمیت است، این باخت به معنی از دست دادن مشروعیت، هم در کشور و هم در جامعه جهانی است. به همین دلیل، باخت در انتخابات برای جبهه دموکراتیک مخالف نیز مهم است. شرایطی باید از پیش تدارک دیده شود که عموم مردم آمادگی حفظ آرای خود را در صندوق های رأی داشته باشند و نیز برنامه ریزی هایی باید انجام

شود که مانع از تلاش رژیم در خدشه دار کردن نتایج انتخابات گردد.

اعمال فشار

تعدیل در رفتار حکومت مستبد و کوتاه آمدن برای پذیرش و یا رد خواسته های مخالفین طرفدار مبارزه بدون خشونت، با پیامدهایی بسیار اندک و یا بدون پیامد برای حکومت خواهد بود. به هر حال، اعمال فشار از سوی مخالفین، می تواند باعث پذیرفته شدن خواسته های آنان نزد رژیم گردد. زمانی سرکوب مورد استفاده واقع می شود، که رژیم به نحو چشمگیری دچار ضعف شده باشد. گروه های مخالف باید بدانند که اعمال فشار قبل از موعد مناسب، ممکن است باعث لطمه دیدن اعتبار خود آن ها نزد جامعه گردد. برای موفقیت در رسیدن به خواسته های همراه با فشار، که موجودیت دولت مستبد را به خطر می اندازد، باید خواسته ها با یک برنامه ریزی دقیق و یک تحلیل واقع بینانه مطرح شوند. اگر شرایط در نظر گرفته شده برای تقاضا، نتواند خواسته را برآورده کند، در این صورت انجام این تقاضا باید به تعویق بیافتد و یا نوع آن تغییر داده شود.

اجزای سیاسی و گروه های دانشجویی گاهی اوقات متوسل به «درخواست هایی» می شوند که قابل اجرا نیستند. در این جا بسیار مناسب است که آن ها از اهداف تشکیلاتی مطلع گردند، و بعد از آماده سازی مردم، با گسترش دامنه برنامه ریزی گروه های کلیدی و نیز سست کردن منابع قدرت رژیم، این اهداف را به عنوان درخواست های مورد نظر مطرح کنند. اگر بر حسب مثال، «درخواستی» برای انجام «انتخابات آزاد و عادلانه» مطرح شود، چه نوع تنبیهاتی می تواند در مورد رژیمی که چنین درخواستی را اجابت نمی کند وجود داشته باشد؟

هنگامی که خواسته های مخالفین، خلاف اراده رژیم برآورده شده باشد، اعمال فشار موفقیت آمیز خواهد بود. در مورد انتخابات ماه اکتبر 2000 صربستان، علیرغم اعلام رژیم میلوسویچ Milosevic دایر بر لزوم تجدید انتخابات، گروه های مخالف رژیم اعلام پیروزی کردند. با پیش بینی انجام تقلب توسط رژیم، برنامه ریزی وسیعی برای در دست گرفتن قدرت از طریق مبارزه بدون خشونت، قبل از انجام انتخابات، کار را به پایان رسانده بود. صدها هزار نفر از مردم صربستان اقدام به راهپیمایی در داخل پارلمان کرده، بعد از اشغال آن، با قاطعیت اقدام به برکناری دیکتاتور از مسند قدرت نمودند.

میلوسویچ در موقعیتی نبود که با برکنارکنندگان خود مخالفت کند. ستون های اصلی حمایت او از بین رفته بودند. پلیس از نگهبانی بلوک های راهبندان برای متوقف کردن تظاهرکننده ها و جلوگیری از ورود آن ها به بلگراد، امتناع ورزید و نیروهای ارتش نیز با این بهانه که انتخابات یک مسئله سیاسی است و نیازی به دخالت ارتش در آن نیست، از مداخله خودداری کرد. عقب نشینی دو ستون حمایت نتیجه ماه ها کوشش در قانع کردن اعضای از ارتش، پلیس و دولت بود که جایابی دموکراتیک، واجد شرایط کمتری از اهمیت و یا مجاب رهبری نیست. میلوسویچ بلافاصله متوجه شد که او بدون قدرت مانده است.

در حالی مواقعی پیش می آید که تهدیدهای مبارزات بدون خشونت باعث پیروزی گروه های مخالف می گردد، اما تهدیدهای توخالی نیز، باعث وارد شدن لطمه به هر جنبشی خواهد شد، چنانکه در زیمبابوه در سال 2002 دو مورد فراخوان همگانی برای برگزاری اعتصاب عمومی مواجه با شکست شد. بعد از آن ماه ها به طول انجامید تا برنامه ریزی ها و هم آهنگی های لازم برای انجام یک اعتصاب عمومی دیگر شکل بگیرد. کوشش ها برای وادار کردن افراد، بدون داشتن ظرفیت تحمل تنبیهات، می تواند باعث از دست رفتن کوشش های دموکراتیک گردد؛ حمایت خروشان عمومی رو به افول بگذارد؛ و حمایت کنندگان جهانی درمورد کارآیی جنبش دچار تردید شوند. این یک ضرورت است که در زمان برنامه ریزی و اجرای مبارزات بزرگ بدون خشونت در ارزیابی ظرفیت ها، بازبینی مجدد انجام گیرد تا یک چنین پی آمدهای نامطلوبی پس آمد جنبش نشوند.

فروپاشی

آنچنان که قبلاً بدان اشاره شد، توانایی گروه های مخالف در تحت فشار قراردادن حاکم، بازتابی است از توزیع واقعی قدرت. هنگامی که مخالفین توجه کنند که سنگینی تقسیم قدرت به نفع رهبری مخالف چرخیده است، در آن حالت است که رژیم بایستی از چند جبهه و با استفاده از روش های جدید، همچون عدم همکاری، و دخالت مورد تهاجم قرار گیرد. هر گاه این تهاجم ادامه یابد، در آن صورت رژیم از هم خواهد پاشید، آنچنانکه منابع قدرت لازم برای حفظ حکومت، ضرورت نخواهد داشت.

هر گاه فروپاشی یک رژیم به نظر مخالفین ضروری رسد، در آن صورت هیچ تخفیفی در شدت و دامنه عملیات مبارزه بدون خشونت تا کامل شدن این فروپاشی جایز نیست. از دست دادن نیرو توسط مخالفین به هر دلیل، می تواند این فرصت را برای رژیم فراهم آورد که قدرت ضعیف شده خود را بازسازی

کند. همچنان که در بخش مبارزه نظامی، زمانی که موقعیت برای دفاع به سر می‌رسد و دشمن سعی در عقب‌نشینی می‌کند، باید از موقعیت «تعقیب و بهره‌برداری» استفاده کرد و برای رسیدن به یک پیروزی زودرس، این خطر را پذیرفت و با تمام نیرو به تعقیب آن پرداخت. بدون یک برنامه استراتژیک، ممکن است نیروی نظامی آمادگی لازم برای یک پاسخگویی سریع در برابر عقب‌نشینی دشمن را نداشته باشد. این نیز جنبه‌ای است از یک مبارزه بدون خشونت.

روش‌های استفاده از مبارزه بدون خشونت

استفاده از قابلیت‌های مبارزه بدون خشونت، حمایت و تأثیرگذاری بر شیوه‌های مبارزه بدون خشونت در جای‌جایی قدرت است. روش‌های استفاده از مبارزه بدون خشونت برای استفاده مخالفین علیه رقیب، هم‌گسترده‌اند و هم متنوع. دکتر شارپ در کتاب سیاست‌های مبارزه بدون خشونت *In the Politics of Nonviolent Action* تقریباً از دویست راهبرد (ضمیمه 2) نام برده و توصیه می‌کند که این راهبردها پایان‌پذیر نیستند. در حقیقت، یک فکر سازنده، قادر به انتخاب مناسب روش بنا بر موقعیت می‌باشد.

عملیات در حوزه مبارزه بدون خشونت علیه یک رژیم ظالم، غالباً با انتقام‌جویی‌های بی‌رحمانه‌ای روبرو خواهد شد. کتک زدن، شکنجه، زندان انداختن و سایر تنبیهات (خشونت، اقتصادی و اجتماعی) را بایستی انتظار داشت. در شرایطی که عکس‌العمل دولت، چنین روش‌هایی است، به هر حال راه اندازی جار و جنجال و تبلیغات از طرف مخالفین برای حمایت از جنبش دموکراسی و نیز تضعیف رژیم با به نمایش گذاردن اعمال وحشیانه او و نیز زیر سؤال بردن مشروعیت حکومت، لازم است. در جریان جنبش‌ها در یک قرن اخیر، دستگیر شدن و زندانی شدن علامت افتخار است.

انتخاب روش مناسب برای مبارزه بدون خشونت بستگی به چگونگی اهدافی دارد که استفاده‌کنندگان در پی آن هستند. گاهی اوقات، یک جنبش، و یا یک سازمان، ممکن است روشی را بر اساس سلیقه خود و یا ظرفیت شناخته شده در خود انتخاب کند، در این صورت، ممکن است یا، ممکن نیست، که اقدام به مبارزه بدون خشونت کند. چنین برخوردی «گاری را جلو اسب قرار دادن است». وضعیت مطلوب این است که ابتدا شخص به مطالعه هدف‌ها پرداخته و سپس به بازبینی صورت و چگونگی روش‌ها برای انتخاب آنچه بهترین وسیله به عنوان راهکار و مصلحت به رسیدن به هدف است، اقدام کند. برای دسترسی به عملی‌ترین شیوه و دسترسی به این موضوع،

بایستی روش‌ها به دو یا سه طبقه تقسیم شوند. روش تظاهرات و تحریک کردن، عدم همکاری (مبارزه منفی) و مداخله.

تظاهرات و تحریک

انجام تظاهرات و کوشش برای تحریک کردن، هشدار برای دولت خواهد بود مبنی بر این که نیروهای طرفدار دموکراسی، به طور جدی مخالف و متعرض به بعضی اعمال و سیاست‌های دولت‌اند. اعتراض در ابتدا صرفاً یک نشان سمبلیک از جدی بودن است. افزون بر آن، انجام اینگونه اعمال باعث جلب توجه عامه مردم به این نکته است که جنبش مبارزه بدون خشونت، متعرض به بعضی سوء رفتارهای خاص از طرف دولت می‌باشد. انجام اعتراضات بدون خشونت و کوشش در تحریک کردن، می‌تواند مرحله‌ای از تلاش و راهکار مبارزه بدون خشونت تلقی شود که خود شروعی است در سطح جامعه.

هر شکلی از اعتراضات و تحریک که انتخاب گردد، این عملکرد بایستی به طور گسترده در وسایل ارتباط جمعی منعکس گردد. اگر کسانی از انجام تظاهرات اطلاعی نداشته باشند، قاعدتاً انتشار شب‌نامه و یا برنامه اعتراض آمیز دیگری، تأثیر بسیار کمی از خود بجا خواهد گذارد. یک مثال تکان دهنده از اعتراض و تحریک در دهه 1960 جلب توجه جهان را در ویتنام به دنبال داشت، و آن خودسوزی گروهی از راهبان بود که در اعتراض به اعمال دولت دست‌نشانده آمریکا در سایگون دست به خودسوزی زده بودند. این عمل خودکشی مطمئناً باعث شد که بسیاری به فکر بیافتند که به چه علت و تحت چه شرایطی کسی حاضر به تحمل هولناک‌ترین و دردناک‌ترین نوع مرگ به عنوان یک اعتراض سیاسی است. هدف‌های متصور از این قربانی شدن برآورده شد، آن هم به شکلی بسیار وسیع، به این دلیل که سازمان‌ها، از آژانس‌های خبری در سراسر دنیا برای تحت پوشش قراردادن خبری این ناحیه به وسیله عکس و خبر دعوت به عمل آوردند.

استفاده از این روش به معنای هجوم مستقیم به منابع قدرت رژیم که در بخش 1 مورد بحث قرار گرفت نیست، بلکه بیشتر این یک ضربه غیرمستقیم با قصد نشان دادن و برملا کردن اعمال رژیم و کوشش برای ترغیب آن و دیگران به منظور انجام جایابی است. کوشش در مبارزه بدون خشونت، بسیار بسیار مؤثرتر از تظاهرات در نشان دادن نارضایتی است.

سیاست خودداری از همکاری

سیاست عدم همکاری، قدرتمندترین ابزار در طبقه بندی مربوط به مبارزه بدون خشونت در دست جنبش مخالفین می‌باشد. انتخاب هوشمندانه و برنامه‌ریزی درست برای فعالین جنبش، درصد احتمالی جایابی منابع قدرت رژیم را به شدت

افزایش خواهد داد. منابع قدرت رژیم (مثال: مقامات، منابع انسانی، دانش و مهارت ها، منابع اطلاعاتی، عوامل غیرمحموس، و تحریم ها) می توانند به وسیله کل جامعه، و نه فقط جوان ها مورد استفاده قرار گیرند. هیچ دولتی بدون همکاری مردم قادر به ادامه حیات نیست. پیامی که اعلام یک مبارزه منفی می باشد عبارت است از «ما، ملت، از این لحظه به بعد به دولتی که باعث سرکوب هموطن خود می گردد، کمک نخواهیم کرد.» هدف، متشکل کردن انجام وظیفه برای دولت است. در مبارزه منفی زمانی بالاترین نتایج قابل دسترسی است که راه های انتخاب شده برای این منظور باعث حمایت از مبارزه بدون خشونت شده، البته این مبارزه باید دقیقاً از قبل سازماندهی شده باشد نه این که سازماندهی نشده و خودبخود صورت گیرد.

همراه با مبارزات منفی در داخل، علیه ستون های حمایت، باید تلاش شود، حمایت بین المللی را در تحمیل یک تحریم و یک توقف همکاری با رژیم جلب نمود. عدم همکاری در سطح بین المللی و همچنین در داخل مرزهای کشور، می تواند کمک شایانی به حمایت کنندگان از نظریه جایجایی سیاسی گردد. ابزار قطع حمایت بین المللی شامل مبارزاتی از قبیل دلسرد کردن و یا جلوگیری از سرمایه گذاری ها یا واردات، اعتراضات به سیاست های رژیم در مجامع بین المللی، ایجاد محدودیت ها در صدور ویزا برای مقامات دولتی، ایجاد محدودیت ها برای شهروندان کشورهای خود برای مسافرت به کشورهایایی که دارای رژیم خودکامه هستند و نیز محدود کردن همکاری خارجی در طرح هایی که با مدیریت سازمان های غیروابسته به دولت اجرا می گردند و مستقیماً از کمک های انسان دوستانه حمایت می کنند.

سیاست عدم همکاری اجتماعی

همه اشخاص در کشور می توانند سیاست عدم همکاری اجتماعی را به اجرا بگذارند. پرهیز از همکاری با اعضای وابسته به رژیم، می تواند حرکتی خائمان برانداز برای مقامات اداری و خانواده آن ها باشد. نخبه های یک جامعه می توانند از دعوت مقامات اداری رژیم در کارهای اجتماعی خودداری کرده و نیز از شرکت در سازمان های وابسته به دولت و حتی در گردهم آیی های خصوصی اجتماعی که انتظار حضور افراد دولتی نیز می رود، خودداری کنند. نام فرزندان و سایر وابستگان به افراد دارای وابستگی به رژیم را از صورت دعوت شدگان برای شرکت در امور اجتماعی توسط همسایگان و سازمان های غیردولتی حذف کنیم. پدر و مادرها،

فرزندانشان را از هم نشینی با فرزندان مقامات دولتی بازدارند. به نوعی پیام‌هایی را ارسال کنند که مردم از پذیرفتن کسانی که از رژیم حمایت می‌کنند، خودداری نمایند. در هر حال، در این پیام باید جانب دقت و احتیاط رعایت گردد. اگر در این پیام، اشتباهی رخ دهد، می‌تواند باعث ایجاد اختلال در روند جاری در پیوستن حمایت‌کنندگان رژیم به جبهه مخالفین گردد. رویدادهای اجتماعی و ورزشی که می‌تواند حیثیتی برای رژیم ایجاد کند، مورد تحریم قرار گیرد. حتی پوشیدن لباس‌هایی که خیلی مورد تأیید رژیم نباشد می‌تواند نوعی ابراز مخالفت با رژیم تلقی گردد. آن‌هایی که به عنوات هدف انتخاب شده اند، بلافاصله به نقش این حرکت در عدم همکاری پی می‌برند.

در دوره استعمار آمریکا، استاندار ماساچوست شکایت از این داشت، علیرغم این که او نماینده سلطنت انگلیس است، اما هیچکس به اندازه‌ای که از یک محکوم حرف شنوایی دارد، از او فرمان نمی‌برد. هیچکس دستوری را از او اطاعت نمی‌کند، شبه نظامی‌های محلی، او را تحویل نمی‌گیرند، با راهنمایی‌ها و دستورات او مخالفت می‌شود و اعضای گروه عبادت‌کنندگان در کلیسا از حضور او پرهیز می‌کنند.

سیاست عدم همکاری اقتصادی

با تکیه بر این واقعیت مسلم که، تمام دولت‌ها نیاز به درآمد دارند تا بتوانند خدمات عمومی را که انتظار می‌رود بپوشانند، در پیش گرفتن سیاست عدم همکاری اقتصادی با هدف ضربه زدن و تخریب یا حداقل کاهش مشوق‌های اقتصادی که دولت‌ها برای حامیان خود به مصرف می‌رسانند، راهکاری است مؤثر در مبارزه. با محروم شدن و یا کاهش استطاعت خرید کالا و خدمات برای اجرای سیاست‌ها، عدم همکاری اقتصادی باعث تضعیف توانایی دولت در حفظ وفاداری حمایت‌کنندگان خواهد شد.

عدم پرداخت و یا کاهش درآمد مالیات (اجتناب از پرداخت مالیات) نمونه‌ای است از عدم همکاری اقتصادی، و از طرف دیگر، تحریم تولیدات و خدماتی که برای دولت ایجاد درآمد می‌کند از طرف مصرف‌کنندگان آن، انجام اعتصابات که منجر به بی‌ثباتی اقتصادی می‌گردد، و یا کشیدن وجوه سپرده از بانک‌ها که باعث ایجاد بحران مالی شده و این موضوع قاعده‌تاً از منظر سرمایه‌گذاران خارجی دور نخواهد ماند. افزون بر آن در مواردی ممکن است، همکاری‌های بین‌المللی، ارتباطات تجاری و سازمان‌های غیروابسته به دولت متقاعد به قطع همکاری‌های خود با دولت شده و تضعیف دولت، مورد استقبال آن‌ها واقع شود. بی‌ثباتی در اقتصاد نه

تنها منجر به تضعیف ستون های حمایت دولت می گردد، بلکه باعث بی اعتبار شدن بیشتر دولت در برخورد با سیاست عدم همکاری مخالفین و نیز عدم توانایی کافی برای مقابله با تلاش های گروه های طرفدار مبارزه بدون خشونت گردد. در تلاش برای مبارزه بدون خشونت، زیر نظر داشتن درآمدهای ارزی برای دولت و خروج از سیستم دولتی بسیار مهم است. نکته مورد نظر، شناسایی نقاط ضعف در این مسیر است که بتوان با سیاست عدم همکاری اقتصادی به نقاط ضربه پذیر آن حمله ور شد. در بعضی موارد، درآمدهای ارزی ناشی از تولیدات منابع طبیعی، کالا و خدمات فروخته شده که به دلیل قیمت تمام شده پایین در داخل کشور، به خارج صادر می شود، مؤثرترین وسیله در استفاده از سیاست عدم همکاری در مرحله فروش کالا و خدمات است. در واقع در یک معامله کالا بین دو کشور، بیشترین آسیب رسانی از طرف کشور مبدأ آن کالا است.

عدم همکاری سیاسی

زمانی که هر و یا همه اقدامات مربوط به عدم همکاری با دولت، به عنوان بخشی از جنبش مبارزه بدون خشونت، با ماهیت «سیاسی» تلقی می شود، دکتر جین شارپ سی و هشت مورد را به عنوان اعمال سیاسی در میان 198 روش در اعمال مبارزات بدون خشونت قلمداد میکند (نگا: ضمیمه 2). این اعمال در ردیف نخستین رد صلاحیت منابع کلیدی نظام و یا اشغال کنندگان قدرت قرار داده می شوند. نتایج حاصل از عدم همکاری، دو سویه بوده که سوی دیگر آن متوجه تقویت جامعه مدنی است. تجاربی را که سازمان ها در راستای این عملکرد بدست می آورند و از ظرفیت خود مبارزه با رژیم آگاه می شوند، به تنهایی و یا هم آهنگ با دیگر گروه های هم عقیده خود به کار می برند.

عدم همکاری سیاسی، یک یورش مستقیم علیه دولت است. پخش اعلامیه، شب نامه، بیانیه ها و سایر اسناد در رد صلاحیت سوء استفاده کنندگان از قدرت و نهایتاً به زیر سؤال بردن مشروعیت رژیم، همگی می تواند در قانع کردن جامعه در ایجاد تردید نسبت به صلاحیت رژیم مؤثر واقع شود. انجام اینگونه اعتراضات، می تواند تحریم مؤسسات دولتی را به دنبال داشته باشد، کم کاری به وسیله کارکنان دولتی، ایجاد موقعیت های بی شمار در عدم اطاعت از طرف مردم که به طور گسترده و به طور مداوم پی گرفته شود، می تواند آثار خنثی کننده و حتی فروپاشی قدرت در یک رژیم خودکامه را به همراه داشته باشد.

دخالت

مبارزه بدون خشونت با نیت و یا با تأثیر اختلال در ایجاد الگوهای رفتاری، خط مشی ها، ارتباط ها و یا

مؤسسات، اعمال مداخله جویانه تلقی می‌شوند. آن‌ها ممکن است حتی باعث ایجاد الگوهای جدید رفتاری، ایجاد ارتباط‌ها و حتی باعث ایجاد مؤسسات جدید گردند. از زمانی که استفاده از این روش‌ها در مبارزه با وضعیت موجود بیش از پیش مستقیم و رودررو شده است، موضوعات در دست اقدام از وضوح بیشتری برخوردار شده و برخورد مستقیم با مقامات و انتشار بیانی‌ها نیز سریع‌تر انجام می‌گیرد. از طرف دیگر، عمل مداخله ممکن است عکس‌العمل سریع‌تری در سرکوب، حتی بیش از تأثیر اعتراض و عدم همکاری در پی داشته باشد.

در تاریخ معاصر آمریکا، شواهد فراوانی از دخالت نیروی سومی وجود دارد که توانسته است در تغییر الگوی رفتاری و ارتباطات اجتماعی تأثیرگذار باشد. مقابله با برگزاری تحصن‌ها توسط جنبش حقوق مدنی در آمریکا، به شکلی بسیار مشهود و مؤثر در حمله و پایان دادن به سیاست جداسازی سیاه‌پوست‌ها و سفیدپوست‌ها در مکان‌های عمومی پایان داد. افزون بر این، انجام چنین مبارزاتی، باعث بوجود آمدن این تصور در قانون‌گذاران شد که می‌بایستی در جلوگیری از رواج نژادپرستی و عوارض آن، قوانین گسترده‌تری وضع کنند. با گذشت دهه‌هایی از این رویداد، بسیاری از خشونت‌هایی که در این اعتصابات نشسته روی می‌دهد، نادیده انگاشته می‌شود. تحصن‌ها باعث کتک خوردن‌های بی‌شمار مردم، وارد شدن سگ‌های پلیس به معرکه و سایر اعمال خشونت‌آمیز می‌گردد. بانی این خشونت‌ها، غالباً مقامات مسئول هستند. در شروع درگیری سیاسی-رزمی علیه اعتراضات آرام، نیروهای قضایی وارد عمل می‌شوند،¹¹ در راهکار مبارزه بدون خشونت، علیه یک رژیم خودکامه، نیروهای قضایی که قرار کمک به مردم را دارند، ممکن است یک نیروی ملی‌کارساز محسوب نشده و از یک نیروی کمکی بین‌المللی استفاده گردد. یک نمونه از دخالت بین‌المللی، ارسال نیروی بین‌المللی به آچه Aceh اندونزی در دسامبر 2002 بود. نیروهای بین‌المللی می‌بایستی با افراد ناظرین داوطلب حقوق بشر و کارکنان سازمان‌های بشردوستانه که در خطر حمله مخالفین جنبش برای جایابی وضعیت سیاسی در آچه-اندونزی بودند، همکاری می‌کردند. هم‌زمان، حضور این ناظرین بین‌المللی در جهت بازدارندگی خشونت علیه مقامات دولت اندونزی و اعضای

¹¹سیاسی رزمی Political Jiu-Jitsu را می‌توان به طور خلاصه چنین تعریف کرد «یک روند خاص که در زمان مبارزه بدون خشونت، باعث تغییر در روابط در قدرت می‌گردد. در Jiu-Jitsu سیاسی، عکس‌العمل منفی نشان داده شده به مخالفین، خشونت و سرکوب علیه مخالفین، باعث تضعیف موقعیت رژیم‌ها و نیروی مجتهدین به مخالفین بدون اعمال خشونت می‌گردد». برای تعریف کامل‌تر به پیوست 1 مراجعه شود. «واژه نامه از اصطلاحات مهم در مبارزه بدون خشونت»

گروهی بود که طرفدار خودمختاری و یا جدایی از اندونزی بودند. نمونه ای دیگر از دخالت بین المللی، استفاده از خارجیانی بود که به عنوان محافظت از کشاورزان فلسطینی و سایر شهروندان غیرنظامی فلسطین در مقابل حمله مهاجرین اسراییلی و نیروهای دفاعی اسراییل، به آن سرزمین گسیل شده بودند.

عملکرد دخالت، می تواند باعث تضعیف و احتمالاً تسریع در فروپاشی ستون های حمایت یک رژیم گردد. با یک راهکار سنجیده و حساب شده از موقعیت های موجود می توان مناسب ترین بهره برداری را کرد. بدون داشتن یک راهکار و برنامه ریزی دقیق برآورد نیازها برای تعدیل، ممکن است صرفاً تلف کردن نیروها باشد. این تلف کردن نیرو، برای طرف مخالف فرصتی را ایجاد می کند که در آن به تجدید قوا بپردازد. بالعکس، اگر مؤسسات دولتی به این نتیجه برسند که عمل دخالت کنندگان تهدید مستقیمی نسبت به بقای آن ها است، اعضای این مؤسسات ممکن است، حقیقتاً، به دور رهبر جمع شده و آماده «تا پای جان مبارزه برای بقای رهبر» را سر دهند. برای کاهش چنین خطری، و برای دوری از درگیری با حامیان رژیم با چنان شستشوی مغزی، لازم است به موقع اقدام به تبلیغ علیه منابع قدرت رژیم به طور گسترده به عمل آید.

بخش پنجم

راه حل مشکلات

هیچ مشکلی نمی تواند بدون راه حل بماند، در صورتی که چارچوب و ساختار آن مورد مطالعه قرار بگیرد. اتحاد ملی کارن

وقتی چارچوب مشکلی کارشناسی شده باشد، راه حل آن مشکل نمی تواند از نظر دور بماند. در صورت مبادرت به هر گونه درگیری، به منظور تضمین پیروزی باید هدف ها، راهکارها و طرح های حمایت مشخص گردند. مشخص کردن هدف ها و نیز مشاوره در راهکار مناسب برای مبارزه بدون خشونت، حاصل تصمیم گیری های رهبری جنبش جناح مخالف است. هنگامی که زمان عملی شدن این تصمیمات راهبردی می رسد، و یا زمانی که بخواهد اهداف استراتژیک آشکار شود، کوهی از مشکلات که می بایستی در جستجوی راه حل آن ها بود، ظاهر می شوند.

تجربه نشان داده است که متخصص ها در حل مشکل جنبش های طرفدار دموکراسی، منابع محدودی در اختیار دارند. در کشورهایی که رژیم های خودکامه نظارت های سختی بر جامعه تحمیل می کنند، تصمیم گیری در مورد موضوعات اساسی، محدود به شمار اندکی از طرفداران رژیم می گردد. برای مثال، تصمیم در مورد حاد، همچون انتخاب محل زندگی برای افراد خاص، چه رشته ای در دانشکده بخوانند، کدام شغل را انتخاب کنند و امکان خوردن چه نوع غذاهایی وجود دارد، از جمله تصمیماتی هستند که احتمالاً دولت باید تعیین کند. در بعضی موارد، چه به دلیل ترس و چه به دلیل هنجارهای فرهنگی، زبردستان چندان مایل به انتخاب نیستند و صرفاً آماده اجرای تصمیماتی هستند که توسط بالادستی ها اتخاذ شده. برای ایجاد آمادگی در شناخت مشکلات، سنجش علت وجودی آن ها و ارائه توجیه های ضروری، باید به اشخاص این فرصت داده شود که در حل مشکلات کوچک و بزرگ صاحب تجربه و آمادگی گردند.

واقعیت این است که انسان ها در طول زندگی، برای حل مشکلات، هزاران تصمیم می گیرند. غالب این مشکلات پیش پا افتاده هستند (چه لباسی بپوشند، چه چیز بخرند، و برای جشن تولد بچه کوچکشان چه کسانی را دعوت کنند). بعضی تصمیمات اهمیت بیشتری دارند، مثلاً این که چه نوع شغلی را انتخاب کنند. بسیاری از این تصمیم ها اهمیت زیادی ندارند و نهایتاً اتخاذ آن ها در زندگی خیلی مؤثر نیست، و

ما می توانیم با پیامدهای انتخابان زندگی کنیم البته نه صرفاً با مناسب ترین راه حل ها. اما تصمیم هایی از این قبیل این که با چه کسی باید ازدواج کرد، از نوع انتخاب های مهمی است که هر روز و تا آخر عمر بر زندگی ما اثر خواهد داشت.

سازمان ها نیز باید همچون افراد جامعه به حل مشکلات بپردازند. به این دلیل که تصمیمات سازمانی، ممکن است بر زندگی بسیاری از افراد، هم در درون سازمان و هم در بیرون از آن تأثیر بگذارد، و هم این که دارای پیامدهای تعیین کننده ای نیز باشد، به این دلیل، مهم است که به تصمیم گیرنده اطلاعاتی داده شود که در عین بی طرفی، بهترین و کامل ترین نیز باشد. از آنجایی که شباهت های زیادی، فضای نظامی و تصمیمات گرفته شده برای آن فضا و نیز فضای مبارزه بدون خشونت وجود دارد، روش شناسی و استفاده از فضای نظامی می تواند مثال ها و الگوهای مناسبی برای کسانی که تصمیم می گیرند و نیز کسانی که دارای مسئولیت مشاوره با تصمیم گیرنده ها هستند، باشد.

این روش شناسی در حل مسایل، می تواند در زمینه های گسترده اداری و موضوع های مدیریتی مورد استفاده قرار گرفته و می تواند به شکل فشرده و یا مشروح، در هر سطحی از جنبش به کار بیاید. این مهم است که این قالب، به ترتیبی که در زیر به آن اشاره رفته است، تعقیب شود:

الگو برای مطالعه کارکنان

1- گزارش مسئله

2- فرضیات

3- جنبه های واقعی در این مسئله

4- بحث در مورد واقعیات

5- نتیجه گیری

6- توصیه ها

بخش 1- گزارش مشکل

به دلیل آن که مشکل، مورد توجه اصلی است، در بخش اول گنجانده شده است. یافتن کلماتی برای قراردادن در این بخش، آنچنان هم که در ابتدا به نظر می رسد، کار ساده ای نیست. این امکان وجود دارد که در بخش اول به اشتباه مشکلات جانبی به جای اصل مشکل نشان داده شود. مثال متداول این که، تجربه کسی که به علت سردرد مزمن، روزی دو قرص مسکن استفاده می کند، می تواند مثالی روشن برای این اشتباه منطقی باشد. با این عمل او می تواند به طور موقت این بیماری را تسکین بدهد، اما مشکل اصلی - (در مرحله

اول این است که چرا فرد دچار سردرد می شود؟) - نهفته و بدون جواب می ماند.

بخش 2- فرضیات

با یک مطالعه کلی، می توان فرضیات را به شکلی منطقی جایگزین واقعیت ها کرد. به طور معمول فرضیات عطف به حوادث در آینده خواهند بود. فرضیات تدابیری هستند ساخته دست خود ما برای پوشاندن اطلاعات واقعی که ما فاقد آن هستیم. در وضعیت مطلوب، ما تمایلی به ساختن هیچ فرضیه ای نداریم، و آن ها وقتی شکل می گیرند که ما نیاز به راهی برای حل مشکلی احساس کنیم. به این دلیل است که فرضیات باید به دلیل اعتبارشان به دقت موشکافی شوند. همچنین، خطر ناگفتن آن ها نیز وجود دارد، اما به طور ضمنی، فرضیاتی از قبیل توانایی های گروه ها برای انجام وظیفه ای خطر بایستی مورد ملاحظه قرار گیرند.

بخش 3- جنبه های واقعی در یک مشکل

یکی از قدم های اساسی برای حل مشکلات، گردآوری تمام اطلاعات مبتنی بر واقعیات مربوط به مشکل است. مثال بسیار ابتدایی در این مورد، می تواند در مورد شخصی باشد که دچار سردرد مزمن است. در این مورد تمام حقایق زندگی او از قبیل شیوه زندگی او، نوع رژیم غذایی، بینایی او، عادت های او در کار، ورزش ها، فشارهای عصبی و نیز ارتباط های او با دیگران - باید مورد توجه قرار گیرد.

بخش 4- تبادل نظر در مورد حقایق

در این پاراگراف، اطلاعات مبتنی بر واقعیات و نیز فرضیات مربوط به مشکلات، مورد بحث و تحلیل قرار می گیرند. در این بررسی است که راجع به تحولات و چاره اندیشی ها تصمیم گرفته خواهد شد. مثال کسی که دچار سردرد است، به عنوان یک تمثیل در اشاره به اهمیت این روند، باید در نظر گرفته شود. یک پزشک، در پی یافتن راه درمانی برای بیماری که دچار سردرد مزمن است، ممکن است به تمام عوامل شناخته شده در ایجاد چنین سردردی بیاورد. این شخص مریض ممکن است دچار بی خوابی نباشد، ممکن است توانسته باشد که فشارهای عصبی را به خوبی تحمل کند، در محل های مالاریاخیز زندگی نکند، دچار انفولانزا نیز نشده باشد، اما به طور دائم مشغول مطالعه بوده و در سن 40 سالگی و در ظرف ده سال گذشته حتی یک بار هم برای معاینه چشم اقدام نکرده باشد.

بخش 5- نتیجه گیری

بعد از بحث و تبادل نظر در مورد اطلاعات بدست آمده در ارتباط با مشکلات، بهترین راه حل ها انتخاب شده و در مورد آن ها در این پاراگراف توضیح داده می شود. برای مثال، نتیجه گیری مناسبی که یک پزشک از یک بیمار دچار سردرد می تواند داشته باشد، ممکن است ناشی از تحت فشار قرار گرفتن چشم های بیمار در اثر مطالعه زیاد باشد.

بخش 6- توصیه ها

در این پاراگراف، نتایج بدست آمده، باید به توصیه های خاص تبدیل گردند تا کسانی که در جایگاه تصمیم گیری نشسته اند، بتوانند از عهده حل مشکلات برآیند. در مثال بالا، معاینه چشم، به منظور یافتن راه علاج سردرد است.

یک «آزمایش» ساده، از استفاده از توصیه ها، با در نظر گرفتن سه معیار مشخص می کند:

- 1- مناسب بودن. آیا توصیه های دریافت شده به حل مشکل شرح داده شده کمک می کند؟

- 2- امکان انجام. آیا توصیه ها قابل عمل کردن هستند؟

- 3- قابل قبول بودن. آیا کسانی که مسئولیت تصمیم گیری را به عهده دارند، حاضر به قبول هزینه های آن نیز هستند (به لحاظ سیاسی، مالی و شرایط منابع انسانی)؟ تصمیم گیری معلق به منابع گوناگون موجود بوده و یا نیاز به کسب منابع جدید دارد.

در ایجاد اعتبار بیشتر برای استفاده از روش حلال - مشکلات، تصمیم گیرها باید بتوانند با مروری بر چگونگی روند شکل گرفتن توصیه ها از علت آن ها نیز مطلع گردند. افزون بر آن، افراد تصمیم گیرنده، ممکن است شخصاً اطلاعاتی افزون بر آنچه ارائه شده است داشته باشند که در راهکارهای توصیه شده توجهی به آن ها نشده باشد. برای روشن شدن بیشتر این اطلاعات، شاید مروری مجدد در مطالعات کارکنان قابل توجه باشد. در اواسط سال 1992، گروه ائتلاف مخالفین حکومت برمه، اقدام به تأسیس کمیته اعتراضات سیاسی (PDC) کردند. اولین وظیفه این کمیته، مطالعه بر چگونگی انتخاب بهترین راه در مبارزه برای بدست آوردن دموکراسی در شرایط جدید حاکم بر کشور بود. این کمیته با انتخاب افرادی زمینه ای برای مطالعه، بحث و تصمیم گیری در سطح عالی شورایی ملی اتحاد برمه فراهم نمودند. موضوع بحث و سپس تصمیم گیری در مرحله اول، ادامه توسل به مبارزه مسلحانه و یا انتخاب مبارزه بدون

خشونت بود. به طور وضوح، PDC، شرایطی را طرح ریزی کرد که در آن، عملیات مبارزه بدون خشونت به موازات مبارزات بدون خشونت، به رهبری ملی آنگ سان سوکی Aung San Suu Kyi's National League for Democracy، هماهنگ گردد، در عین حالی که مراقب باشند هدف را از دست ندهند. طرح مورد نظر در دستور کار قرار گرفت. مطالعه انجام شده توسط کارکنان PDC، مثالی است از این که چگونه استفاده از روش حلال - مشکلات می تواند یک سیاست راه گشا به پاسخ سئوالات باشد. در ضمیمه 3 روش های مطالعه فراهم آمده اند.

خلاصه

با استفاده از، شیوه مطالعه در حل مشکلات، این شیوه جزء عادت ثانوی استفاده کننده خواهد شد. همچون آمیختن شماره هایی درهم، برای باز کردن در گاوصندوق، توالی پاراگراف ها در مطالعه کارکنان برای انتخاب شیوه، این اجازه را خواهد داد که برای هر مشکلی راه حلی ایجاد گردد.

بخش ششم

برآورد راهبردی

و بنابراین می‌گوییم: اینکه که دشمن تو، تو را می‌شناسد؛ پیروزی تو هرگز در خطر نخواهد افتاد.
سان تسو، هنر جنگ (500 قبل از میلاد)

برآورد راهبردی، ابزاری است حساس برای برنامه ریزان راهبردی. این ابزار باعث فراهم شدن روش مند ایجاد بهترین راهبرد سیاسی، و نیز ظرفیت آن‌هایی که انتظار مشارکت آن‌ها می‌رود (هم نیروهای متحد و هم نیروهای مقابل) و نیز وسیله‌ای است برای شناخت نقاط قوت و نقاط آسیب‌پذیر برای شروع عملیات. بعد از کار برآورد بهترین روش و تاکتیک، برای انجام عملیات برگزیده خواهد شد. از آنجایی که برنامه‌های عملیات تاکتیکی بر اساس اطلاعات منظور شده در برآورد تاکتیکی است، لذا، کیفیت تحلیل‌ها و حجم اطلاعات و تحلیل‌ها به نحو بسیار مؤثری در شانس بدست آوردن موفقیت مؤثر خواهند بود. روند برآورد تاکتیکی در گسترش سیاست‌ها، پاسخگویی به بحران‌ها، و نیز گردآوری اعضای سازمان‌ها در ارتباط با جنبش‌های دموکراتیک با منابع سنجش و تحلیل‌های دقیق و اطلاعات مبتنی بر واقعیات مؤثراند. افرادی که درگیر برنامه‌ریزی برای مبارزات محلی هستند، طرح‌ها را خلاصه کرده و منحصر به نیازهای محدود محل در برگزاری عملیات می‌نمایند.

اطلاعات گنجانده شده در برآورد تاکتیکی، به طور دائم باید به روز شوند تا برنامه ریزان بتوانند به سرعت پاسخگویی مأموریت‌های فزاینده شده و نیز در صورت تغییرات بزرگ در میدان‌های عملیاتی، دست به اصلاحات مورد نیاز بزنند. برای حصول اطمینان از به انجام رسیدن یک امر مهم، یکی از افراد به طور اختصاصی مأمور برای اظهارنظر گردد، و چه بهتر آن‌که این فرد در «برآورد تاکتیکی» همان هماهنگ کننده و مشاور در تهیه برآوردها باشد. افرادی هم بایستی به عنوان دستیار در تهیه، ارزیابی و ارائه اطلاعات لازم در برآورد و اظهارنظر در مورد اطلاعاتی که ممکن است بعد از آن از بین بروند، حضور داشته باشند.

نقل قول شده در ساموئل بی‌گریفیت، سان تسو: هنر جنگ (آکسفورد و نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد. 1963) 129

به خاطر بعضی ملاحظات امنیتی، ممکن است بخشی از اسناد برآوردهای تاکتیکی در ساختمان دیگری نگهداری گردد. این محل یا ساختمان و ورود به آن، تنها برای کسانی باید میسر باشد که «دانستن» برای آن‌ها لازم است. برای مثال، اطلاعاتی از قبیل توانایی نیروهای تشکیلاتی، مسیر پیک‌ها، و یا تماس‌های داخلی که می‌تواند ضمن حساس بودن جزو اطلاعاتی نباشد که مورد نیاز اغلب گروه‌های مخالف است. جزییات چارچوب استراتژیک که در این بخش مورد بحث قرار گرفته است، اقتباسی از «برآورد رزمی از موقعیت» که ممکن است دقیقاً آن چارچوبی نباشد که هر گروه خاص از مخالفین به آن نیاز داشته باشند. اگر چه، این مهم است که نوعی طراحی حساب شده برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و ارائه اطلاعات در ارتباط با راهکار انتخاب شده و حمایت واقع بینانه اتخاذ گردد. یک ارزیابی استراتژیک، و یا یک چارچوب مشابه، یک فهرست (از کارهایی که بایستی انجام شود) می‌تواند گونه‌ای از اطلاعات مهم و یا استراتژیک را یادآور گردد و یا در غیر اینصورت نادیده گرفته شود. [رجوع به چارچوب پیشنهادی برای ارزیابی استراتژیک در ضمیمه شماره 4]

استدلال و ملاحظات در بیانیه گروه

بیانیه گروه (که عبارت است از، آنچه رهبری در یک جنبش به عنوان اهداف اعلام می‌نماید، نوع مبارزه انتخاب شده، و به طور کلی، این که چگونه این مبارزه باید شروع گردد) نقطه شروعی است برای برآورد تاکتیکی. از این رو، مناسب خواهد بود اگر، مروری بر چگونگی یک بیانیه گروهی برای برآورد راهکار مبارزه بدون خشونت انجام پذیرد.

اگر ایجاد جنبش، عکس العمل در مقابل یک دولت سرکوبگر باشد، اهداف آن درخواستی است از برکناری سرکوبگر از قدرت، و البته، جنبش باید مشخص کند که، دولت حاکم فعلی چگونه از کار برکنار گردد و چه دولتی جایگزین آن خواهد شد. شکل دولت دلخواه که با رأی اکثریت مردم انتخاب می‌شود، بر اساس ویژگی‌های مردم آن جامعه و مطابق با انتظار افراد جامعه در پایان مبارزه خواهد بود. مگر این که افراد آن جامعه، بدون اندیشه و برنامه ریزی، حاکم دیگری را جایگزین رژیم سرکوبگر کنند، در این صورت آن‌ها تنها یک دولت استبداد را از حکومت رانده و دیگری را جایگزین می‌کنند، به مراتب دولتی مستبدتر در رأس قدرت.

به این ترتیب، لازم است به جای «رؤیای فردا»، نتیجه تلاش‌ها و جایابی را به «فردای بنیادگرایی» ترجمه کنیم.

برای مثال: هرگاه نیروی پلیس ملی وجود داشته باشد، که غالباً تنها «چهره» دولت است که به طور روزانه مردم با آن مواجه هستند، و از مواردی است که خارج از کنترل افراد محلی است، این احساس را در مردم ایجاد می‌کند که تا چه حد بجا بود اگر نیروی پلیس محلی تحت نظر مقامات محلی که با رأی مردم محلی انتخاب شده‌اند، قرار می‌گرفت. این امکان نیز وجود دارد که مردم ترجیح بدهند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اولویت‌های اقتصادی در سطح ملی مشارکت کنند، تا این‌که اینگونه تصمیم‌ها در پایتخت اتخاذ شده و فقط برای اجرا به آن‌ها ابلاغ گردد. کوتاه سخن این‌که، ممکن است این آرای جمعی برای انتقال قدرت از مرکز به حکومت‌های محلی وجود داشته. چنین موضوعاتی این نظریه را نیز مطرح می‌کند که یک جنبش برای ایجاد تغییرات، ممکن است حکومت خودمختار ایالتی (حکومت فدرالیسم) را نیز مد نظر داشته باشد.

در یک «نگاه به فردا» مشکلات مربوط به مناطقی که در آن‌ها درگیری‌های مذهبی وجود دارد را نیز باید در نظر گرفت. و نیز به مناسبت وجود حمایت آشکار دولت از تبعیض‌های رایج و یا سوءاستفاده یک گروه از گروهی دیگر. آمیختن دین با سیاست آکنده از خطر برای دموکراسی است. اگر چه سازش بین این دو نیز همیشه باعث نارضایتی کسانی می‌گردد که فقط آرزوی برقراری دموکراسی دارند. همچنین این امر باعث نارضایتی کسانی می‌گردد که احساس می‌کنند حکومت دینی، خود را به جای حکومت دموکراسی غالب کرده است. اما ممکن است بعضی ساختارهای اساسی باعث شوند که دولت از تحمیل انجام تشریفات دینی بر همشهریان بازداشته شده و چنین مقرراتی مورد موافقت همگان قرار گیرد، به این شرط که برای افراد گروه‌های مذهبی این تعبیر بوجود نیاید که مراسم مذهبی آن‌ها قربانی یک مصالحه شده است. چنین مصالحه‌ای می‌تواند اساسی برای زبان در قانون اساسی جدید نیز قرار بگیرد.

چنین اتفاق نظر به فردا را می‌توان، از هدف‌های جنبش و نیز هدف‌های سیاسی آن تلقی کرد. این‌ها به نوبه خود، به هدف‌های راهبردی تعبیر می‌شوند. رهبران جنبش ممکن است اینگونه اهداف راهبردی را در اختیار برنامه‌ریزان بگذارند، و یا این‌که برنامه‌ریزان خود، اهداف سیاسی و بیانیه‌ها را به اهداف برنامه‌ریزی برگردان کنند. مفاهیم موجود در «نگاه به فردا» برای برنامه‌ریزی

برای فردا کافی نیست. برای مثال، زمانی که تصویر «زندگی بهتر برای همه» یک هدف پر ارزش برای هر جنبش مخالف رژیم محسوب می شود، این هدفی است بسیار کلی، و گسترده تر از آن است که مناسب برای برنامه ریزی راهبردی باشد. به این ترتیب، برنامه ریزی را باید متمرکز در موضوعاتی نمود که نمایندگان نقاط ضعف در دولت، عملیات و یا شیوه اداره کشور توسط دولت نمود که تأثیرات نامساعد آن ها در «زندگی بهتر» مردم ناامید کننده بوده است. با تشریح بسیار واضح از مسایلی ضربه پذیر، منابع قدرت را می توان بسیار سنجیده و به طور عملی از هم جدا کرد.

شناسایی ماهیت کسی که مسئول مجموع برنامه ریزی ها و هم آهنگ کردن و تعیین کسانی است که مسئول توزیع برنامه ریزی باشند. از دیگر عوامل مهم در گزارش هیئت می باشد. گزارش هیئت باید با این عبارت آغاز گردد که «چه کسی» بانی به راه انداختن مبارزه بدون خشونت در بین ملت بوده است. در جنبش های بدون خشونت، برخلاف درگیری های نظامی، بندرت سلسله مراتب مشخصی رعایت می گردد. منابع ناامید کننده، مقدمات و شخصیت های گروه های مخالف، فقط به منظور نزدیک نمودن مواضع متفاوت خود به یکدیگر نیاز به ایجاد یک چتر سازمانی به منظور مبادرت به مبارزه دارند. با نظر اکثریت، یک عضو گروه، می تواند عهده دار مسئولیت سازمان دهی برای برنامه ریزی و ایجاد هم آهنگی گردد. راهکار دیگر برای ایجاد بخش برنامه ریزی این است که سازمانی، یک «کادر خدماتی» مستقل با انتخاب نمایندگان از تمام یا بخشی از اعضا تشکیل دهد. در ابتدا، بهترین اقدام دعوت از تمام سازمان ها و طرح موضوعات اصلی می باشد، این کوشش برای ایجاد وحدت نظر در مورد مسایل گوناگون می باشد. از جمله این مسایل تشکیل اقلیتی هایی در تبعید است تا بتوانند در افزایش توان مالی فعالیت داشته باشند، مطالعات و تحقیقات خاصی انجام دهند، اعمال نفوذ بین المللی داشته باشند و حمایت ارتباطات جمعی را جلب کنند.

بعد از مطالعه همه جانبه در مورد بیانیه و اعلام موجودیت برای مبادرت به راهکار مبارزه بدون خشونت، بایستی اقدام به تهیه این بیانیه کرده، با هم آهنگی، آن را به چتر سازمانی برای تأیید ارسال دارند. این بیانیه اعلام موجودیت می تواند چیزی شبیه به این باشد:

مردم (کشور مربوط) تحت اتحاد برای دموکراسی (و یا هر چیز دیگر) اقدام به مبارزه بدون خشونت برای سرنگونی استبداد نظامی (ذکر دقیق مشخصات رژیم) از قدرت؛ برقراری دولت منتخب به روش

دموکراسی، ایجاد یک دولت فدرال و حمایت از آن دولت، در مقابل هر گونه کودتا می نماید. برآوردهای راهبردی در ابتدا ممکن است اسنادی بسیار تخصصی به نظر برسند که تنها توسط افرادی با تخصص بالا تدوین شده باشند. با بکارگیری طرح پیشنهادی برای انتخاب بخش برآوردهای راهبردی strategic estimate می توان آن را بین افراد متعدد توزیع کرده و اجازه داده شود که هر کس در این دستاورد مشارکت داشته باشد. همچنان که بخش های مختلف کامل تر و کامل تر می شوند، برنامه ریزان نیز شاهد خواهند بود که «تصویری بزرگ» از جزئیات نهفته شده در اسناد نمایان می گردد. به هر اندازه که تحلیل گران با تجربه و آموزش دیده باشند، «تصویر بزرگ» نیز سریع تر و نمایان تر خود را نشان خواهد داد.

در یک مثال از برآوردهای راهبردی strategic estimate و نگاهی به ساختار آن، ارزش آن مشخص شده و ثابت می کند که ساختار آن در میان گروه های با صلاحیت شکل گرفته است. طرح مقدماتی مورد استفاده به عنوان طرح برآورد راهبردی strategic estimate format به شرح زیر (نگاه: ضمیمه شماره 4) تهیه شده به وسیله کمیته سیاسی مخالف (PDC) در کشور برمه در سال 1992 می باشد. این طرح، نه کامل بود و نه این که قصد استفاده از آن به عنوان برنامه ریزی ابزاری برای PDC بود. بیشتر، استفاده از آن برای آموزش کسانی بود که مأمور تهیه برآوردهای راهبردی شده بودند. ممکن است که این طرح مقدماتی برای خوانندگان به دلیل این که دربرگیرنده توضیحاتی در مورد علت وجود طبقه بندی هایی در مورد اطلاعات مربوط به طرح است و این که چه اطلاعات دیگری می تواند در این طبقه بندی ها منظور گردد، مفید واقع شود.

ارزیابی موقعیت

1- مأموریت

به منظور القای قانون حکومتی و تجدید نظام شورایی (SLORC) و وجاهت قانونی، شورای ملی اتحاد برمه (NCUB) انجام یک رشته عملیات سرپیچی سیاسی را تدارک می بیند. انتخابات آزاد و دموکراتیک و نظام حکومت ایالتی را در رانگون برقرار نموده و پیش گیری کودتا علیه آن را اعلام می نماید.

2- موقعیت و روند عملیات

دومین بخش از برآورد، شامل تمام اطلاعات در مورد موقعیتی است که مأموریت در آن به انجام رسیده است. در این مثال خاص از برآورد استراتژیک [برمه] نه تنها زمین، حمل و نقل،

ارتباطات و آب و هوا و منطقه مورد نظر قرار داشت، بلکه موقعیت سیاسی و نظامی هر دو طرف نیروهای خودی و دشمن نیز زیر ذره بین قرار گرفته بودند. این بسیار ضروری است که تا حد ممکن بدانیم که در این عملیات چه برخوردی رخ خواهد داد. تنها در صورتی که اطلاعاتی بدست نیاید، باید به مفروضات متوسل گردید هر چند با بی میلی. باید به یاد داشت که فرضیات، جانشین واقعیات هستند، و هیچگاه پیش نیامده است که یک فرض به درستی جانشین حقیقت گردد. با این حال باید در نظر داشت که هر گونه ارزیابی موقعیت هم تراز با عملیات صورت می گیرد.

A. ملاحظاتی چند، تأثیر گذار بر مسیر عملیات

1- ویژگی ها در منطقه عملیات

(a) جغرافیای نظامی

(تذکر: چه دلیلی دارد که شورای ملی اتحادیه برمه نگران جغرافیای نظامی باشد، در حالی که خود او کار هدایت مخالفین را به عهده دارد؟ نیروی SLORC با عملیات نظامی خود پاسخگو است، و جغرافیای نظامی بعضی از اطلاعات را به NCUB در مورد چگونگی کوشش در طرف مقابل می رساند. جغرافیای نظامی همچنین نفوذ بر حرکت و زمان نیروهای NCUB خواهد داشت.) 1- توپوگرافی. نقشه برای نمایش وضعیت، اطلاعات کافی را در مورد وضعیت مکانی شامل زمین، مناطق مسکونی، جاده و شبکه های راه آهن فراهم می آورد.

2- آب شناسی. برای هدف های NCUB، گذرگاه های رودخانه ها و نهرها اهمیت دارند. با مشورت با اهالی روستاهای محلی، می توان بهترین موقعیت ها را در نقاط گوناگون برای عبور از رودخانه ها و نهرها مشخص نمود. اهالی محل حتی ممکن است در مورد جاده های بسیار کم رفت و آمد و کم شناخته شده به شما نشانی بدهند.

3- شرایط اقلیمی و آب و هوا. در این شرایط، به طور کلی اطلاعات عمومی نسبت به آب و هوا، کافی است. برای مثال، اطلاعات عمومی حاکی از این است که پدیده مونسون به طور کلی در بین ماه جون تا سپتامبر نمایان می شود و این که در ماه آوریل هوا بسیار گرم و رطوبت بالا است. (داشتن این اطلاعات چه ارزشی دارد؟ برنامه ریزان با در نظر گرفتن این عوارض، نیاز به آب اضافی برای نوشیدن و نیاز به در نظر گرفتن تدابیری برای غلبه بر گرما و گرمایزدگی و خستگی های ناشی از گرما را در محاسبات خود منظور می نمایند. می توان از عوارض شدید گرما در ماه آوریل و می دوری جست. اگر قرار بر این باشد که تظاهرات در ماه آوریل و یا ماه

می صورت گیرد، انتخاب ساعات روز، طول تظاهرات، و یا توزیع بطری های آب بین تظاهرکنندگان می تواند به خوبی در هوای گرم تأثیرگذار باشد.) اخبار روزنامه ها می تواند اطلاعات مربوط به هوا را فراهم کند. روزنامه پرتوی جدید در میانمار (که قبلاً به نام روزنامه کار) منتشر می شد، اطلاعات مربوط به مقدار باران باریده شده در رانگون را به طور روزانه اعلام می نماید. گفتگو با اهالی بخش های مختلف در برمه، و تأثیر پدیده مونسون در فعالیت بالقوه مردم بسیار مهم است. آیا مونسون در برنامه پروازها در برمه اثر می گذارد؟ (با بررسی شبکه جهانی SLORC در اینترنت برای برنامه های جاری امکان دسترسی به بسیاری از پاسخ ها مربوط به تأثیرات مونسون وجود دارد.) آیا ارتش آزادخواه ملی کارن (KNLR) و یا سازمان آزادیبخش کاپین (KIO) اطلاعاتی در مورد عملیات ماهیانه نظامی برمه دارند؟ چه طرحی را در مورد آب و هوا می توان پیگیری کرد؟ آب و هوا چه اثراتی می تواند بر مأموریت های عملیاتی بگذارد؟ آیا بیماری های شایع در ماه خاصی پدیدار می شوند؟ این ها را چه کسی می داند؟ تجارب دست اول در این موارد با ارزش هستند.

(B) حمل و نقل. چه ارتباطی بین بخش

حمل و نقل و مخالفت سیاسی در برمه می تواند وجود داشته باشد؟ مسافرین نامه رسان. مسافرت فعالین و هم آهنگ کننده ها. جایابی ارتش برمه. افراد از یک شهر به شهری دیگر و یا از یک دهکده به دهکده ای دیگر سفر می کنند. ملزوماتی در راه ها و رودخانه ها جایابی می شوند. زمان این جایابی از نقطه A به نقطه B می تواند به طور جدی مهم باشد. چه نوع از وسایل نقلیه در اختیار دوستان یا در اختیار نیروهای دشمن قرار دارد؟ مسیر برای اتوبوس در شهرهای بزرگ و یا برای شهرهای بزرگ وجود دارد؟ امکان دارد که کارکنان در اتوبوس، راه آهن، تاکسی و قایق ها سازمان دهی شوند؟ آب و هوا و شرایط اقلیمی به چه شکل می توانند بر حمل و نقل اثر بگذارند؟ آیا می توان تاکسی ها را برای رفت و آمد در شهر کرایه کرد؟ برنامه ریزان چگونه می توانند در این مورد پاسخ دریافت کنند؟ آن ها می توانند با رجوع به برنامه حرکت قطارها، اتوبوس ها، پرواز هواپیماها و قایق ها و مراجعه به روزنامه ها و جزوه های توریستی به ایستگاه های قطار، ایستگاه های اتوبوس و گفتگو با گردشگران بپردازند.

(C) ارتباطات. چه تکنولوژی هایی

برای SLORC و طرفداران جنبش دموکراسی وجود دارد؟ چه

ظرفیت هایی از ارتباطات می تواند در اختیار آن ها قرار گیرد؟ (ماهواره، امواج کوتاه تماس سریع، تلفن همراه، دستگاه فاکس، غیره) آیا برنامه ریزان از عهده خرید ابزار مطمئن ارتباطات برمی آیند؟ در مورد افراد استفاده کننده از سایت های بزرگ اینترنتی که به زبان مشترکی نیز آگاه نیستند چه؟ در اینجا، بخش ضربه پذیر دولت کدام است؟ (امواج کوتاه، خطوط تلفن، کلیدهای جاچاکننده، انداختن پارازیت). ترمینال های کامپیوتر با مودم برای ارسال فاکس به طور مستقیم به و یا از اروپا و امریکا برای خرید موجود هستند. اطلاعات مربوط به این موضوع را از کجا می توان بدست آورد؟ بعضی از شرکت های غیروابسته به دولت با اینگونه تکنولوژی های جدید آشنایی دارند. غالباً کارکنان ناراضی مخابرات دولتی به راحتی به مسایل مربوط به حرفه خودشان پاسخ می دهند. بروشورهای تجهیزات مخابراتی نیز غالباً مقالاتی در مورد فن آوری های جدید به همراه دارند. بعضی از مجلات بین المللی ...

(d) سیاست. در این پاراگراف

برنامه ریزان در نظر دارند که چارچوبی کلی برای پیاده کردن سیاست بیان کنند. آیا حکومت نظامی نتیجه بخش است؟ تصمیمات سیاسی به چه نحو گرفته می شوند؟ آیا ترسیم یک نمودار قادر به انعکاس دقیق روابط سیاسی است؟ آیا مبارزه سیاسی است، و برنامه ریزان، دقیقاً در یک محیط سیاسی فعال هستند. اگر چنین است، آن ها بایستی از جریان های سیاسی مطلع باشند. آیا امکان دارد که برنامه ریزی SLORC در حمایت از جنبش دموکراسی تدوین شود؟ برای مثال، آیا مجمع ملی SLORC بخشی از برنامه ریزی است؟ در مورد روابط اقتصادی خاص بین ژنرال های تایلندی چطور؟ آیا یک «مرکز ثقل سیاسی» ایجاد شده است؟ درباره روابط متقابل برمه - آسه آن چطور (همکاری کشورهای جنوب شرقی آسیا)؟ چگونه ناظرین مصلحت نگر می توانند پاسخ چنین سئوالاتی را دریابند؟ اعلامیه های رسمی، گزارش های خبری، مصاحبه با افراد، بازبینی فعالیت ها، آراء سیاسی. همگی از جایگاه مناسبی برای شروع برخوردارند و به همین ترتیب آیا تحلیل ها از طرف ناظرین سیاسی در برمه صورت می گیرد؟

2- قدرت نسبی مبارزه

پاراگراف ارزیابی راهبردی (استراتژیک) نباید به صورت «پرتابی به جلو» باشد. و بهتر است شروع آن با تحلیل اطلاعات باشد. در غیر این صورت، تحلیل زودرس و در واقع مقایسه «سیب با نارنج» است (تمرد سیاسی و تمرد نظامی دو «سلاح سازمانی» منتخب هستند) و در این مورد باعث

پیچیده شدن اطلاعات می گردند. این پاراگراف باید محدود به اطلاعاتی گردد که مورد درخواست قرار گرفته است.

(a) نظامی گری حریف.

1- نیرو. (تعداد، اندازه و نوع واحدها). SLORC اعلام داشته است که تصمیم به افزایش نیرو در سطح 500/000 نفر را داشته و در ابتدا به کار پیاده نظام سبک پرداخته و ظرفیت هوایی و دریایی را محدود نگه خواهد داشت.

2- فرمان نبرد. (اساس آن در کجا است، کدام واحد متعلق به کدام سازمان است؟). این طبقه بندی ممکن است از این نظر اهمیت داشته باشد که کدام یک از واحدهای مستقر در کدام محل پاسخگو می باشد. همینطور هم با اطلاع از فرمان نبرد، برنامه ریزان این فرصت را خواهند یافت که شخصیت و چهره فرماندهان انتخاب شده را زیر نظر بگیرند. کمیته سیاسی شورشیان (PDC) ابتدا متوجه مرکز فرماندهی لشکرها، فرماندهان محلی و بالاتر از آن می باشد.

3- جایگیری و آرایش. (این واحدها کجا هستند، چگونه استقرار یافته اند، و چه می کنند؟)

4- نیروهای کمکی. (کدام واحدها مأمور تقویت نیروهای درگیر هستند - هوابرد، کماندو، نیروهای ضربت، نیروی هوایی؟ نوبت های عادی برای اعزام چقدر در نظر گرفته شده و معترضین سیاسی [political defiance] قبل از این که کار از کار بگذرد چه اندازه فرصت در اختیار دارند.

5- پشتیبانی و تدارکات. (واحدها چگونه تدارک مجدد شده اند؟ چنگاه یک بار آن ها با ایجاد تماس و یا بدون تماس تدارک مجدد شده اند؟ چه مدت زودتر از شروع یک عملیات مسئولین این کار مشخص شده اند؟ آیا قبل از شروع عملیات مکان خاصی برای عملیات این مسئولین در اختیار گرفته شده است؟ آیا از تدارکاتی که برای ارسال در نظر گرفته شده، شدیداً مراقبت بعمل آمده است؟ آمادگاه و انبار این تدارکات در کجا واقع شده اند؟)

6- کارآیی در نبرد. (برآورد آموزش، توانایی، تاریخچه واحد، نرخ تلفات، و اخلاق. این اطلاعات برای درونمایه طرح تبلیغات و راهبرد توزیع آن

بسیار مهم اند.) واحدهای گوناگون دارای کاربردهای گوناگون هستند. برای مثال، واحد پیاده نظام که شرح آن داده شد [واحد 22 پیاده نظام لشکر 121 هنگ زرهي]. چنین واقعیتی به برنامه ریزها اجازه می دهد که نه تنها به الگوهای توصیه شده عمل کنند، بلکه بتوانند یک واحد خاص را برای یک مأموریت خاص «نامزد» کنند. گزارش های فرار افراد، تهیه شده بوسیله CNAB (کمیته مبارزه بدون خشونت در برمه) منتشر شده در دهلی نو، حاکی از پایین بودن سطح اخلاق در ارتش برمه است. آیا گزارش های دیگری از فرار نظامیان وجود دارد که بر اساس آن بتوان قضاوت نمود که چنین ضعف اخلاقی در همه ارتش گسترده است و یا صرفاً در یک واحد خاص وجود داشته است؟ چه علتی باعث چنین ضعف اخلاقی در میان واحدها شده است؟

7- تصویر نیم رخ از ارتش. در این بخش، طبقه بندی اطلاعات مربوط به ترکیب ارتش برمه به عنوان یک مؤسسه از نظر آموزش، طبقاتی، مذهب، انگیزه، متوسط سن و غیره مطرح می گردد. اطلاعات مربوط به محل استقرار ارتش دشمن را می توان از طریق روزنامه ها، مجله های خارجی و اجرای برنامه های خبرپراکنی، با گرفتن گزارش بازجویی ها از زندانی های فراری جنگی، پیک های ماجراجو¹²، گروه های مقاومت و هم نظرهای آن ها، افسران دولت و هم نظرهای آن ها که در موقعیت هایی در جنگ ها شرکت داشته اند دریافت داشت.

(b) نیروهای نظامی مستعد برای

همکاری. برای راهبرد موفقیت آمیز عملیات مخالفین، نیروهای ارتش ممکن است برای مدتی نیاز به جابجایی مرکز عملیات خود و یا تیم مخالفین سیاسی را داشته باشند. برنامه ریزان برای عملیات خودی، می توانند فرصت های مناسبی از جهت عملیات روحی و روانی علیه ارتش برمه برنامه ریزی کنند. بنابراین، برنامه ریزها باید به جمع آوری اطلاعات مربوط به موارد فوق برای استفاده نیروی خودی بپردازند. آن ها کجا می توانند اطلاعاتی از نیروی نظامی مستعد برای همکاری بدست آورند؟ آن ها به احتمال زیاد می توانند عملیات خود را از مراکز فرماندهی شروع کنند. به احتمال زیاد،

¹² این یک شیوه همیشگی در ارتش برمه بود که برای انجام عملیات، مردم غیر نظامی را وادار به باربری و حمل و نقل تجهیزات نموده از آن ها به عنوان حمال استفاده کنند. گزارش های متعددی در دست است که طی سال های متمادی، اینچنین حمال هایی وادار می شدند که در پیشاپیش واحدهای نظامی حرکت کنند و این در حالی بود که در مناطق تحت کنترل شورشیان، از آن ها در واقع به عنوان «مین جمع کن انسانی» استفاده می گردید. بنابراین خطرات و نحوه سخت برخورد با آن ها به وسیله سربازان، بسیاری از آن ها تلاش می کردند که فرار کنند.

فرماندهان نظامی نسبت به دادن اطلاعات در مورد نقاط قوت و ضعف مربوط به خودشان تمایلی نشان نخواهند داد. اینگونه اطلاعات بسیار حساس اند و بایستی از آن ها مراقبت گردد. بنابراین، باید کارکنان خاصی باشند که اعلام کنند نیاز به دانستن چنین اطلاعاتی هستند و نیز اعلام کنند که چگونه این اطلاعات از طرف دفتر کمیته مخالفین سیاسی (PDC) نگهداری خواهد شد. **(توصیه: برای یک جنبش بدون خشونت، داشتن ملزومات نظامی یک امتیاز منفی است.** داشتن چنین ملزوماتی در تضاد با فعالیت ها و اهداف جنبش بدون خشونت بوده، باعث ایجاد مشکلاتی در جنبش خواهد شد، اتهام این که جنبش یک جنبش تروریستی با عملیات مسلحانه است، را متوجه جنبش می نماید. و این باعث ایجاد اشکال در برخورداری جنبش از حمایت جامعه بین المللی خواهد شد. و افزون بر آن، مسلح شدن یک جنبش، باعث افزایش برخورد خشونت بار از جانب رژیم می شود. حقیقت این است که با این حال، بعضی از گروه های مخالف، با نپذیرفتن «تسلیم شدن» اگر چه آن ها می دانند بهای سنگینی در مقابل امتیاز کم بایستی بابت این عمل پردازند، دست به عملیات مسلحانه می زنند. اگر چنین گروه هایی نتوانند خود را قانع به این کنند که باید حرکت در جهت مبارزه بدون خشونت باشد، با وجود داشتن جمعیت تحت کنترل و یا تحت تأثیر خودشان ضروری است که، عملیات مسلحانه از جنبش فاصله بگیرد، و جنبش بدون داشتن ملزومات نظامی به راه خویش ادامه دهد.)

(c) مقاومت گروه سیاسی مخالف.

SLORC دارای توان بالقوه فراوانی برای مبادرت به مبارزه بدون خشونت است. در این وحله، این توان بالقوه شناخته نشده است. اما، ضروری است این قابلیت ها مورد ارزیابی قرار گیرد تا در صورت نیاز در انجام عملیات مورد استفاده قرار گیرد. جنبه های اساسی در SLORC (شورای اصلاح نظام و قانون اساسی) و کاربرد آن را می توان به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

1- توانایی ها

a. سانسور

b. تسخیر

راديو، تلویزیون و روزنامه ها

c. کنترل

تمام آموزش ها

d. ارائه

قدرت برای کنترل رفتار

.e شناسایی بین المللی و دسترسی به مطبوعات جهانی و سایر ابزار ارتباطی

.f آموزش دولت و شبکه اطلاعاتی گسترده

.g قابلیت های ارتباطی در سطح جهان
2- نقاط ضعف

.a عدم صلاحیت در اداره امور

.b مورد تنفر قرار گرفتن از طرف مردم

.c نداشتن برنامه ریزان آموزش دیده

.d حمایت از نسل کشی

.e نقاط ضعف دیگر و آسیب پذیری ها
3- ستون های حمایت

.a ارتش برمه

.b MIS (سرویس های اطلاعاتی ارتشی)

.c ارتباط جمعی

.d سرمایه گذاری خارجی

.e جوامع تجاری

.f کارکنان کشوری

.g سایر (آسه آن، چین، غیره)

4- ملاحظات جمعیتی
.a مورد کلی (استفاده شده در هر دو قسمت)

.b جمعیت 45/103/809 نفر (برآورد سال 1995)

c. از صفر تا 14 ساله: 36% (مؤنث 7/963/544 نفر و مذکر 8/285/459 نفر)

d. از 15 تا 64 سال 60% و 65 سال به بالا 4%

e. رشد جمعیت: 1/84%

f. نرخ تولد: در هر 1000 نفر جمعیت 28/20 تولد

g. نرخ مرگ و میر: در هر 1000 نفر جمعیت 9/63 مرگ

h. بیشترین تمرکز جمعیت در رانگون Rangoon، ماندالی Mandaly و مول مین Moulmein وجود دارد.
5- ملاحظات مخالفین سیاسی

a. "متفقین"

طبیعی"

-1

ارتش برمه

-2

MIS

-3

کارکنان کشوری

-4

طبقه تجاری

-5

چین، سنگاپور، ژاپن، اندونزی، تایلند

-6

سایر؟

b. سازمان

ها

(توصیه: یادآور می شود که سازمان ها به معنای منابع قدرت اجتماعی، کانون قدرت هستند. آن ها می توانند در روند غیر متمرکز کردن نقش عمده ای داشته باشند و نیز می توانند توسط برنامه ریزان PD برای شناسایی ستون های حمایت قدرت و خنثی کردن یا جابجایی آن ها مورد استفاده قرار گیرند.)

- 1 اتحادیه توسعه همبستگی
- 2 سانگا Sangha (رهبری در آیین بودا)
- 3 مؤسسه نویسندگان و هنرمندان
- 4 سازمان آموزگاران
- 5 سازمان سربازان بازنشسته
- 6 باشگاه های ورزشی
- 7 سایر

c. انشعاب

های سیاسی

- 1 فرماندهان ارتش و MIS
- 2 «میانه روها و اصول گرایان» در میان SLORC
- 3 کارکنان پایین دست و مدیران
- 4 کارکنان بخش خصوصی و سرپرستان خارج از کادر اداری
- 5 SLORC و کشاورزان
- 6 سایر

d. قابلیت

های دوستان مبارز سیاسی

غالب

اطلاعات در مورد PD را می توان از طریق کسانی که در جنبش های سیاسی مبارز فعال بوده اند و نیز کسانی که عضو کمیته های سیاسی مخالف هستند، بدست آورد. اطلاعات مربوط به سازمان ها بر دوایر فرماندهی، محل و مقررات PD هم آهنگ کننده و فعالین آن، فعالیت های اخیر آن ها و نیز تعداد آن ها را می توان از طریق اعضای آن ها بدست آورد.

1- ستون

های حمایت

(نظریه:

هدف اصلی در مبارزه، ستون های حمایت هستند. ستون های حمایت مخالفین نیز هدف برای مبارزات ما هستند، و ستون های حمایت از ما نیز بالاترین مرجع برای عملیات، هستند.)

a.

جمع ملی برای دموکراسی

b.

شورای ملی در اتحاد برمه

c.

جمع راهبان جوان برمه

d.

کمیته مبارزین سیاسی

1- سازمان های اقلیت های قومی

2- سازمان های بین المللی تشکیلاتی (مؤسسه جامعه باز، غیره)

3- سازمان ملل

2- ملاحظات

جمعیت شناسی (به همان ترتیب مخالفین در بالا)

a.

نحوه توزیع فارغ التحصیلان دانشکده ها. (فارغ التحصیلان دانشگاه ها آمادگی به کار گرفتن مهارت ها و نیز هدایت واحد را در مبارزه سیاسی دارند؛ آن ها به طور دائم اطلاعات گوناگونی را از طریق تبلیغات دریافت می کنند. این باور وجود دارد که روشنفکرها تهدیدکننده های سنتی مستبدین هستند و این دقیقاً یک واقعیت است.)

b.

نرخ باسوادی در منطقه

c.

تراکم قومی و مذهبی. (این اطلاعات به انتخاب فعالین و هم آهنگ کننده های سیاسی کمک کرده و برای نیروهای تبلیغات چی اطلاعاتی را فراهم می نماید که می توانند آن ها را به صورت ادبیات خاص برای گروه های خاص ارسال نمایند.)

d.

استاندارد زندگی در منطقه. (اگر در یک دهکده، غذای کافی وجود ندارد، آب جاری وجود ندارد، برق نیست، دسترسی به دارو و بهداشت وجود ندارد و نیز جوانان، منطقه را ترک

کرده اند، طبیعی است که ما نباید این انتظار را داشته باشیم که اهالی چنین منطقه ای توجه خود را معطوف تلاش های ما کنند. ما هستیم که باید چیزی به آن ها بدهیم. و نه فقط چیزی ملموس، بلکه تصویری از آینده و زمانی که یک دولت دموکراتیک ایجاد گردد.)

3- ملاحظات

سیاسی

.a

"متحدان طبیعی"

(نظریه: از خدمات صورت گرفته بوسیله NCUB (شورای ملی اتحاد برمه) چه کسانی بهره مند شده اند؟)

1- بازرگانان مرزی برمه

2- دانشجویان

3- گروه های مذهبی

4- غالب گروه های قومی

5- NLD (انجمن های ملی برای دموکراسی)

6- گروه های طرفدار محیط زیست

7- سازمان مدافع حقوق بشر

8- سایر

.b

سازمان ها

(نظریه: به یاد داشته باشیم که سازمان ها اساس "بازوهای قدرت" هستند. پایه گذاران برنامه ریزی، باید دقت زیادی در ارزیابی ظرفیت های این سازمان ها داشته باشند. حتی ممکن است در این ارزیابی، دخالت سازمان های بین المللی و یا آن هایی که منافع در برمه دارند نیز به حساب آورده شوند.)

1- NLD (انجمن های ملی برای دموکراسی)

2- توسعه اجتماعی Pan-Kachin

3- اعضای سازمان های NCUB (شورای ملی اتحاد برمه)

4- رادیو صدای دموکراتیک برمه

5- RSO (سازمان اتحاد Rohinga)

6- FTUB (اتحادیه های تجارت آزاد برمه)

7- UN (سازمان ملل)

8- موقوفه ملی برای دموکراسی

9- مؤسسات بین المللی جمهوری خواهان

10- مؤسسات اجتماعی آزاد

11- سایر

.c

انشعابات سیاسی

(نظریه: در بین جنبش های سیاسی طرفدار دموکراسی، انشعابات سیاسی به طور گسترده ای معمول است. اختلافات جدی در اندیشه ها را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد.)

1- ائتلاف ملی در حاکمیت اتحاد برمه و DAB

2- اختلاف بین NCUB و Rohinga در مورد انحصارات

3- اختلاف بین NCUB و FTUB در مورد هم آهنگی ها

4- اختلاف بین NCGUB و NLD-LA در مورد اعمال سیاست مرزی

5- سایر

4- ملاحظات

امنیتی

a. کارآیی ضدجاسوسی. (تأثیرعمومی آن ویا انجام عملیات زودهنگام PD)

b.

آسیب پذیری افراد در تجدید قوا

c.

روش های سازمانی در تحقیق. چه اقدام هایی برای کاهش نفوذ افراد اطلاعاتی انجام گرفته است؟ دادن اطلاعات گمراه کننده، مراقبت و نظارت و دادن اطلاعات کم اهمیت به آن ها، راه هایی هستند که می توان تازه واردها به گروه را مورد آزمایش قرار داد.

d.

ارتباطات. (چگونه پیغام ها رد و بدل می شوند؟ تا چه حد این نقل و انتقال از امنیت برخوردار است؟ پیغام برها، رادیو، اطلاعات جسته گریخته، فقط دریافت، کدهای از پیش تعیین شده، PGP و سایر اشکال کامپیوتری، این ها نمونه هایی از تحول در این رشته اند.)

e.

اسناد و اطلاعات محرمانه. هیچکس حق ندارد توانایی های رژیم در نفوذ در گروه های مخالف را دست کم بگیرد. بنابراین، یک "زنجیره ای از امانت" برای حفظ مدارک حساس ایجاد گردد. این حرکتی است که هر کدام از اعضا که اینگونه مدارک را مطالعه نموده است، یک رونوشت از آن گرفته و آن را حفظ کند. این یادآوری به طور مستمر صورت گیرد که حتی الامکان اطلاعات بسیار حساس بایستی منحصر به کسانی گردد که "نیاز به دانستن" دارند. (در مبارزات بدون خشونت، اطلاعات بسیار کمی وجود دارند که باید "پنهانی" نگهداری شوند، اطلاعاتی که برملا شدنشان افراد را در خطر بزرگی قرار می دهد.

(3) مفروضات

با توجه به مأموریت انجام شده و اطلاعات بدست آمده، برنامه ریزان ممکن است، برنامه ریزی را صرفاً بر اساس فرضیه ها تنظیم کنند. آن ها ممکن است با بررسی در مورد راه های جدید پیش پا قرار گرفته بر تعداد این فرضیه ها اضافه کنند. برنامه ریزی کارآمد، نمی تواند صرفاً بر اساس مفروضات باشد. برداشت از واقعیت ها در هر مورد ممکن، اساس موفقیت در جنبش های بدون خشونت است. اگر قرار بر استفاده از مفروضات باشد، بایستی کوشش گردد که این مفروضات موجه باشند. برای مثال:

(a) مورد کمک به NCUB هیچ نوع کمک نظامی از دول خارجی نباید درخواست شود.

(b) با تحت تأثیر قرار گرفتن از همکاری های چند ملیتی، کشورهای دموکراتیک غربی تصمیمات تندی علیه SLORC نخواهند گرفت و تنها به رد و بدل کردن تبلیغات اکتفا خواهند کرد.

(c) وجوه دریافتی از کشور اندونزی و تایلند توسط فرماندهی خوب دموکراتیک، سیاست امریکا را در مورد کشور برمه تحت تأثیر قرار داد.

(d) سرمایه گذاری خارجی برای ثبات سیاسی و رشد اقتصادی در کشور برمه بسیار حیاتی است.

(e) سایر در این مرحله است که با برآوردهای استراتژیک، برنامه ریزان استراتژیک، آغاز به استفاده از اطلاعات بدست آمده و مفروضات می نمایند. قدم بعدی، تعیین ظرفیت های دشمن است که می تواند در عملیات مخالفین سیاسی تأثیرگذار باشد. این استفاده از اطلاعات در پاراگراف 2B در برآورد استراتژیک مطرح شده است.

B. ظرفیت مخالفین

با مطالعه و بازنگری در تحلیل اطلاعات بدست آمده از ارتش برمه، جنبش مبارزه بدون خشونت می تواند ظرفیت های دشمن را که بر فعالیت های جنبش تأثیر می گذارد شناسایی کند. نتایجی که توانایی های ارتش برمه می تواند بر آن تأثیر بگذارد عبارتند از:

(1)

دستگیری مجدد، قتل، و یا تبعید آنگ سان سوکی

(2) سرکوب

شدید در سه مرکز ناآرام شهری بدون آسیب رساندن به ظرفیت های خود در اجرای عملیات نظامی در مناطق آزاد شده.

(3) جلب

حمایت و همکاری چین، هند و ارتش تایلند و سازمان های اطلاعاتی برای منزوی کردن و محدود کردن تأثیرات گروه های طرفدار دموکراسی در طول مرزهای مشترک.

(4) ایجاد

پارازیت در فرستنده های خارجی

(5) حمله و

اشغال مراکز NCUB/KNU

C. روند عملیات Courses of Action

(CA)

بعد از بازبینی مجدد در مأموریت در جنبش و بررسی و تحلیل ظرفیت های خودی، کسانی که درگیر تهیه برآوردهای استراتژیک هستند، قادر به ایجاد روند عملیات برای اتمام مأموریت می باشند. به یاد بیاوریم که یک استراتژی کارآمد، باعث انحراف و سردرگمی دشمن و نشانه گیری غیرمستقیم هدف (با ایجاد هدف های میانجی) می گردد که به طور کلی بسیار دخواه بوده و جنبش مبارزه بدون خشونت را قادر می سازد که با تمام قوا به نقاط ضعف دشمن هجوم برده، و نهایتاً در یک سطح استراتژیک، مسئولین تمام ظرفیت های خود را درگیر کنند.

CA 1- نوعی از

استراتژی که PD را تبدیل به یک نقطه قدرت در سراسر برمه کرده است، اهداف آن از قرار زیر است:

a.

هدایت عملیات PD و انعکاس آن برای ایجاد بی ثباتی در تمام کشور

b.

انتخاب اعضا در گروه های طرفدار دموکراسی

c.

ایجاد آمادگی برای برگزاری اعتصابات عمومی

d.

حضور SLORC با اهداف پراکنده یا مشخص

CA 2- سایر

3- تحلیل روش های متضاد در عمل

در این پاراگراف بحث ما این است که هر یک از توانایی های دشمن تأثیر خاص خود را بر روند عملیات جنبش خواهد گذاشت. از توانایی که به طور مثال در بالا به آن اشاره شد، اگر روند عملیات برای یک خیزش همگانی در رانگون، ماندالای و مالین در نظر گرفته شده باشد، و اگر دستورات صادر شده از طرف ارتش در برمه دست کم گرفته شود، نیروهای طرفدار دموکراسی دچار مشکل خواهند شد.

4- انتخاب روش گروه های خودی در عملیات

در این پاراگراف، نقاط ضعف و قدرت در هر نوع از عملکرد (با توجه به آنچه که عوامل اداره کننده پنداشته می شود)

مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، ممکن است، تلاش و برنامه ریزی در جهت حداقل تلفات نیروهای خودی باشد.

5-تصمیم

تصمیم مرکز عملیات در این مورد، صدور اعلام خاتمه عملیات است.

خلاصه

این بخش عبارت از یک بازبینی از محتوا و روند شکل گرفتن برآورد استراتژیک است. برآورد استراتژیک سندی است بسیار مهم و حساس برای برنامه ریزان جنگ. این مدرکی است که به سرعت نمی‌توان به آن دست یافت، اما تهیه آن در میان سیاستمداران گروه‌های مخالف امکان‌پذیر می‌نماید. یک تخمین و برآورد مناسب، با مشخص کردن عملکرد، می‌تواند یک مأموریت را با موفقیت به سرانجام برساند. یک برآورد استراتژیک، در صورت به روز درآمدن دائمی آن، یک مدرک زنده تلقی می‌شود. مطالعه این طرح اجازه می‌دهد که شخص بتواند آزادانه تصمیم‌گیری کند - حتی تحت شرایط فشار.

بخش هفتم

برنامه ریزی عملیاتی ملاحظات

اصول اساسی هیچگاه بی تأثیر و منفعل نمی مانند.
در جنگ Carl-von Clausewitz

انجام کارهای گوناگون مورد نیاز در برنامه ریزی جنبش غیرخشونت در سطح استراتژیک و تدابیر مبارزه، انجام تلاش های گوناگونی را برای برنامه ریزان ایجاد می کند. در بهترین شرایط، مشکلاتی در هم آهنگ کردن گروه های ائتلاف وجود دارد که در ارزیابی توانایی های آن ها غالباً اغراق شده و نیز توقعات آن ها متفاوت می باشد. ادغام این انتظارات و تشکیل اهداف مشترک وظیفه ای است خطیر برای رهبران جنبش که غالباً تجربه کافی در تجزیه و تحلیل استراتژیک و برنامه ریزی ندارند. حتی ارتباطات در میان این گروه های ناهمگون مشکل آفرین است به این دلیل که بسیاری از گروه ها در مشارکت در جنبش مبارزه بدون خشونت از واژه های خاص استفاده کرده و یا اصولاً آشنایی چندانی با مفاهیم نهفته در جملات بکار گرفته شده در مبارزه بدون خشونت ندارند.¹³

برنامه ریزی نظامی به طور معمول توسط مقامات بالای تشکیلات محیط زیست تنظیم می گردد. محیط زیست تشکیلاتی، در جنبش مبارزه بدون خشونت، بهر حال و به طور معمول ائتلاف «برابرها» با تمام «برابرها» که در آن رقابت برسر «اولین» بودن در میان برابرها است، اتهاماتی به طور دائم در حال گردش در بین گروه های مختلف است که کدام یک از آن ها نفوذی از طرف دولت هستند (در حالی که حقیقت این است که احتمالاً تمام آن ها، حدی کمتر یا بیشتر) ممکن است اختلاف نظر گروه ها، در شکل جدید تشکیل دولت باشد که بخواهد جایگزین دولت مورد مخالفت همگان شود، بعضی از رهبران ممکن است به نظر دیگر رهبران بسیار خودکامه به نظر برسند، و ممکن است، در حقیقت، آن ها حتی حاضر به قبول محدودیت هایی که از طرف گروه های دموکراتیک به دولت مورد مخالفت فعلی تحمیل می شود نیز باشند (این نخستین بار نیست که یک جنگ سالار برای سرنگونی جنگ سالار دیگری حاضر به همیاری می گردد)؛ تا زمانی که ظرفیت مبادرت به جنگ مسلحانه به یک

¹³ رجوع شود به ضمیمه شماره 1 در مورد واژه نامه اصطلاحات برای مبارزه بدون خشونت، تهیه شده بوسیله مؤسسه آلبرت اینشتین.

راهکار غیرقابل پیش بینی تبدیل نگردد، گروه های جنگ طلب با جنبش مبارزه بدون خشونت مشارکت می کنند. با وجود اینگونه اختلافات در هدف ها و بی اعتمادی ها، استراتژی و نیز برنامه های حمایتی هنوز هم بایستی توسعه یابند.

ملاحظات امنیتی

این بسیار منطقی است اگر فرض شود که در مقاطعی، هر گروهی که مبادرت به فعالیت علیه دولت می نماید، نوک تیز حمله به طرف دولت قرار گیرد. زمانی که نفوذ در مقامات دولتی می تواند یک معضل جدی باشد، خبرچین های دولت می توانند کانال مناسبی برای ارسال اخبار برگزیده برای مقامات دولتی باشند. این اخبار می توانند شامل گزارش هایی باشند دایر بر این که جنبش مایل به ماندن در وضع بدون خشونت است و این که در پی انتقام جویی نیست و نیز این که یک عفو عمومی برای کارکنان دولت در انتظار آن ها خواهد بود، و این که هدف مبارزه ای که جنبش دست به آن زده است صرفاً «نظام حاکم» است که مرتکب نقض حقوق بشر و گسترش فساد شده است و جنبش هیچ نوع عداوتی با کارکنان دولت که از یک طرف در خدمت نظام بوده اند و از طرف دیگر خود قربانی نظام شده اند، ندارد. انجام این حرکت ممکن است برای دولت نیز مفید باشد که از طریق منابع خود «کشف» کند که جنبش در نظر دارد که ارتشی ها، پلیس و مؤسسات خدماتی را در دموکراسی جدید به خدمت بگیرد فقط با قید این تصریح که آن ها مقامات را در دولت جدید به رسمیت شناخته و برای اطاعت از قانون اساسی جدید سوگند وفاداری یاد کنند. همچنین برای دولت مفید خواهد بود اگر از طریق منابع خود «کشف» کند که صورت اسامی کسانی که خارج موازین قانونی در شکنجه و آزار افراد دست داشته اند، در اختیار جنبش قرار دارد. چنین منابعی می توانند دقیقاً پرونده های موجود برای هر یک از افراد که شامل اتهامات خاص مربوط سوء استفاده و سایر اعمال خلاف قانون آن ها است، عکس قربانیان در اسناد خشونت بار، و شهادت کسانی که شاید بوده اند، شامل شهادت افراد نظامی و پلیس که مخالف تنبیهات و تجاوز وحشیانه دولت بوده اند، ارائه بدهند. همچنین این منابع دولتی که با جنبش مخالفین همکاری دارند، قادر هستند به بالادستی های خود پیغام بفرستند که یک نسخه از تمامی اطلاعات را برای صندوق های امانت در خارج از کشور به عنوان امانت ارسال دارند.

جنبه هایی در مورد تلاش در مبارزه های بدون خشونت وجود دارد که بر آن اساس اینگونه تلاش ها نمی تواند

و اصولاً نباید مخفی بمانند. این واقعیت که یک حکومت مستبد دارای مخالفینی است، جای هیچ شبهه ای نیست حتی برای خود آن حکومت. همینطور هم جای تعجب نخواهد بود اگر متوجه شویم که سازمان ها با یکدیگر علیه استبداد متحد شده اند. به احتمال نزدیک به یقین، رژیم های مستبد از موفقیت مبارزات بدون خشونت در سال های اخیر آگاه شده اند و همینطور هم از چگونگی مبارزات آن ها.¹⁴ این نیز واقعیتی است که اطلاعات مربوط به برنامه ریزی عملیاتی وابسته به زمان است، این به این معنی است که، هنگامی که عملیات به انجام رسد، این اطلاعات در حد زیادی اعتبار خود را از دست خواهند داد. اگرچه موارد زیادی پیش می آید که آگاهی دولت از برنامه ریزی و استنباط های جنبش به نوعی برای جنبش دموکراسی امتیاز محسوب می گردد، اما عملیاتی نیز وجود دارند که نیاز مبرم به افشا نشدن از طرف مخالفین دارند. در وجه کلی، اطلاعاتی که باید از آن ها حفاظت شود، ملاحظاتی است مربوط به محل یا مسیر حرکت رهبران، آن هایی که دارای اطلاعات از جزئیات عملیات برنامه ریزی شده بیش از یک سازمان را دارند، و دیگری که دستگیری آن ها توسط دولت جانشان را به مخاطره می اندازد، گروه مقاومت صرب ها OTPOR رهبری پیشرفته ای را تشکیل دادند که برای غالب اعضا ناشناخته بود. رهبری هرگز اقدام به تشکیل جلسه با گروه نکرد و ملاقات ها صرفاً فردی، آن هم در صورت لزوم انجام می گرفت.

شیوه ای دیگر ایجاد فاصله بین عوامل برنامه ریز جنبش اتخاذ شد و آن توسط شورای ملی اتحاد در برمه (NCUB) بود، یک چتر سازمانی از نیروهای حامی دموکراسی، مخالف حکومت نظامی ها در رانگون. آن ها اقدام به تأسیس کمیته مخالفین سیاسی (PDC) به منظور توسعه ظرفیت تحلیل های استراتژیک، تهیه برنامه ها، و هم آهنگ کردن اعضای گروه برای عملیات بدون خشونت نمودند. گروه، گزارشات خود را مستقلاً به رهبری NCUB ارائه می داد.

ارزش طبقه بندی اطلاعات

تجربه نشان می دهد که طبقاتی از اطلاعات برای کمک به فرماندهان نظامی همیشه در تصمیم گیری دقیق مورد نیاز می باشد. این مسئولیت کارکنان نظامی است تا این اطمینان را ایجاد کنند که اینگونه اطلاعات حاضر و در دسترس می باشد. کارکنان بیش از آن که برای دریافت اینگونه اطلاعات طبقه بندی شده انتظار بکشند، همیشه در جستجوی

¹⁴ رجوع به Peter Ackerman و Jack Duvall: تمیل با قدرتی بیشتر؛ قرن مبارزه بدون خشونت (نیویورک: Palgrave)

اطلاعات برای تصمیم‌گیری دقیق، تحلیل آن‌ها و فایل‌های اطلاعات طبقه‌بندی شده در محل مخصوص و در میان اسناد مشخص می‌باشند. به این ترتیب، هنگامی که یک تیمسار به مرکز فرماندهی خود وارد شده و سؤال می‌کند «دشمن مشغول چه فعالیتی است؟» مسئول بخش می‌تواند به موقع اطلاعات لازم را به او بدهد. با چنین اطلاعی، تیمسار می‌تواند تصمیم به مقابله با عملیات طرف مقابل طبق نقشه‌ها و اهداف خود گرفته و نیز مترصد فرصت‌هایی برای آغاز هجوم‌های بیشتر باشد.

برنامه ریزان برای عملیات مبارزه بدون خشونت نباید قرن‌ها تجارب نیروهای نظامی را در طرح نقشه و اجرای عملیات سرسری بپندارند. یک وجه عمده در برنامه ریزی، نظام مند بودن عملیات برای رسیدن به هدف است: گسترش استراتژیک برآورد از موقعیت، انتخاب بهترین نحوه عملیات، توسعه گزارش‌مأموریت‌ها و تهیه نقشه‌های عملیاتی و افزون بر آن، هنگامی که نقشه‌های اولیه و روند حرکت مورد بررسی قرار می‌گیرد تمام اطلاعات همراه با دستور مربوطه به ضمیمه اسناد و نقشه‌ها ابلاغ می‌گردد.

طرح و قالب بندی نقشه عملیات نظامی شامل اطلاعات مهم در این مورد است که مخالفین و سایر نیروهای خودی در منطقه مورد نظر برای عملیات مشغول به چه کاری هستند، اهداف برنامه چیست، و منابعی که در آنجا در دسترس خواهند بود، کدامند. بررسی قالب بندی برنامه عملیاتی به طور مثال چگونگی طبقه بندی اطلاعات را برای پاسخگویی به نیازهای کسانی که مسئولیت اجرایی را به عهده دارند مشخص می‌کند. آنچنان که رئیس مطالب در زیر مشخص می‌کند، این قالب بندی قابل تغییر برای هر برنامه ریزی مبارزه بدون خشونت می‌تواند مناسب باشد.

یک قالب بندی برای برنامه عملیاتی

1- موقعیت. یک پاراگراف ضمیمه در زیر، تعریف خلاصه شده ای از عملیات محیط را در منطقه مورد نظر نشان می‌دهد.

a. موقعیت خودی. در این پاراگراف ضمیمه، اطلاعات مربوط به عملیات عوامل خودی که در حول و حوش منطقه مورد نظر فراهم شده است. اطلاعات محدود است به آنچه هنگام تهیه جزییات نقشه برای گروهی که عازم آن منطقه برای انجام عملیات هستند باید صورت بگیرد.

b. موقعیت دشمن. در این پاراگراف توضیحات مربوط به عملیات در حال وقوع از طرف دشمن در حول و حوش منطقه مورد نظر شرح داده شده است.

2- مأموریت. این گزارشی است برای عملیات که به روشنی مشخص می کند، چه کسی، کجا، چه وقت و چرا. دیگر هیچ جای سئوالی باقی نمی ماند که چه کسی مسئول انجام این مأموریت است، هدف یا هدف های خاصی که باید به آن دست یافت چیست؟ و چه وقت این عملیات بایستی شروع گردد، و یا این که علت وجود چنین مأموریتی چیست.

3- اجرا :

a. استنباط کلی از عملیات. در این بخش ضمیمه، پیش بینی برنامه ریز از این عملیات از ابتدا تا انتها آشکار می گردد و خواننده تفکر، در پس این مأموریت را می بیند. این عملیات ممکن است "زمان بندی شده" باشد که بعداً انتظارات از آن روشن خواهد شد.

(1) فاز I. آمادگی. شرح اعمالی است که سازمان یا سازمان هایی که برای اعزام به مأموریت نامزد شده اند باید برای بدست آوردن آمادگی کامل انجام دهند.

(2) فاز II. بیانگر آنست که چه اتفاقاتی از شروع عملیات تا پایان و رسیدن به هدف پیش خواهد آمد.

(3) III. در صورت پیشرفت مناسب، این پاراگراف ضمیمه و سایر پاراگراف ها، ممکن است برای شناسایی و تثبیت هدف و یا مأموریت های فوری متعاقب آن که قرار است صورت بگیرد، مورد استفاده واقع شده و باعث گردد که سازمان خود را برای انجام عملیات بعدی آماده کند.

b. وظایف. این پاراگراف ضمیمه، بیانگر وظایف خاص مشارکت سازمان هایی که مأمور شده اند می باشد.

4- امور اداری و پشتیبانی. این پاراگراف، بیانگر هم آهنگی مسئولان اداری و پشتیبانی برای رسیدن به یک انسجام برای انجام عملیات را توضیح می دهد.

5- فرماندهی و پیام. اگر ارتباطات خاص و در خواست گزارش برای این عملیات وجود داشته باشد،

اینگونه اطلاعات در این پاراگراف ظاهر خواهند شد، در غیر این صورت، این پاراگراف بشکلی موجز و خلاصه "Persop" (روش مستمر دستورالعمل) خواهد بود. برای عملیات بدون خشونت، بهتر است این پاراگراف را به نام "ارتباطات و هم آهنگی" به نامیم. به این دلیل که نشان دهیم ایجاد ارتباط بین کسانی که در عملیات شرکت می کنند با کسانی که مسئول هم آهنگی در تمام عوامل هستند یک ضرورت است.

این چارچوب، شامل فرضیات در نظر گرفته شده برای برنامه نیست. هنگامی که اسناد بشکل یک "دستور" ایجاد شده اند حذف خواهند شد (این موقعی است که تصمیم به اجرای فرمان گرفته شده و تقسیم کار صورت گرفته است). رجوع به

این چارچوب با شالوده نظامی، تنها قالب بندی (Format) مورد استفاده برای برنامه ریزی نیست. این چارچوب می تواند مقدمه ای مناسب برای هر سازمان یا توسعه یک سازمان جدید باشد. بهرحال، باید برای هر یک از سازمان های درگیر در جایابی های سیاسی یک قالب بندی که شامل تمام اطلاعات ضروری است انتخاب گردد. استفاده از چنین قالب بندی، نه تنها راهنمایی در جهت هدایت تحولات در برنامه است، بلکه ممکن است باعث جلوگیری از قطع دسترسی به اطلاعات مهم نیز گردد. افزون بر آن، عادت به استفاده از قالب بندی، باعث می شود خواننده ها بدانند که برای دسترسی به انواعی از اطلاعات خاص، چگونه در پی آن باشند.

معیارهای کنترل

برای کمک به هم آهنگ کردن فعالیت های چند گروه در زمان مبارزه، راهکارهایی که برای برنامه ریزان برای اعمال کنترل وجود دارد عبارتند از:

1- زمان. هنگامی که قرار است یک رویدادی خاص به عنوان مقدمه ای از یک عملیات گسترده صورت بگیرد، منابع مورد استفاده سایر عملیات طراحی شده را می توان از سازمان دیگری به عنوان وام دریافت نمود. به این ترتیب ممکن است بسیار بجا باشد که چنین انتخابی "نه زودتر از" و یا "نه دیرتر از" واقعه در چارچوب آن واقعه انتخاب گردد. اگر این رویداد قرار است بخشی از عملیاتی باشد که آن عملیات انعکاسی از عملیات گسترده تر را بازتاب دهد، این مهم است که "ساعت وقوع" در آن مشخص شود به این دلیل که همه عملیات با هم و همزمان انجام شوند. اینکه در کجا این عملیات

2- حدود. ممکن است استراتژی ایجاد کند که مبارزات درمناطق مختلفی صورت گیرد، جایی که گروه ها اگر از هم جدا باشند مناسب تر باشد. برای مثال، اگر تحلیل اطلاعات نشان دهد که ستون های حمایت خاصی با زبان خوش و منطق، آسیب پذیرتر می نمایند تا اعمال خشونت بار، بنابراین ایجاد محدودیت در عملیات علیه آن ستون خاص توصیه می گردد.

3- نقاط هم آهنگی. هنگامی که در یک منطقه بیش از یک سازمان برای درگیری وجود دارد، مکان خاصی نیز باید به عنوان ایجاد ارتباط برای هماهنگ سازی و تبادل اطلاعات در بین این سازمان ها در نظر گرفته شود.

4- سایر؛ سایر معیارهای کنترل نیز می تواند در نظر گرفته شود از قبیل محل های تجمع (دقیقاً قبل از وقوع رویداد)، ویا محل هایی برای تظاهرات (زمانی که ترک ناگهانی محل تظاهرات درخواست می شود). در هر صورت، فکر استفاده از یک یا چند ابزار کنترل باعث حفظ توانایی و تأثیر پیامدهای حاصل از رویداد طرح ریزی شده می گردد. هنگامی که کنترل از دست برود، احتمال دسترسی به اهداف ضعیف شده، و سراسیمگی در بین شرکت کنندگان باعث بالا رفتن صدمات و تلفات احتمالی خواهد شد.

ستون های حمایت را- جذب کنید- از خود نرانید.

یک برنامه ریزی استراتژیک باید شامل کوشش هایی در جلب دوستان و افراد طرفدار دموکراسی که وابسته به مقامات کلیدی ستون های حمایت از حاکمان خودکامه اند نیز گردد. با توجه به این مورد، مهم است که با انتخاب موضعی دقیق باعث جذب اعضای وابسته به ستون های حمایت به طرف مخالفین شویم، تا این که با انتخاب راه هایی آن ها را بیشتر به سمت حکومت برانیم. [نگاه به نمودار 4، فشار مقابل، دور کردن ستون های حمایت].

یک شخصیت مستبد باید با این سؤال روبرو شود که علت ادامه وفاداری او از مقاماتی که انتظار دستگیری آن ها می رود، آن هایی که تهدید می کنند و اعضا و بستگان خود را در معرض سوء استفاده قرار می دهند چیست؟ این کار بسیار شاقی برای یک فرمانده نیروی ضد شورش است که با علم به اینکه پسر یا دختر او در صف اول تظاهرکنندگان قرار

توانایی ها در برابر اهداف

ملاحظات دیگر در برنامه ریزی استراتژیک، قرار گرفتن توانایی ها در برابر هدف ها است. آنچه که در حد انجام توسط یک مخالف است، به طور ناگهانی قابل تغییر نیست. از طرف دیگر، هدف ها به سرعت می توانند تغییر کنند. برنامه ریزی هایی که بر مبنای توانایی ها تنظیم می گردند، می توانند در تغییر هدف سازگاری نشان بدهند. اما اگر توانایی ها، کانون توجه باشند، ممکن است دچار تعجب شویم اگر تغییراتی در استخدام و صف آرای نیروهای مخالف انجام گیرد، که البته این تغییرات نیز برآیندی فلج کننده به همراه نخواهد داشت. برآورد استراتژیک، این آمادگی را به برنامه ریز خواهد داد که صورتی از توانایی های افراد مخالف تهیه نماید.

ایجاد وضعیت دشوار برای مخالفین

یک استراتژی سنجیده و حساب شده، به دنبال ایجاد فرصت هایی برای به عضویت درآوردن هرچه بیشتر افراد، بدون توجه به عکس العمل رژیم نسبت به ابتکار عمل جنبش دموکراسی است.

اگر رژیم اقدام به سرکوب اعتراضات نماید، آنگاه بیش از پیش جامعه را با خود بیگانه کرده است، این امید به وجود می آید که تقاضا برای عضویت در جنبش افزایش یابد، به هر دلیل، اگر مصالحه ای انجام پذیرد، آن را "پیروزی" جنبش حاصل از قدرت گرفتن آن و تحمیل خواسته خود بر رژیم و تسلیم رژیم در برابر اراده مردم اعلام نموده و این خود فرصت جدیدی است در گرفتن عضوهای جدید. برنامه ریزان به طور دائم باید مترصد بدست آوردن فرصتی در فرو بردن رژیم در یک معضل سیاسی باشند، موقعیتی که رهایی از آن نیز چندان مطبوع دولت نباشد. برنامه ریزان باید باورهایی که از طرف رژیم به مردم قبولانده شده، قویاً شناسایی کرده و در رد این باورها دست به عملیات بزنند. حکومت نظامی ایجاد محدودیت در تشکیل اجتماعات، برای مثال، می تواند به راحتی با جشن های سنتی و اجتماعات مذهبی دچار اختلال شوند.

مشهورترین "وضعیت دشوار" در سال 1930 "ماه مارچ نک" بود که به رهبری مهاتما گاندی و جنبش سیاسی خودگردانی

برای بیش از یکصد سال انگلستان سیاست انحصار تولید نمک را درهند تحمیل کرد. از آن جایی که نمک یک فراورده ضروری غذایی بود، همگان مجبور به خرید ازتولید دولتی بودند. تولید آن نیازی به مهارت نداشت (جمع کردن آب دریا دریک سو، تبخیر آن و سپس تراشیدن نمک جا مانده)، و اگر افراد اقدام به تولید آن برای خودشان می کردند، این انحصار به راحتی شکسته می شد. دولت به خوبی از پیامدهای آن درصورت اعلام گاندی درمخالفت با انحصار نمک آگاه بود. هنگامی که دولت درعمل شکست خورد (بعد ازچند هفته که از تظاهرات موفقیت آمیز ماه مارچ که درجریان آن انحصار شکسته شد آن ها او را دستگیر کردند)، این نافرمانی مردم، به عنوان یک مبارزه بدون خشونت کارساز، علیه منابع قدرت شناخته شد.¹⁶

خلاصه

برنامه ریزی استراتژیک، با یک واقع بینی به هدف ها آغاز می گردد. تأثیر این برنامه ریزی درمعیارهای گسترده، بستگی به ایجاد برنامه با هدف های دقیق و روشن داشته، ونیز، افزون برآن استفاده دایمی از افراد خبره و توجه به جزئیات و بالاخره پیش بینی عکس العمل طرف مقابل را می طلبد. این برنامه ریزی ها، به شرط استفاده از نزدیک شدن حساب شده به هدف با استفاده از اطلاعات سازمان یافته، بهترین راه رسیدن به آن ها هستند.

بخش هشتم عملیات روانی

¹⁵ همان جا، 88-

¹⁶ برای مطالعه بیشترجزئیات موفقیت استراتژی گاندی، رجوع کنیدبه:-

ادامه مورد 16-

Gene sharp, Gandhi as a Political Strategist (Boston: Porter Sargent Pub. 1979)

قلم توانا تر از شمشیر است

ادوارد جورج لی تون بولور-
لیتون (1873-1803)

عملیات روانی (Psyops) یک شاخص در تلاش در مبارزه بدون خشونت است.¹⁷ هدف از آن نفوذ در طرز فکر و رفتار افراد خاص در جامعه، که غالباً با استفاده از تبلیغ انجام می پذیرد عملیات روانی تأثیرگذاری خود را در زمان و بازهم در زمان به اثبات رسانده است، این عملیات هم در مبارزات نظامی و هم در مبارزات بدون خشونت، به عنوان یک سلاح مقتدر در تفرقه انداختن، از کار انداختن و متلاشی کردن ستون های حمایت مخالفین و همچنین در جذب نیرو برای یاری رساندن به گروه های مخالف به کار رفته است. هدف در این بخش، رهیافتی برای مطالعه و بررسی و نیز مورد استفاده قرار دادن تبلیغات است.¹⁸

واژه "تبلیغات" در سال های اخیر مورد اعتراض بسیاری قرار گرفته است و علت آن موفقیت در استفاده از آن توسط رژیم های خودکامه است. اینک در غرب، این واژه را با گونه هایی از اسامی مؤدبانه به کار می برند، همچون "تحصیلات و اطلاعات" "رسانه ها، ارتباط جمعی" "پزشکی سوزنی" و "بازاریابی". که وقتی قرار باشد که در نوع نگرش و رفتار دیگران تأثیر بگذارد، چندان اهمیتی نیز نخواهد داشت اگر بر آن یک برچسب ازولیسم Orwellism هم همراه کنیم، آن ها همه شعار تو خالی هستند.¹⁹

16- سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (NATO)، عملیات روانی را به معنی "عملیات برنامه ریزی شده روانی در زمان صلح و در زمان جنگ در برابر دشمن یا دوست، و نیز جمعیت بی طرف به منظور نفوذ در طرز فکر و رفتار آن ها برای رسیدن به اهداف سیاسی و نظامی تعریف می کند. آن ها به همین ترتیب عملیات استراتژیک روانی، استحکام و تقویت بخشیدن به عملیات روانی و عملیات رزمی را مشمول این تعریف می دانند". بخش وزارت دفاع ایالات متحده امریکا، این تعریف را محدود به "جماعت خارجی" می کند. (Jcs 87)

¹⁸ - سایر منابع مفید برای مطالعه بیشتر در کاربرد تبلیغات عبارتند از:

Jacques Ellul, Propaganda: The Formatron Of Mon's Attitudos, (New york: Altred A.Knopf. 1965): Department of The Army Fiold 33-35, Psychological Operation, 1962, Fredrick Iron, Publick Dpinion and Propaqanda.

¹⁹ - در پیشگفتاری در مورد تبلیغات: شکل گیری تفکرات انسان، جک الیول Jacques Ellul تجدید نظری در تعریف های مربوط به تبلیغات و توجه به این که تمام تعاریف یا ناقص اند و یا آن چنان کلی هستند که نمی توانند به دقت بین آن چه که او پدیده اجتماعی می نامد باشند. من عادت به تعریف گسترده Ellull کرده ام، همان که به وسیله مؤسسه برای آنالیز تبلیغات Institute For Propaganda Analysis اقتباس شده است: "تبلیغات بیان عقاید و یا اعمال انجام شده بوسیله افراد یا گروه ها با نیت نفوذ در عقاید یا اعمال سایر افراد و گروه ها برای یک پایان از پیش مشخص شده و در میان یک فریب روانی است."

تبلیغات موضوعی غیراخلاقی و یا "شیطانی" برای مقاصد سیاسی محسوب نمی شود، خصوصاً اگر با تبلیغات برای تنباکو یا صابون مقایسه گردد. تبلیغات یک انبارکالای تجاری برای گروه های فشار حرفه ای است که از آن طریق منافع مصرف کننده را طبق نظر تصمیم گیرهای بالادست به شعبه های قانونی و اجرایی آن ها درجهان منتقل می کنند. برخورد با تعریف بسیارگسترده تبلیغات (تأثیرگذاری برطرز فکرها و رفتارها) برخورد با متون کتابهای آسمانی مثل انجیل، تورات و قران را تداعی می کند. رساله ها و موضوعاتی دراین مورد که ساختاردولت باید براساس اوراق هویت فدرالیست باشد، ویا اسناد شرارت بار همچون یادداشت تفاهم درمورد آموزش بزرگان صهیون، وخصیصه سیگار، اثر جوکامل Joe Camel که بسیاری آن را متوجه کودکان قبل از بلوغ می دانند، تمام این ها مثال هایی از تبلیغات هستند که هم درجهت مثبت و هم به طور منفی تأثیرگذار برزندگی صدها میلیون نفر درسراسر جهان است. بنابراین، استفاده از تکنیک ارتباطات با قصد دگرگون کردن افکار و نیز اعمال، طول وتفصیل بلندی درپی دارد. برخلاف این گفته عوام که "انسان باید با خود روراست باشد" روراستی مبتنی برواقعیتی است، که آن واقعیت درشرایط گوناگون مفاهیم گوناگونی خواهد داشت. برای یک زندانی محکوم، ضربه ساعت دروقت معینی نشان از این دارد که فقط پنج ساعت به پایان زندگی او باقی مانده است. برای یک کارگر اداری، صدای همان ساعت ممکن است خبر از پایان یک روزکاری باشد. یک گزارش مبتنی برواقعیت که نرخ بیکاری دریک کشور چهل درصد است، ممکن است زنگ خطری برای، بیکارها باشد و یا علت نگرانی برای کسانی که هنوز شاغل هستند، برای سران یک جنبش مخالف، انعکاس این خبر ممکن است خوشایند بوده و نوید شریاطی را درخود داشته باشد که بتوان درفرصت ایجاد شده دولت را به اتهام بی توجهی و فساد از قدرت پائین آورد، و این که به دلیل نارضایتی های فزاینده، برتعداد اعضا جنبش و نهایتاً برقدرت آن افزود. مقاله نویس ها برای، روزنامه های آزاد یا درکنترل، به طور مرتب کلمه "واقعیت" را درجش سرمقاله به کاربرده و از اوضاع و احوال مناسب برای خوانندگان می نویسند. دریک مبارزه بدون خشونت، باید کوشش شود که مخالفین برای تمام "واقعیت ها" که تأثیر زیان آوری هم برخواننده می گذارد، مورد سرزنش قرار گرفته و به جای آن مشخص کنند که برای کاستن از مشکلات چه باید کرد (ودرکمال تعجب، همیشه راه کاستن ازمشکلات، جاجایی های سیاسی نیست).

مؤلفه های تبلیغات

هدف. به طور کلی، تمام جمعیت جامعه می توانند هدف تبلیغات قرار گیرند. به منظور مناسب شدن تبلیغات با شرایط و تأثیر هر چه بیشتر آن بهتراست جامعه به گروه هایی تقسیم شود. تجربه و تحقیقات قویاً نشان می دهد برای اثربخشی تبلیغات، لازم است گروه مخاطب حتی الامکان محدود شود. به این ترتیب، پیام دلخواه برای کشاورزان ممکن است برای دانشجویان درپوشش دیگری ارائه گردد، گرچه این پیام ها از نظر محتوا یکسان باشند. هدف بزرگ تبلیغات مخالفین مبارزه بدون خشونت، ستون های حمایت در رأس قدرت هستند که با تقسیم بندی مخاطب ها به گروه ها و گروه های فرعی، با در نظر گرفتن سطح آموزشی، باورهای دینی، قومی، آرمان ها، دسترسی آن ها به پیام های تبلیغی، تبلیغ ها متفاوت خواهد بود.

پیام. اگر هدف تغییر طرز فکر و یا رفتار جمعیت و یا گروهی از میان آن جمعیت است، این مهم خواهد بود که بسیار روشن در مورد تغییر فکر یا رفتار توضیح داده شود. برای مثال، اگر افراد جامعه بر این اعتقاد باشند که زندگی، زیر دست یک حکومت سرکوب گر، مشیت الهی و سرنوشت آن ها است، لازم است این تصور به آن ها القاء شود که شاید، "خواست خدا" نبوده است که آن ها برده بشوند. افزون بر این باید، این تصور که مردم این قدرت را دارند که بتوانند خود را از شر استبداد رها کنند را، در ذهن آن ها پرورش داد. همچنین افراد یک جامعه را باید از وجود گروه های مخالف سازمان یافته آگاه نمود و به آن ها اطلاع داد که این چنین گروه ها، از حمایت شما و عضویت شما در گروه خود استقبال می کنند. در وضع مطلوب، این پیام شما باید دارای "نشانی برگشت" نیز باشد و افراد بدانند که کدام گروه فرستنده این پیام است. اگرچه، همیشه انتشار چنین اطلاعاتی امکان پذیر نخواهد بود.

پیام رسان. چگونگی ارسال پیام ها، مستلزم انتخاب یک وسیله نقلیه موتوری است. این وسیله می تواند یک اعلامیه پخش کن باشد، یک رادیو خبری، یک ایمیل، سینما، سخنرانی، چاپ کتاب یا مقاله، اعلامیه یا پوستر. شایعات و اشاعه آن نیز می تواند مؤثر در انتقال پیام ها باشد. فراموش نشود که مبلغینی همچون رهبران مذهبی، رهبران سیاسی مخالف، آموزگاران و آرایشگران، رهبران اخلاقی و سنتی، روزنامه نگاران، سخنگوهای اتحادیه ها، جامعه تجاری و سایرین که مورد احترام جامعه خود هستند می توانند از جمله خبررسان های کلیدی باشند.

بازتاب. آگهی های تجاری احتمالاً بیشترین استفاده را از تبلیغات دارند. از آن ها استفاده می شود که ما را قانع کنند که خرید محصولات تنباکو، عوارض گوناگونی در به خطر

راه دیگر برای بدست آوردن اطلاعات برای سنجش تأثیرات، فراخوانی eliciting از نظریات است. اینگونه نظرخواهی، به کلی متفاوت از فراخوانی و پاسخ به آن است. فراخوانی، دریافت پاسخ از مخاطب است بدون این که مخاطب احساس کند که موظف به دادن پاسخ خاصی درمورد سؤال خاصی است. برای مثال، دریافت نظریات درباره دولت. نظرخواهی می تواند براساس یک لیست از سؤالات انجام بگیرد، "آیا از بیانیه گروه مخالفین درلزم تغییر رژیم حمایت می کنید؟ اگر چنین است، به چه دلیل؟" در بعضی جوامع مردم به دلیل واهمه ای که دارند از دادن پاسخ صادقانه طفره می روند. برای پرسش غیرمستقیم در این مورد، پرسشگر می تواند با پرسش های دیگری، مثلاً درمورد اوضاع و احوال اقتصادی و این که مخاطب چگونه می تواند پاسخگوی مخارج خود و خانواده اش باشد، شروع کرده و سپس با "به این در و آن درزدن" به اصل سؤال و منظور خود پردازد.

به عبارت دیگر، هدف از این پرسش ها "به طور غیرمستقیم به هدف رسیدن" واجتناب از سؤالاتی است که پاسخ آن ها صرفاً "آری یا نه" می باشد.

طبقه بندی تبلیغات

بسته به اهداف مورد نظر، پیام ها، شرایط منطقه عملیات که آن ها مجبور به ارسال و دریافت پیام هستند، باید تصمیم گرفته شود که چه کسی به عنوان منبع اطلاعات شناخته شود.²⁰

²⁰ - ارتش امریکا سعی در ایجاد محدودیت از تعریف تبلیغات روشن، بی هویت و سیاه، توجه به موارد استفاده از آن ها می نماید. رجوع شود به : راهنمای دستی حوزه نظامی ایالات متحده ص 5-33 عملیات روانی 1962 ص 3-31 . Jacques Ellul درتبلیغات. The Formation of Men's Attitudes که در دو گونه، روشن و سیاه و توجه به استفاده از مخلوط آن

تبلیغات روشن Whito Propaganda دقیقاً منبع خود را می شناساند. اطلاعاتی های رسمی، سخنرانی ها، گزارش ها و اخبار که دقیقاً منبع اطلاعات خود را ذکر می کنند، برای مثال، "جناب یان اسمیت، نماینده مجلس از سات مور، درسرخنرانی خود درانجمن استادان دانشگاه، اظهار داشت که ... " از آن جایی که اشارت های انجام شده می تواند مورد تحلیل و تحقیق قرار گیرد، احتمالاً باید نسبت به چگونگی دریافت و ارزیابی این نظریات دقت گردد. گاهی انتخاب نقل قول ها از هرمنبعی که باشد، می توانند مدعی شوند که استنباط شخصی آن ها از اوضاع و احوال چنین بوده است. اگرچه هر دلیل منبع باید از توضیح "تأیید نشده" استفاده کند، چنین توضیحی درمورد چند نقل قول، می تواند اعتبار منبع را بیش از خود نقل قول ها زیر سؤال برده و آسیب برساند. ازطرف دیگر، شناسایی منبع اطلاعات، می تواند باعث تقویت این تصور گردد که شخص یا سازمانی به طور واقع درپشت این ارتباط منطقی نظریات و نیز ارزیابی مسائل مورد توجه جامعه وجود دارد که ستایش عمومی را درپی خواهد داشت.

تبلیغات بی هویت که منبع خود را مشخص و تعیین نمی کند و بیشتر از آن چه باید به منبع خبرخود اشاره کند، شنونده می شنود که: "روز گذشته گزارش شده است که ... " و یا "منابع قابل اعتماد گزارش داده اند که ... " و یا "شاهدان عینی گفتند که ... " دراین موارد، کوشش می شود خیرخیلی آمرانه اعلام شده و کوشش شود همچون اخبار پارتیزان ها، هیچ نوع مشخصه ای ازمنبع آن به نظر نیاید.

تبلیغات شیطنت آمیز عبارت است از تبلیغ اطلاعاتی که از روی قصد درمشخص کردن منابع خود، دیگران را به خصوص مخالفین را، به اطلاعات آن ها اطمینان کرده اند به اشتباه می اندازد. 3شنبه، ویل فورد ریگو، نزدیکترین مشاور رئیس جمهور، هنگامی که از رئیس جمهور راجع به رفتار عجیب او درکنفرانس مطبوعاتی اخیر او سؤال کرد، تأکید کرد که ... " چنین کلامی می تواند میان نیروهای مخالف، بی اعتمادی و تشویش، و تضعیف روحیه ایجاد کند و باعث منحرف شدن توجه ها و در نتیجه آسیب پذیری و احساس ضعف قوای خودی گردد. تبلیغات شیطنانی نیاز به مهارت بسیار بالا و دسترسی به حجم بسیار زیاد اطلاعات درمورد مخالفین دارد. درکل، برای جلوگیری از افشا شدن، کسی که چنین تبلیغی می کند، باید

راهکارهای ارتباطات

نشانه. نشانه‌ها (سمبول‌ها) ابزارهایی قوی برای ارتباطات ایدئولوژیک و اهداف جنبش‌ها هستند. یک نشانه کارآمد، ساده، دلالت‌کننده، به سادگی قابل شناخت و قابل فهم است. صلیب شکسته نازی، علامت صلیب و نیز مشت بسته در جنبش مقاومت سرب‌ها نمونه‌هایی از نشانه‌ها هستند. نشانه‌ها ممکن است صدادار باشند مثل طبل، و اخیراً، صدای قابلمه‌ها و ماهی‌تابه‌ها. سایر نشانه‌های ترکیبی می‌تواند شامل بعضی از حرکت‌ها، مثل دست دادن‌های مخصوص، و یا بعضی حرکت‌های ایما و اشاره. درانتخاب حرکات ایما و اشاره باید توجه داشت که از حرکاتی که در فرهنگ‌ها ایجاد حساسیت می‌کند اجتناب گردد.

شعار. شعار بایستی عبارتی کوتاه باشد که در آن احساسی را از قبیل خشم، تنفر، اعتراض و یا تشویق بیان کند. "Alamo" را به یاد بیاور" این شعاری بود که امریکایی‌ها را علیه مکزیکی‌ها شورانید؛ "شاه لوله را به یاد بیاور" این یک توجیه ساده بود که باعث شد جامعه امریکا از شروع جنگ امریکایی اسپانیا نژاد حمایت کند؛ "کارش تمام است" که علیه رژیم میلوسویچ در صربستان در سال 2000 به کارگرفته شده بود. درکشور زیمبابوه، در میان اعضا جنبش دموکراتیک دگرگونی، شعار "دیگر بس است" برای تجهیز مخالفین علیه حکومت رابرت موگابه برسر زبان‌ها افتاده بود.

موسیقی. موسیقی به عنوان تبلیغ می‌تواند دربرانگیختن برای داشتن آینده‌ای درخشان، نقش داشته باشد یادآور رنج‌های گذشته و خاطرات آسیب‌های متحمل شده در گذشته باشد، به یکپارچه کردن اعتراضات علیه استبداد کمک کند. هنگامی که مردم به هم می‌پیوندند، با یکدیگر یک سرود را زمزمه کنند و یک ملودی را که برای تبلیغ ساخته شده اجرا کنند، آن‌ها قصد دارند از یکدیگر نیرو بگیرند و به این وسیله پیامی که در تبلیغ آهنگین گنجانده شده است را مورد تأیید قرار دهند.

رسانه‌های چاپی. رسانه‌های چاپی، شامل کتاب‌ها، روزنامه‌ها، جزوه‌ها، اعلامیه‌ها، علامات، و فراهم آوردن صورتی از پیام‌های انتخاب شده برای ارسال به مخاطبین گوناگون است. دولت و مخاطبین، هر دو توسط روزنامه‌های "کنترل شده" یک تریبون آماده برای تهاجمی نامطبوع و تبلیغات تدافعی تشکیل می‌دهند. در هر حال باید مراقب بود که از افتادن در دام

امتیاز واقعی

در چاپ اینگونه اسناد این است که، برای ما فرصتی فراهم می کند که به مطالعه دقیق منابع جنبش پردازیم. استفاده از علائم، پوستر، عکس و سمبول ها، شعارها و رنگ ها، ارسال پیام های درخود خلاصه شده می باشد. ممکن است مخاطبین تبلیغات چاپ شده را جمع آوری کنند، بدین صورت باید پیام ها و تبلیغات با اهداف مبارزه هماهنگ باشد. بنابراین تنظیم کنندگان تبلیغات بایستی موضوعات را متکی به اهداف معتبر سیاسی و با دقت بسیار انتخاب کنند. خط مشی ارائه شده توسط تبلیغات نبایستی در میان مخاطبین سؤال برانگیز باشد.

شنیداری- دیداری. استفاده از رادیو برای اشاعه و تبلیغ، انتخاب و جلب مخاطبین برای موضوع مورد نظر و پردازش ماهرانه پیام ها برای ابلاغ به مخاطبین و، همزمان ایجاد انگیزش برای توجه به پیام ها است. بخش موسیقی بزرگان این رشته، اخبار، گزارش های هواشناسی و به طور خاص، دادن اطلاعات درباره عملیات مربوط به مبارزات بدون خشونت در خارج و نیز در داخل کشور مورد نظر- تمام این ها ممکن است موضوعات مورد علاقه گروه های مخاطب باشند. تلویزیون، نوارهای ویدیویی و CD ها به موضوعات گفته شده قوت می بخشد. اگر یک رهبر سخنرانی ای می کند، ملاحظات باید معطوف به این شود که چه صحنه هایی و چه سمبل هایی در طی آن سخنرانی باید به معرض دید گذاشته شود. وجود یک پرچم ممکن است، صلاحیتی را در فضا القا کند. یک عکس از یک نماد تاریخی مورد احترام، کمک می کند تا ارتباطی رسمی بین سخنران با تاریخ ملی مجسم شود. احتمالاً حتی جزئیات لباسی که سخنران از آن استفاده کرده است مورد توجه قرار می گیرد. هنگامی که هیتلر قصد داشت خود را به عنوان پدر مردم آلمان نشان دهد، از یک لباس غیرنظامی استفاده می کرد و غالباً کودکانی را نیز در عکس نشان می دادند. وزمانی که قصد نشان دادن خود به عنوان یک فرمانده نظامی ملی که آلمان ها را به طرف پیروزی هدایت می کند، را داشت، از لباس نظامی استفاده می کرد.

شایعات

در جوامعی که دارای اطلاعات ناموثق هستند، همچون اتفاقات مربوط به فساد، وجایی که مسئولین مستبد رژیم سانسور را اعمال می کنند، بخش عمده ای از اطلاعات به صورت شایعه پخش می شود- اگرچه منابع آن ناشناخته می مانند واطلاعات نمی تواند مورد تأیید قرار گیرد. اگر شایعات بخشی

²¹- فراهم آوردن با احتیاط تبلیغات همراه با کاهش هزینه درپاسخگویی به تبلیغات رقیب. ازدست دادن ابتکار تبلیغ، این احتمال را ایجاد می کند که، پیام حساب شده ای نیز درپاسخ حریف نداشته باشیم.

هشدار!

در یک مبارزه بدون خشونت، برای آماده سازی افکاری عمومی در سرپیچی از قوانین غیرعادلانه دولت ستمگر، تبلیغات صورت می گیرد. با عوض شدن نگرش جامعه در اطاعت، یک طغیان عمومی علیه قوانین ایجاد خواهد شد. حفظ چنین جامعه از هم گسیخته در نتیجه اعمال ستمکارانه دولت مستبد، مستلزم ایجاد سازمان های جدید برای جایگزینی سازمان های تخریب شده رژیم، و نیز ایجاد سازمان هایی بعد از تخریب و بی اثر شدن مؤسسات و سازمان هایی است که رژیم بر آن ها تکیه داشته است (ستون های حمایت). کوتاه این که رژیم توانایی خود را در اعمال حاکمیت از دست خواهد داد. با بکارگیری اسلحه ای قوی همچون تبلیغات، خطری همیشگی نیز وجود دارد که، اگر این اسلحه بجا و درست مورد استفاده قرار نگیرد، خسارت آن می تواند عظیم باشد. اگر جنبش درجایی الگوی فرمانبرداری به نافرمانی موفق گردد، سرپیچی و زیر پا گذاشتن قانون و مقررات، ممکن است هرج و مرج به دنبال داشته باشد. اگر بنیاد جامعه تخریب گردد، بازپروری خدمات اجتماعی، قانون و مقررات، و ادب و احترام ممکن است امکان پذیر نگردد، مگر بازگشت به همان قوانین دیکتاتوری که در ابتدا باعث به وجود آمدن مبارزه دموکراتیک علیه آن قوانین شده بود.

جاکوایلول Jacques Ellul در کتاب خود به نام تبلیغات: درباره شکل گیری افکار بشر، دربرخورد با افکار یک تبلیغاتی می نویسد. او تبلیغات را به دو مقوله تقسیم می کند. مقوله اول، "تبلیغ برای ایجاد آشوب" است که برای تحریک مردم به عمل و نافرمانی است. مقوله دوم "تبلیغ برای ایجاد یکپارچگی" است. این تبلیغی است برای القاء پیروی در جامعه برای پذیرش اولیای امور و ارزش های رهبران جدید. او به دنبال این است که ثابت کند که عامه مردم از تغییراتی که انجام می گیرد، بهره مند می شوند.²² نتایج حاصل از نظریه ایلول Ellul شامل یک پیشنهاد برای ایجاد دستورالعملی برای هدایت و یا ایجاد

تنفر و تعصب قوی ترین احساس ها هستند که درعین حال می توان به سادگی آن ها را برانگیخت. در بعضی جوامع، این احساس ها همیشه، برای شعله ور شدن در نوبت اند، هرپیروزی کوتاه مدت، حاصل از تحریک احساسات گروهی از مردم، در مقایسه با آسیب های طولانی مدت در توسعه و ثبات پایدار خرد و کوچک می باشد، بنابراین بخصوص در جوامع قانونمند که مؤسسات دموکراتیک قادر به انجام وظیفه هستند. برای جنبش دموکراتیک بهتر است اینگونه احساسات هرگز برانگیخته نشود. اما اگر این احساسات شعله ور شده باشد، بهترین است که از آن در مقابل با "نظام" که این چنین میدانی در اختیار استبداد گذارده است، در مقابل با گروه هایی که با وجود این استبداد منافع خود را تأمین می کنند، استفاده گردد. با محدود کردن واژه "دشمن" به آن یک نفر و یا گروهی که در رأس هرم قدرت هستند، احتمالاً نوعی آشفتگی ایجاد خواهد شد که او یا آن گروه را به طرف مرگ، یا تبعید یا زندانی شدن خواهد کشید.

خلاصه

استفاده از تبلیغات برای نفوذ در نوع رفتار و برخورد مردم، می تواند، و توانسته است، مورد استفاده هر دو گروه مستبد و دموکراتیک برای مبارزه سیاسی و رسیدن به قدرت قرار گیرد. تبلیغات به خودی خود، نه چیز خوبی است و نه زشت. این بستگی به چگونگی استفاده از این ابزار دارد که برای چه هدف هایی مورد استفاده قرار می گیرد و در این جا است که یک الگوی اخلاقی می تواند و باید راهنما باشد.

بخش نهم بصیرت در تفکر استراتژیک

برای هدف های بزرگ باید خطرات بزرگی کرد.
- Carl von Clausewitz . Onwar

راهی مؤثر درآموختن این که از لحاظ نظامی چگونه فکر کنیم، نظری انداختن به نمونه هایی از تأسیس ارتش ها است، جایی که رایزنی، آموزش حرفه ای گسترده ای را همراهی می کند. مسیر تاریخی شکل گیری ارتش برای عصر تمدن روشن نیست، و کسانی هم که درگیر مبارزات بدون خشونت هستند، به ندرت فرصت یا منابع این را خواهند داشت که سال هایی را صرف مطالعه، برای صیقل دادن تفکر استراتژیک خود کنند. هدف در این بخش، معرفی چند نمونه برای شناخت بیشتر راه های استراتژیک است که، ممکن است درآشنا شدن با "تصویری بزرگ" از متفکرین این رشته مؤثر باشند. ماکیاولی Machiavelli ، کلازوتیز Clauswitz ، گاندی Gandhi ، ولیدل هارت Liddell Hart برای بصیرتی که داشته اند، به این منظور انتخاب شده اند، اما بسیاری از دیگران نیز هستند که قدرت آن ها در تفکر استراتژیک می تواند کارساز باشد.

ماکیاولی

اگر مبارزات گوناگون و خیزش هایی که در ایتالیا صورت گرفته است، بیانگر این بود که توانایی ارتش روبه افول گذارده است، علت واقعی آن، این می توانست باشد که روش های جنگیدن مناسب نبوده است و کس دیگری قادر به یافتن روش جدیدی نبوده است. مردی که جدیداً قدرت را بدست گرفته است، نمی تواند بیش از کسی که موفق به کشف قوانین و روش های جدید شده است، صاحب شهرت شود.

نیکولوماکیاولی (1469-1527) در زمان رونق اقتصادی و دگرگونی های اجتماعی در اروپا، پا به عرصه وجود می گذارد.²³ در این زمان مبادلات تهاتری جای خود را به داد و ستدهای با پول داده بود و همین امر باعث تمرکز قدرت شده بود. فرمانروا های مطلق با اتحاد با بازرگانان به ثروت بیشتری می رسیدند و این ثروت باعث پیدایش مزدور و استفاده از مزدوران می شد. به این ترتیب، حکمران ها برای سربازگیری وابستگی کمتری به زمین داران و اشراف پیدا کردند که فقط در زمانی که فصل کشت و کار یا برداشت محصول نبود، اقدام به همکاری می کردند. بدست آوردن چنین ثروتی باعث شد که آن ها در همین ارتباط سلاح های جدیدی خریداری

²³ - رابرت مانیارد هاچیز Robert Maynard Hutchins نویسنده کتاب بزرگ در دنیای غرب (چاپ شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو. 1952)

درمیان تغییر و تحولاتی که برای دستیابی به قدرت رخ داد، ماکیاولی به مسائل مهمی در ارتباط با استفاده از سرباز مزدور توجه نمود. فرمانروایان واقعی، دیگر متکی به شوالیه ها و فرمانبرداران نبودند. سربازان مزدور نیز در این میانه صاحب امتیازاتی شدند، که عبارت بود از این که آن ها مجاز به توقیف مخالفین درحوزه حاکمیت فرمانروای خود باشند، و دیگر این که آن ها می توانستند بدون خطر از دست دادن درآمد حاصل از کشاورزی خود، عهده دار و درگیر جنگ های طولانی شوند. با این حال، ماکیاولی متوجه این نکته هم شد که، علیرغم امتیازات مثبتی که درنفس استفاده از نیروی مزدور نهفته است، استفاده از آن ها نیز خالی از خطر نبوده و وضع نامساعدی را به همراه خواهد داشت. سرباز مزدور برای بدست آوردن طلا می جنگد، و نه برای خدای خود، پادشاه یا کشور خود، و به طور کلی نمی تواند وفادار باشد و یا درجنگی که عاقبت آن مشخص نیست، شجاع باشد- و یا قابل استفاده.

ماکیاولی همچنین به این نتیجه رسید که با استفاده از توپ، ایجاد سازمان های جدید، استفاده از روش های نوین، گرفتن سرباز از اهالی محلی، می توان خدمات بیشتری را به حکمران کرد. و آن ها می توانند سرسخت تر از مزدورها بجنگند. او همچنین متوجه شد که تحمل مخارج سنگین جنگ به این معنی است که برای جلوگیری از ایجاد بیزاری زیاد در مردم و مسکین شدن حکمران دریک جنگ، باید "سریع و قاطع" جنگید.²⁴

توصیه ماکیاولی در کتاب "شاهزاده" در مورد یک حکمران دیکتاتور، که چندین بار هم در آن تأکید شده است، کشتن مخالفین است تا آن ها نتوانند درصدد گرفتن انتقام برآیند. اگرچه نظریات این متفکر امروز منجر به حمایت از یک جامعه هرچه بیشتر باز و آزاد شده است. برای مثال، او بر این باور بود که هنگامی یک حکمران احساس امنیت خواهد کرد، که حکومت او به صورت جمهوری باشد. او همچنین استدلال می کرد که حکومتی می تواند دارای امنیت شده و دوام بیاورد که، افزون بر داشتن ارتش محلی، بتواند تعادل نیروی سیاسی را برقرار کند.

ماکیاولی متوجه شد که ارتباطی مستقیم بین سیاست، جامعه و شرایط اقتصادی در زمان او وجود دارد، و

²⁴ - فلکس گیلبرت در "دوره روشن گری در هنر جنگ" در ایجاد کنندگان استراتژی نوین از دوره ماکیاولی تا عصر اتم، به قلم Peter Paret (انتشارات پرینس تون 1968) صفحه

او قادر به دیدن "تصویر اصلی" و تشریح دقیق آن بود. او یک واقع بین بود. بصیرت او، که در مقدمه این بخش ذکر شده، غالباً مورد توجه قرار نگرفته است. چنین به نظر می رسد که در طی جنگ جهانی اول، فرماندهان از نوعی استراتژی و تکنیک هایی مربوط به قبل از کامل شدن مسلسل ها و توپ های قادر به نشانه گیری دقیق، استفاده می کردند. چه کسی می تواند چنین تلفات سنگینی در جبهه های غرب را به قیمت فتوحاتی بسیار اندک توجیه کند؟ شواهد و نقل قول ها مدعی هستند که اگر، آن چه انجام شده است مؤثر نبوده است، بنابراین انجام بیش از آن هم نمی تواند مؤثر واقع شود.

همان گونه که در زمان ماکیاولی، با پیدایش توپخانه طبیعت جنگ ها تغییر یافت، پیدایش تکنولوژی نیز فرصت تغییر راهبردهای مبارزات بدون خشونت را برای ما ایجاد کرده است. کامپیوترها، دسترسی به اینترنت، تلفن های همراه و ماهواره ای، برنامه های به رمز درآورده، تلویزیون و رادیوها، سلاح های اصلی در مبارزات بدون خشونت اند.

در ایجاد آمادگی برای اقدام به مبارزه بدون خشونت، شناخت ارتباط بین سیاست و جامعه و نیروهای اقتصادی، به شکلی بسیار جدی مهم هستند. امروز، ما در برخورد با چنین نیروهایی هستیم، نه تنها در داخل یک کشور، بلکه در خارج از کشور، به این دلیل که جهانی شدن، شرایطی را به وجود آورده است که گستره نبرد را به ماوراء کشیده است، خارج از آن چه ماکیاولی قدرت تصور آن را داشت.

تلاش در مبارزه بدون خشونت، به شکلی ظاهر شده است که به آدم ها اجازه می دهد خود را آزاد کنند. برای اقدام به مبارزه آن ها تشکیل "سپاه شهری" می دهند، آن چنان که از استنباط ماکیاولی هم بر می آید. اگر مردم در تلاش برای رسیدن به دموکراسی شرکت نکنند، این بعید به نظر می رسد که بتوانند برای دفاع از آزادی خود مقاومت نشان دهند. روند مبادرت به مبارزه بدون خشونت، فرایندی است خود-دموکرات شدن برای آدم ها. آن ها اهمیت رهبری توده را تجربه می کنند، همکاری بین گروه ها را، و شناسایی آرزوها و اهداف را.

اظهار نظر ماکیاولی در این که جنگ باید "سریع وقاطع" باشد، ممکن است در مورد مبارزه بدون خشونت چندان ممکن نگردد، اما این واقعیت در هر حال در آن مستتر است. سرعت دادن به آن وقاطعیت بخشیدن به آن، ایجاد یک نیروی فزاینده است. برنامه ریزان مبارزه بدون خشونت، باید این را

دروضعیت دلخواه، در اثر شبیخون جنبش مبارزه بدون خشونت، ستون های حمایت رژیم سریعاً فرو خواهند ریخت. آن ها بدون این که در فکر حکومت باشند، دست از حمایت رژیم خواهند کشید. بدیهی است که وقوع چنین اتفاقی در ابتدای کار جنبش بعید است، آن هم به دلیل نبود هماهنگی در ابتدای کار، تجربه در برنامه ریزی، نبود انضباط و نیز منابع کافی برای انجام چنین مبارزه ای.

Clausewitz

کلازوویتس

کارل فون کلازوویتس، فرزند یک افسر ارتش، در سال 1780 پا به جهان گذارد. ابتدای خدمت او در ارتش، آشنایی او با ژنرال گردهارد فون شارن هاست Gerhard-von Schanrhost که بعداً دوست و راهنمای او شد، ژنرال مذکور با شناخت توانایی های کلازوویتس، توانست مسئولیت او که بعداً منجر به استادی او در تئوری و علوم جنگ شد را به عهده بگیرد. کلازوویتس در 1818 موفق به رسیدن به درجه ژنرالی و سرپرست دانشکده جنگ کشور پروس شد که تا زمان مرگ در 1831 در این سمت باقی ماند. در طول این زمان او کتاب، **در جنگ** (فون کریچ) ²⁵ را به نگارش آورد.

در جنگ کتابی نبود که به منظور کارهایی که در جنگ باید انجام بگیرد نوشته شده باشد. کتاب بیشتر یک برداشت فلسفی از جنگ بود. کلازوویتس به این نکته توجه کرد که انقلاب کبیرفرانسه و وارث آن، ناپلئون، هدایت و اداره را در میدان جنگ متحول کرده اند. جنگ از یک رزمایش سنجیده توسط یک ارتش کوچک، به یک رقابت توسط ارتش های بزرگ بر سر یافتن راهبردهای مناسب برای پیروزی قطعی و قبول تلفات بسیار سنگین برای هر دو طرف تبدیل شده است. (جنگ عبارت است از اقدام به یک عمل فجیع، پافشاری در آن و رساندن آن به گسترده ترین مرزهای ممکن). بیش از این که به دنبال دستورالعمل به منظور چگونگی هدایت جنگ باشیم، کلازوویتس جستجوی خردمندانه ای را در نگاه به جنگ انجام داده است. او معتقد است که پیگیری یک استراتژی بزرگ (شامل استفاده

²⁵ - پیتر پارت، در کتاب "کلازوویتس" در بازار استراتژی های مدرن از ماکیاولی تا عصر اتم. (انتشارات پرنس تون- 1968)

امروزه فرماندهان نظامی درگسترش استراتژی نظامی خود دچار محدودیت هایی در برآورد امکانات برای کسب اطمینان از خط مشی رسیدن به هدف ها و الویت های عملیاتی هستند. چنین محدودیت ها ناشی از نامشخص بودن منابع، تعیین مشخصات صحنه عملیات، صدور حکم برای درگیری و انتخاب هدف می باشد.

همان گونه که **کلازویتس** و **ماکیاولی** به ارزش ایجاد تغییرات در فضای میدان جنگ و هدایت جنگ پی برده و از آن استقبال کردند، به همین ترتیب نیز برنامه ریزان در جنبش های مبارزه بدون خشونت باید توانایی درک و هدایت تغییرات بزرگ و تأثیرگذار بر مبارزه را در خود ایجاد کنند. احتمالاً مهم ترین عامل های تأثیرگذار بر روند مبارزات، پیشرفت علوم تکنولوژی می باشد. برای مثال، سرعت در جابجایی افراد، اشیاء، اطلاعات مهم و مهم تر از همه، عقاید و نظریات، نتیجه مستقیم این پیشرفت است.

همچنان که دولت ها متمرکزتر می شوند، قدرت بیشتری نیز در ایجاد قوانین برای محدود کردن مردم، نظارت بیشتر و اعمال قدرت بیشتر به وسیله پلیس های کارآمدتر، اعمال می نمایند. و، در درجاتی کمتر ما شاهد رشد و تأثیر مقابله با دولت ها از طرف سازمان ها و تشکیلات غیردولتی و همین طور از طرف بعضی از دولت های خارجی و نیز تشکیلات چند ملیتی هستیم. علت وجودی بعضی از این سازمان ها اساساً تأثیر بر دولت ها در جهت منافع خودشان است، که گاهی این منافع بسیار محدود است.

در جنبش های مبارزه بدون خشونت، همان گونه که در درگیری های مسلحانه اتفاق می افتد، "دامنه عملیات" ممکن است به بعضی کشورهای دیگر نیز سرایت کند. منبع قدرت یک رژیم خودکامه در یک کشور، ممکن است تشکیلاتی چند ملیتی باشد که مرکز فرماندهی و نیز سهامداران آن در کشور دیگری قرار داشته باشند. حمله به آن منبع قدرت، می تواند شامل عملیاتی علیه سهامداران، در دادگاه ها، در سرمقالات، مجتمع های دانشگاهی، و یا تحریم ها و یا اعتراضات خیابانی باشد. همگامان و متحدین نیز ممکن است موافق به ایجاد محدودیت هایی آن سوی مرزها باشند. سازمان ملل متحد، عفو بین الملل، پزشکان بدون مرز، روزنامه نگاران بدون مرز، و موقوفات ملی برای دموکراسی، تنها بعضی از متحدین کارآمد و دوستان برای جنبش های دموکراتیک هستند.

²⁶ - هانس و گاتز: مقدمه ای بر اصول جنگ نوشته کارل فون کلازویتس، (انتشارات هارلیسبورگ: خدمات نظامی (1952)

اگرچه کتاب درجنگ نوعی ارزیابی فلسفی ازجنگ می باشد، این بینش کلازویتس نسبت به جنگ است که مبادرت به مبارزات بدون خشونت را ارج می نهد.

مخالفت سیاسی هدف است، جنگ وسیله رسیدن به آن، و وسیله هیچ گاه نمی تواند چیزی جدا ازهدف باشد.²⁷ به طورکلی، هدف ها درمبارزات بدون خشونت شامل آزادی و دموکراسی، احترام به حقوق انسانی، و حاکمیت قانون به عنوان هدف از مبارزه است؛ به این ترتیب "هدف و وسیله" تنها با یکدیگر سازگار نیستند بلکه تکمیل کننده یکدیگراند. تروریسم، که هدف از آن القاء وحشت درجمعیت است، پدیده ای است ناسازگار برای رسیدن به دموکراسی، باعث ارتقاء دموکراسی نیز نمی گردد، دارای هیچ ارزشی برای یک جامعه متمدن نیز نیست. ایجاد درگیری نظامی به وسیله نیروهای مخالف علیه یک رژیم، بدون شک درهم شکسته شدن مقاومت نیروهای غیرنظامی را به دنبال خواهد داشت، ودربهترین حالت، درگیری به یک بُن بست خواهد رسید که نتیجه آن تنها تلفات سنگین برای هر دو طرف نیروهای نظامی و غیرنظامی و هزینه سنگین اقتصادی خواهدبود. نتیجه درگیری های چریکی، آسیب های عظیمی است که تقریباً همیشه بدست طرفین درگیر درجنگ نصیب مردم عادی می گردد. حاکمان خودکامه، همیشه افراد عادی را جنگجو فرض می کنند، مواد غذایی آن ها را می گیرند، محصولات آن ها را ازبین می برند، آن ها را از محل خودشان تبعید کرده به مجتمع های تحت نظر منتقل می کنند، گروهی آن ها را بازجویی می کنند، و با اعلام وضعیت اضطراری ملی، آن ها را از حقوق اجتماعی خود محروم کرده وهرگونه حمایتی را که قبل از درگیری از آن برخوردار بودند منتفی می گردانند. ازطرف دیگر، چریک ها مردم عادی را منبع درآمد مالیاتی، تأمین کننده غذا، نیروهای سرباز و منابع اطلاعاتی خود فرض می کنند. افراد مشکوک به خرابچینی برای دولت غالباً با برخورد بسیار بی رحمانه ای ازطرف چریک ها روبه رو می شوند تا سرمشقی برای دیگران باشند، تا که هیچ گاه از حمایت چریک ها غافل نشوند. در بیان رنجی که عموم مردم متحمل می شوند، بایدگفت که، تفاوت کمی بین طرفین درگیر درجنگ وجود دارد- هر دو طرف موجوداتی بی رحم و ستمگرانی غارتگر به نظر می رسند.

²⁷-کارل فون کلازویتس. درجنگ: ترجمه و منتشر شده توسط مایکل هوارد (دانشگاه پرنیس تون، 1976) صفحه 73.

تاکتیک تشکیل دهنده نظریه استفاده از نیروی نظامی درنبرد؛ استراتژی تشکیل دهنده نظریه استفاده از مبارزه به منظور جنگ.²⁸

چنین نگاهی می تواند به معنی افزایش ضرب آهنگ مبارزه تلقی شود، و این که تصمیمات گرفته شده صرفاً مصلحتی بوده و بدون انتخاب یک راهکار مشخص می باشد. استراتژی تعیین کننده این است که چه نوع جنگی باید اتخاذ شود. این که تصور شود که استراتژی مبارزه بدون خشونت، حاصل اعمال بدون خشونتی است که انجام شده است، نشان دهنده بی اطلاعی از افکار استراتژیک است. بدون شک منابع مبارزه بدون خشونت دچار کمبود درتدارکات خواهند شد، استخدام آن ها بدون یک هدف استراتژیک، پذیرفتن یک ریسک بدون امکان پیروز شدن است.

در هر حال استراتژی، بدون مبارزه هیچ است، استراتژی به مثابه مواد خامی است که به مبارزه معنی می بخشد، وسیله ای که در اختیار قرار می گیرد.²⁹

اگر تعهدی برای مبارزه و عمل وجود داشته باشد، همچنین بهترین استراتژی درمبارزه بدون خشونت "هیچ است". اگر مواد خام برای استراتژی مبارزه است، "مواد خام" برای مبارزه بدون خشونت مردم، شکل ها، آموزش دیده ها و رهبران مجرب هستند. بسته به هدف ها، توانایی های موجود، تشکیلات باید دارای چنین ظرفیتی باشد که بتواند حریف را با تظاهرات، اعتصابات کاری، ودخالت ها درگیر کند. درموردی که ظرفیت کافی مورد نیاز برای رسیدن به اهداف تعیین شده وجود نداشته باشد، آموزش می تواند نقش عمده ای در درگیر کردن حریف داشته باشند. برای عقب نشان دادن ظلم، باید عمل به کار گرفته شود.

جنگ عملی است از موضع زور برای وادار کردن دشمن به اطاعت از اراده ما.³⁰

دقیقاً به مثابه بمب، توپخانه، تانک ها و پیاده نظام، که اگر به شکلی مناسب صف آرایی شده باشند، می توانند وظیفه خود را با موفقیت انجام دهند، روش های مبارزه بدون خشونت نیز می توانند حریف را وادار به "انجام خواسته ما" بکنند. یک استراتژی با طراحی مناسب با حمایت های برنامه ریزی شده و رهبران آموزش دیده در سطح جامعه، تشکیل قدرتی

²⁸ - نقل قول توسط پیتربارت "کلازویتس" سازنده استراتژی نوین، صفحه 190

²⁹ - همان جا

³⁰ - کارل فون کلازویتس، درجنگ، ترجمه و نشر پیتربارت، (انتشارات دانشگاه پرینتون-

1976) صفحه 73

هرگاه از مردم خواسته شود که با قطع تهاجم، انجام مذاکره را بپذیرند، جنبش مبارزه بدون خشونت، نیروی فزاینده خود را ازدست خواهد داد. به طور کلی طرفی که به دنبال مذاکرات است، ظاهراً به این باور رسیده است که قادر به ادامه مبارزه نیست و یا از ادامه مبارزه صرف نظر کرده است، و به این ترتیب توانایی "وادارکردن" طرف مقابل را به تن در دادن به اراده او ازدست داده است. بنابراین اگر این استنباط ایجاد گردد که انجام مذاکرات، واقع بینانه و منطبق بر استراتژی است، شاید مناسب باشد که از طرف ثالثی نیز برای شرکت در مذاکرات دعوت به عمل آید. قبل از این که مذاکرات منجر به راه حلی گردد، لازم است رهبران جنبش مبارزه بدون خشونت حریف را وادار به پذیرش شرایطی کنند که با آن شرایط بر سر میز مذاکره حاضر شده اند. اگرچنین نشود، این بدان معنی خواهد بود که آن چه را در مبارزه در طول زمان احتمالاً بدست آورده اند، ازدست داده اند. از طرف دیگر، هنگامی که نیروهای مبارزه بدون خشونت تا آن حد صاحب قدرت شده اند که رژیم را به زور وادار به نشستن سر میز مذاکره کنند، و شرایطی را به آن تحمیل کنند، مشخصاً رژیم دچار ضعف شده است.

هرآن چه شما از حریف کمتر تاوان بخواهید، کمتر هم باید از او متوقع انکار و مقاومت باشید. هرچه قدر او کمتر تلاش کند، شما نیز کمتر مجبور به تلاش می شوید. افزون بر این، هرچه سطح هدف سیاسی شما پائین تر باشد، آن را کم اهمیت تر جلوه خواهد داد و اگر قرار به ترک جلسه باشد، شما آن را با بی میلی انجام خواهید داد.³¹

همان گونه که در بخش قبلی اشاره شد، در مراحل اولیه مبارزه بدون خشونت برای ایجاد اصلاحات سیاسی، این یک ناشی گری و عملی ناسنجیده است، اگر درخواستی غیر عملی از دولت شود که امکان انجام آن وجود نداشته باشد. درخواست

³¹- همان جا

یکی از موارد اساسی که در برنامه ریزی تهاجمی باید به آن توجه زیادی کرد، زمان اعلام پیروزی و دور ماندن از برخوردهای غیرضروری با حریف، بعد از استفاده از این واژه است. اگر دسترسی به هدف هایی از یک رشته عملیات میسر گردید، ملاحظاتی را در ارتباط با خطرات بالقوه در هجوم های بعد از آن باید در نظر گرفت. با توجه به این اصل اولیه، یعنی دانستن این که اعلام پیروزی در چه زمانی باید صورت بگیرد، ما را به یاد این ماجرا می اندازد که در سال 1989 در میدان تیانان من **Tiananmen** باید پیروزی اعلام می شد و بلافاصله قبل از این که ارتش و پیاده نظام به آن ها حمله ور شوند، تظاهرکنندگان متفرق می شدند. جنبش بجای انسجام بخشیدن به تظاهرکنندگان، بدست آوردن یک پیروزی بزرگ، متحمل یک شکست بزرگ شد، همه آن چیزهایی را که در هفته های قبل از آن بدست آورده بود و بیشتر از آن را از دست داد.

گاندى

هر بحثی در مورد جنبش استقلال اوایل قرن بیستم هندوستان، بدون در نظر گرفتن تأثیر استراتژیک مبارزات بدون خشونت و رهبری آن بی معنی است. مهاتما گاندی (1869-1948) در هندوستان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در رشته وکالت به اتمام رساند. در سال 1893 به آفریقای جنوبی رفت و در آن جا به گروه اعتراض کنندگان به تبعیض نژادی پیوست. او در سال 1915 به هندوستان بازگشت و به جنبش ملی برای استقلال پیوست.

گاندى یکی از اساسی ترین ویژگی های رهبری را داشت، که تا پایان، یک استراتژی کامل را در مقابله با مشکلات و پریشانی ها تعقیب کرد. هرگاه اساس استراتژی بر پایه تحلیل دقیق از موقعیت و ارتباط نیروها قرار گیرد، یک

گانندی نه اولین کسی بود و نه تنها کسی که نتیجه گرفت، حاکمان بدون حمایت و همکاری مردم، ناتوان و بدون قدرت هستند. جین شارپ در کتاب خود به نام خط مشی سیاسی در اعمال مبارزه بدون خشونت در مورد یک فیلسوف فرانسوی در سال 1500 به نام اتینو لا بوتیس Etienne do la Bootis نوشت:

... اگر به آن ها [حاکمان مستبد] چیزی داده نشود، اگر از دستورات آن ها اطاعت نشود، بدون درگیری، بدون زدن یک ضربه، آن ها برهنه و خنثی می مانند، کاری از دست آن ها بر نمی آید، دقیقاً همچون یک ریشه، که خاکی را با خود نداشته باشد، شاخه آن پژمرده شده و می میرد.³²

در سال 1908 لئو تولستوی تناقض ذاتی را در امپریالیسم انگلیس به صورت بردگی داوطلبانه شرح می دهد. او با اشاره به مسائل خاص در هندوستان، در یادداشت های خود به نام "نامه به یک هندو" نوشت:

یک شرکت تجاری، یک ملت شامل دویست میلیون انسان را به اسارت می گیرد. این سخن را به یک انسان آزاد از خرافه پرستی بگو، او از درک آن عاجز خواهد ماند. این به چه معنی است که سی هزار مرد... دویست میلیون را به اطاعت خود در آورده اند...؟ این عدد و رقم نمی تواند این را ثابت کند که انگلیس ها، هندی ها را به بردگی گرفته اند، آیا این هندی ها نیستند که خود را به بردگی وا داشته اند؟³³

گانندی در سال 1920 اظهارات بسیاری از این قبیل داشت: "هیچ دولتی در صورت عدم همکاری مردم نمی تواند به اندازه دولت هندوستان دوام بیاورد."³⁴

³² - نقل قول از شارپ در، سیاست ها در اعمال مبارزات بدون خشونت، جلد 1 صفحه 34

³³ - همان جا جلد 1 صفحه 13

³⁴ - نقل قول از شارپ، پانویس در گانندی در نقش یک استراتژیست سیاسی (بوستون: انتشارات پورترسارخت، 1979) صفحه 44

گاندی براین باور بود که ریشه تسلیم مردم هندوستان درمقابل حکومت بریتانیا، نفوذ تاریخی و فرهنگی است. برای غلبه برپیامدهای تباہ کننده تسلیم به حکومت بریتانیا، گاندی اقدام به ایجاد یک "برنامه سازندگی" نمود، که هرگاه با موفقیت به اجرا درمی آمد، می توانست جایگزین شخصیت تسلیم شده، با شخصیتی با عزت نفس فردی یا جمعی گردد، و می توانست چهره ای حاکی از ظرفیت و اراده را به مردم هند بدهد، که بیانگر نافرمانی آن ها و عدم همکاری آن ها با حکام اشغالگر باشد. اهداف پنجگانه دراین برنامه عبارت بودند از:

* ایجاد گشتار (دگرگونی) در مردم هند و بازگرداندن عزت نفس و اعتبار در آن ها.

* ترغیب عامه مردم به عدم اطمینان به مؤسسات انگلیسی.

* رها نکردن تلاش برای رسیدن به استقلال.

* "آدم ها" را (انگلیسی ها و حامیان هندی ایشان را) جدا از "خودی ها" بدانید.

* اخلاق والای فردی و اجتماعی توانمند هندی را غنیمت شمرده در حفظ و اشاعه آن بکوشید.

هر جزء تشکیل دهنده و یا هریک از اهداف برنامه می توانست به صورت جزء جزء تعقیب شده، و این همکاری نکردن به طور جمعی را به اجرا بگذارد. درگیر شدن تمام بخش های جامعه هندوستان به نظر ضروری می رسید. همانگونه که اهالی درهر بخش جلو می رفتند، اعتماد به نفس در آن ها نیز زیادتیر می شد، و آن ها به هدف خود و نقش خود در جنبش آگاه می شدند. آنچه که مبارزه بدون خشونت را به جلو هدایت می کرد، به تصور گاندی ساتیاگرا Satyagraha (که اکثراً به نیروی حقیقت ترجمه شده است)، نوعی انضباط در عدم اطاعت در مقابل قوانین غیر عادلانه بود که مفهومی با عنوان آهیمسا Ahimsa، به حساب می آمد، ملتی که هیچ آزاری نباید از طرف آن ها به هیچ موجودی زنده ای برسد.

ساتیاگراهای گاندی، یک تعهد قاطع در برابر حقیقت Truth بود. پای بند بودن به عدالتی که از طریق مبارزه بدون خشونت بدست می آید. این یک مقاومت بی تفاوت نبود، بالعکس، این مقاومت بر اساس مبارزه شکل گرفته بود. با عدم همکاری گروهی و نافرمانی در سطح جامعه، و نهایتاً تغییر موضع منابع حمایت، حمله به استبداد آغاز گردید. هم زمان، ساتیاگراها، افزون بر تلاش در ایجاد جایایی، سعی در «تغییر نگرش» حکومت مستبد در دیدن بی عدالتی هایی که بر مردم روا داشته شده بود را داشتند. در وضعیت مطلوب، فقط افرادی که طرفدار عدم خشونت هستند

نتیجه گیری می کرد که حتی آنان که سابقه شرکت در خشونت را دارند، ممکن است به سرعت تغییر عقیده داده و به مبارزات بدون خشونت بپیوندند. بنابراین، ساتیاگراها، می تواند هم یک رویه در کنگره ملی باشد و هم می تواند یک مرام برای بسیاری از افراد در بین جنبش باشد.

سرباسیل لیدل هارت Sir Basil Liddel Hart

سرباسیل لیدل هارت (1895-1979) در زمان جنگ جهانی اول در سمت افسر ارتش انگلستان در خدمت بود. پس از کناره گیری از خدمت به علت بیماری، به عنوان یک خبرنگار نظامی برای روزنامه های مهمی در انگلستان شروع به کار کرد. او مقالات جامعی در موضوعات نظامی به نگارش درآورد. از نکات خاص در مورد او، بصیرت او در رزم آرای در مورد هدف های محدود ویا "نبرد غیر رو در رو **indirect approach**" بجای ضربه زدن به نقاط قدرت حریف است، هارت اعتقاد داشت که، اهداف میانی دشمن را باید نشانه گرفت تا او را از مواضع محکم خود دچار آشفتگی کرده و از تعقیب اهداف خود باز بدارد.

35

او موضوع را چنین روشن می کند:

دلایل معمول در انتخاب اهداف محدود این است که، انتظار در به هم خوردن تعادل قوا به طور معمول به کاسته شدن و تباهی در نیروی دشمن می انجامد، تضعیف او با تحلیل بردن تدریجی او، مطمئن تر از خطر کردن و زدن ضربه سنگین به او است. موقعیت لازم برای بکارگرفتن چنین استراتژی، وقتی است که اطمینان حاصل شود که تضعیف او به مراتب بالاتر از آسیبی است که به خود ما می رسد... به علت پراکنده شدن فزاینده نیروهای او، وبالاخره به این دلیل بسیار مهم، یعنی تضعیف نیروی روانی و فیزیکی او.³⁶

ملاحظات لیدل هارت، به راحتی قابل اعمال در مبارزات بدون خشونت علیه رژیم های استبدادی است. در مواردی که جنبش مخالف هنوز در مراحل اولیه شکل گیری است و نیروهای آن هنوز فاقد مهارت های لازم برای ایجاد و تهدید فوری برای یک رژیم مستبد نیستند، چنین راهکارهایی قابل پیگیری و رسیدن به سرانجام است. ضمن این که لیدل هارت،

Infoplease Online Encyclopedia 30 Nov. 2003

(<http://www. Infoplease. Com/ Ceb/ Ao829707. html>).

³⁵ - "سرباسیل لیدل هارت"

³⁶ - Basil Liddell Hart, *Stratgy*, (New york: Fredrick A. Praeger 1956)

با انتخاب هدف هایی وابسته و نزدیک به هدف های اصلی، ازدگرگی مستقیم با حریف اجتناب می گردد، اینگونه اهداف غیرمستقیم توجه حریف را از نقاط قوت خود منحرف نموده و او را دچار سردرگمی در استفاده از هدف های خود می نماید.

خلاصه

در این بخش، انتخاب چهارشخصیت بصیر در امور استراتژیک و مطالعه نظریات آن ها، عوامل تأثیرگذار بر روند تفکر آن ها و نیز دیدگاه و دقت آن ها نسبت به اهداف گوناگون مورد بررسی قرارگرفت. قابلیت بصیرت آن ها در مبارزه بدون خشونت نوین نیز مورد بحث قرار داده شد. در هر صورت، یک برنامه ریزی نظامی (استراتژیست) باید افزون بر داشتن قدرت دید درختان، قدرت دیدن جنگل را نیز داشته باشد.

بخش دهم

ترس

بی باکی یک موهبت است، اما، شاید، ارزشمندتر از آن شهامت حاصل از تلاش باشد، شهامت ناشی از تقویت انگیزه مقاومت، درمقابل ترس که باعث القای عمل درشخص می گردد، شهامتی که می توان آن را موهبت ناشی از تحمل سختی دانست - موهبتی که به دفعات درمقابل با سختی ها و ناملایماتی که هیچ تخفیفی درآن ها نیست بدست می آید.

آنگ سان سوکی

ترس از آسیب بدنی، حسی است که تجربه آن دامنگیر تمام انسان ها می گردد. تنوع و شدت این حس بر ذهن و رفتار ما تأثیر می گذارند. ابتدایی ترین دلیل مردم که درمقابل یک استبداد سرفرود می آورند، ترس از تنبیه در صورت عدم اطاعت است. ترس از تنبیهات فیزیکی، بیش از ترس از دست دادن شغل یا مزایای بازنشستگی فرد است. ترس ازدست رفتن جان، ترسی است ذاتی که بی اعتنایی به آن فقط وقتی پیش می آید که غریزه مادری، در زمان نجات فرزندش مطرح شود که درآن صورت احساس خطر درآن نقشی نخواهد داشت. کوتاهی های احتمالی در درک ترس ناشی از این اتفاق، عکس العمل طبیعی در برابر این خطر طبیعی است. این پاسخی است که به طور ژنتیک در ذهن ما، برای جان سالم بدر بردن، مقابله با تهدید زندگی ما، ریشه دوانده است. ترس، پاسخی است غریزی در تمام حیوانات به تهدید، بنابراین، هیچگونه ارزش اخلاقی را یدک نمی کشد. ترسیدن هیچ خجالتی ندارد.

ارزش ترس در شناسایی انگیزه آن است که به ما احتمال رسیدن یک آسیب بدنی را هشدار می دهد، و بدن ما به طور غریزی خود را آماده عکس العمل می کند. غریزه دو راه درپیش پای ما می گذارد، فرار کردن یا جنگیدن، که حق تقدمی در فرار نهفته است. این حالتی است که غالباً در دنیای حیوانات به وضوح دیده می شود، حیوان برای دور کردن خطر، یا احساس ترس پا به فرار می گذارد، اما اگر غافلگیر شده و راهی برای فرار نداشته باشد، خود را درجا "میخکوب" می کند و بدون حرکت می ایستد، به امید این که حیوان مهاجم او را ندیده و به راه خود ادامه می

نوع بشر دارای این توانایی است که بتواند نظری به ماورای خطراتی که به طور ناگهانی او را تهدید می کند، داشته باشد و بدون دادن یک پاسخ غریزی، فکر خود را در دادن یک پاسخ منطقی بکار بگیرد. با توجه به عمل و عکس العمل، برای یافتن آمادگی در مقابل نخستین نتایج ترس در رفتار خود، می توانیم آن موقعیت ترس آور را پیش بینی کنیم.

فیزیولوژی ترس (فلسفه طبیعی ترس)

ویژگی های فیزیکی ترس، نتیجه افزایش ترشح یاخته های عصبی بخش سلسله پی های نباتی نظام اعصاب است. این باعث می گردد که رگ های خونی در سطح پوست و درجهاز روده منقبض گشته، به این ترتیب خون زیادتری به طرف قلب (فشار خون بالا برود) و عضلات جاری شود. در نتیجه ترس باعث بالا رفتن و سریع تر شدن ضربان قلب شده و ضرب آهنگ تنفس افزایش می یابد (افزایش ورود اکسیژن به عضلات). تحریک نظام اعصاب باعث می گردد غده تولید کننده ادرنال، شروع به ترشح ادرنالین کرده، و با سایر هورمون ها، باعث آزاد شدن مقدار زیادی گلوکز از کبد به داخل خون شود. این عکس العمل باعث فراهم آمدن مقدار زیادی انرژی در عضلات می گردد.

هنگامی که چنین آمادگی هایی برای درگیری در جریان اند، بدن نیز خود را آماده نجات خود از زخم های بالقوه می کند. تنگ کننده های عضلات Sphincters در انتهای روده ها و مثانه، که در حال استراحت هستند، گاهی اوقات، به طور غیرارادی اقدام به عمل ادرار و تخلیه مزاج می کنند. اینگونه تجربه ها در مورد انسان اتفاق می افتد.

ما حتی آن ها را به زبان می آوریم. برای مثال:
 "پاهای او یخ کرد!" خون با فشار هرچه تمام تر از مهم ترین ارگان های حیاتی به طرف پاها جاری می شوند.
 "موهای پشت گردن من سیخ شدند"
 "از ترس خشک شدم"

من به خودم شاشیدم" و یا "من به خودم ..."
 معذب، بلی، اما نه شرمنده از این که ما در طبیعت، و نگهدارنده غریزه ها کار خود را به کمال انجام داده است.
غلبه بر اثرات ترس

³⁷ -رهایی از ترس و یادداشت های دیگر- به قلم آنگ سان سوکی (نیویورک: انتشارات پنگوین 1991) صفحه 184

تلاش در راه مبارزات بدون خشونت نیاز به همکاری جمعی بخشی از جمعیت جامعه دارد. این بدان معنی است که مردم یک جامعه باید بر اثرات ترس حاصل از سرکوب خشونت آمیز که ممکن است بر آن ها تحمیل شود، فائق آیند. البته، در صورتی که بتوان انگیزه این ترس را دورکرد، خود به خود زنجیره حوادثی که موجب ایجاد این انگیزه می گردد نیز، منتفی خواهد شد. به هر حال به عنوان یک موضوع عملی، بستن چشم ها، پوشاندن گوش ها، و تخدیر اعصاب و احساسات باعث پراکنده شدن افراد جامعه از یکدیگر شده و اجرای نقش به صورت انفرادی خواهد شد.

این مناسب خواهد بود که در برنامه ریزی برای یک مقابله فرضیه فرار از انگیزه ترس را به یاد داشته باشیم و به این لحاظ راهکارهایی را برای اجتناب از شرایط درگیری ای که طرف مقابل بوجود می آورد پیش بینی کنیم. داشتن نگرشی واقع گرایانه برای کاستن از تعداد حوادثی که می تواند باعث ترس از ایجاد یک درگیری توان فرسا گردد در برنامه ریزی ها رعایت کنیم. به عنوان مثال برای کاستن از ترس درگیری بین شرکت کنندگان در یک مبارزه بدون خشونت، می تواند انتخاب درست زمان و مکان برای تظاهرات باشد و نیز، اعلام سریع "پیروزی" و متفرق شدن قبل از رسیدن نیروهای ضدشورش رژیم در محل. هنوز هم برای کاستن از شدت ترس شرکت کنندگان در مبارزه های بدون خشونت راه هایی از قبیل این که نیروی مبارز، تظاهرات خود را در چند محل درکناره شهر ترتیب دهند وجود دارد که این خود باعث تقسیم شدن نیروهای سرکوب گر و در نتیجه کاهش تعداد آن ها در محل رویداد خواهد شد.

غالباً حوادث غیرمترقبه زمانی رخ می دهد که ترس بر جمعیت تظاهرکننده چیره شده باشد. با ایجاد آمادگی بین تظاهرکنندگان، می توان از وقوع چنین حوادثی جلوگیری به عمل آورد. بخشی از این آمادگی را می توان با توضیح برای روشن شدن هدف از عملیات، توضیح دقیق در مورد انجام عکس العمل در صورت یورش احتمالی پلیس یا نیروی نظامی، برنامه ریزی دقیق برای انجام تظاهرات، زمان برگزاری مناسب آن، تمرین و آموزش دادن به شرکت کنندگان کلیدی ایجاد نمود. مناسب خواهد بود اگر به شرکت کنندگان در تظاهرات توضیح داده شود که، احتمالاً آن ها چه خواهند دید (نیروهای جنبش یا دولتی)، چه خواهند شنید (صدای کوبیدن باتون ها به سپرها، صدای متصل کردن سرنیزه ها به لوله های تفنگ، غیره) و بالاخره این که چه عملیاتی بین صفوف تظاهرکننده ها اتفاق خواهد افتاد.

آگاه کردن هریک از شرکت کننده ها به دستورالعمل، یک حرکت بزرگ در کمک به برقراری نظم در میان آن ها است. پیوستن به هم، هم آهنگ شدن عملیات زیر فشار نیروهای سرکوب، بدون داشتن نظم غیر ممکن است. شرکت کنندگان را باید از این مهم آگاه نمود که تفاوت زیادی است بین غوغا به پا کردن و عملیات مربوط به نیروهای مبارزه بدون خشونت، که در پی ایجاد دگرگونی تلاش می کنند. همچون دانش آموزان در مدرسه، همه ما "تمرین آتش سوزی" را تجربه کرده ایم، زمانی که همه دانش آموزان در یک صف به طرف هال و درهای خروجی برای تجمع در یک محل، راهنمایی می شوند، در ظرف یک یا دو دقیقه، یکصد نفر دانش آموز یا بیشتر به طرف محل امن حرکت می کنند، آموزگاران از چگونگی کار و این که چه باید می کردند آگاه بودند. دانش آموزان نیز اطاعت می کردند. اینک مقایسه کنید این اعمال منضبط را با آتش سوزی که در یک تئاتر یا کلپ های شبانه رخ داده است. صدها نفر از افراد و مشتری ها وحشت زده سعی در خروج هم زمان، از درهای خروجی داشتند. نتیجه این که فقط چند نفر، آن هم به احتمالی به سلامت توانسته اند از در خارج شوند. صورت مسئله بسیار روشن است. داشتن یک برنامه منسجم، و اطمینان از این که شرکت کنندگان از این برنامه مطلع هستند، و داشتن سرپرست هایی که با اطمینان وظیفه خود را انجام خواهند داد.

اطمینان داشتن به رهبران، کمک مؤثری است به ایجاد قوت قلب افرادی که در مبارزه بدون خشونت شرکت می کنند، و این قوت قلب ها بیشترین عامل در کاهش تأثیر ترس ها هستند. تازه واردها به جرگه مبارزین بدون خشونت، می توانند از طریق آموزش مناسب، دارای قوت قلب بشوند، و طرز برخورد رهبران در تظاهرات در رابطه با دلهره آن ها بسیار مؤثر خواهد بود. آن ها در آینده نیاز به اعتماد نفس خواهند داشت. برای مثال، اگر یک رهبر در یک تظاهرات در جایگاه خاص در صف مقدم قرار نگیرد، او نیاز خواهد داشت که به نیروهای خود بگوید که به چه دلیل در آن جا حضور نداشته است و در کجا خواهد بود. ("اگر در صف جلو ایستاده باشم، قادر نخواهم بود که آن چه در حال اتفاق افتادن است نظاره کنم و قادر به تماس با سایر رهبران و یا در هم آهنگ کردن جا به جایی های مورد نیاز برای جلوگیری از ایجاد حوادث غیر ضروری حضور نخواهم داشت. به یاد داشته باشید، من کسی هستم که پیروزی را اعلام کردم، پس از آن به هر جهنی که لازم باشد خواهم رفت").

رهبران، افزون بر این که عملیات را توضیح می دهند و خطر مسئولیت آن را به عهده می گیرند، باید به

درباره ریزی برای رویدادهای احتمالی مبارزه بدون خشونت، رهبران موظفند از احساس تنهایی شرکت کنندگان، جلوگیری کنند. دریک حرکت اجتماعی، همچون تظاهرات، نگهداشتن مردم درکنار یکدیگر به اندازه ای که آن ها احساس کنند که یکدیگر را می توانند لمس کنند، دست های یکدیگر را در دست بگیرند و زمزمه یکدیگر را بشنوند (شعار بدهند، آواز بخوانند و با یکدیگر حرف بزنند) از هراس آن ها می کاهد. باید به طور دائم برای آن ها تکرار شود که تنها نیستند. پوشیدن لباس های مشابه و استفاده از سبیل های مشترک که به لحاظ روانی استفاده از آن ها ایجاد نوعی همبستگی چشمی با دیگران، که دارای باورهای مشترک و تعهدات مشترک هستند، می نماید.

عوامل مهم دیگر که هنگام برنامه ریزی بایستی به دقت مورد توجه قرار گیرند، آن هایی هستند که به منظور کاستن ترس نیروهای مخالف که درموضع مبارزه بدون خشونت قرار دارند، باید رعایت گردند. به پلیس باید اطلاع داده شود که هیچگونه آسیبی متوجه آن ها نخواهد شد، و تظاهرات آرام و صلح جویانه می باشد. جملات باید محکم و همراه با عمل باشند. برای مثال، صورت افراد و گفتگوی آن ها باید دوستانه و امیدوارکننده باشد. شاید در میان جمعیت، افراد خانواده، دوستان یا دیگرآشنایان یا چهره شناخته شده ای برای پلیس، حضور داشته باشد، که بهتر است این چهره های آشنا را برای کاستن این شائبه که حضور این گروه تهدیدی برای آن ها نیست، درصاف مقدم جای داد. یک فرد مسلح که باعث تشویش می شود، می تواند آغازگر یک رشته عکس العمل خشونت آمیز گردد.

دریک رویداد که منجر به درگیری می گردد، باید برای کاستن از تلفات احتمالی برنامه ریزی شود. افرادی که آموزش پزشکی دیده اند و افراد کمکی برای ارائه کمک های اولیه باید در دسترس باشند. این که چنین افرادی درکنار تظاهرکنندگان وجود دارند، اطمینان خاطر برای آن ها می باشد. ذکر این که چنین کمک هایی وجود دارند، قابل قبول است، اما تکیه کردن زیاد به این کمک ها در صورت بروز

درجریان یک رویداد، به هریک از اشخاص باید وظیفه ای خاص محول نمود که انجام آن مستلزم توجه کامل آن ها است. پیگیری برای انجام کامل این وظایف به عهده رهبران می باشد. ایستادن و پیگیری انجام وظایف محول شده، احتمال این که شخص مسئول تحت تأثیر موقعیت و فضای حاکم قرار گیرد را کاهش خواهد داد. کندوکاشی جزئی مشخص می کند که ترس مهار شده است، بعضی از افراد بایستی حفظ نظم را در قرار گرفتن صف ها و ترتیب ایستادن ها را به عهده بگیرند. دیگرانی نیز باید عهده دار مراقبت از پرچم ها و علامات و نیز ایستایی درست آن ها باشند. (مهارپرچم ها در صف جلو، مقدم بر اعتراض کننده ها و در ارتفاعی قرار گیرد که بتواند منظره پلیس های مستقر در مقابل را به منظور کاهش هراس از نظرها بپوشاند.) ممکن است از بعضی افراد خواسته شود که فعالیت نیروها و کسانی که تظاهرکنندگان را محاصره کرده اند، را زیر نظر داشته و حرکات آن ها را گزارش دهند. از بعضی دیگر ممکن است خواسته شود که در میان تظاهرکنندگان و برای جلوگیری از تبخیر آب بدن آن ها آب توزیع کنند. در تظاهرات عموماً کسانی هستند که مسئولیت شروع به شعار دادن، دم گرفتن و سرود خواندن را به عهده دارند. پیام ساده است. رهبران در نظر دارند که همه را مشغول نگه دارند.

در سطح افراد عادی، موضوعی است احساسی که می توان تأثیرات ترس را کاهش داد. پذیرفتن این که ترس یک مفهوم عادی است و تجربه ترسیدن علامت بُزدل بودن نیست؛

خلاصه

با درک این معنی که ترس یک احساس طبیعی است، نباید دیگران را محکوم کنیم، واگرخود ما آن را تجربه کردیم، احساس شرمندگی نکنیم. ازطرف دیگر، اگرجامعه ای باید موفق به آزاد کردن خود ازشررژی که با ابزار ترساندن حکومت می کند بشود، افراد این جامعه باید از روش ها و شیوه های غلبه برنتایج نامساعد آن درس بگیرند. درخاتمه، ثابت شده است که، دانش، نظم وبرنامه ریزی دقیق کارساز هستند.

بخش یازدهم

رهبری

رهبران خوب این تصور را درمردم خود ایجاد می کنند که آنها درقلب امور قرار دارند و نه درحاشیه. هرکس احساس می کند که دارای سهمی درموفقیت تشکیلات است وارن. جی. بنیس: نویسنده کتاب درمورد رهبرشدن

کسی که تئوری و تلاش در مبارزه بدون خشونت را به یک حرکت نتیجه بخش تبدیل می کند، رهبر است. در تلاش برای رسیدن به دموکراسی، بسیج مردم، الگوشدن در بین شرکت کنندگان در مبارزه، از بین بردن هرگونه تردید، هنگامی که دیگران در مورد نتیجه تلاش ها در مبارزه اظهار تردید می کنند، انتخاب راه چاره های مناسب در موقع مناسب و پیگیری و ادامه حمایت و همکاری لازم برای پیروزی، جزو وظایف رهبری است.

در این عصر "انگاره پردازی" و "تخریف کردن ها" جامعه به بسیاری از رهبران به چشم بدبینی نگاه می کند. آن ها به حق در مورد شخصی که در تلویزیون می بینند یا از رادیو صدای او را می شنوند، از خود سؤال می کنند که آیا آن چه او می گوید، خود او باور دارد و یا آن چه او می گوید شخصیت واقعی او را نشان می دهد. بسیار کسانی از این که پی می برند شخصیتی با نگرش هابس (فیلسوف انگلیسی 1776 Thomas Hobbes که عقیده داشت هر شخص دارای حق صیانت کامل است و یک دولت نیرومند باید این حقوق را حفظ کند) با نگاهی که به نوع بشر دارد، خود را در لباس توماس جفرسون، و طرفدار دموکراسی می داند، تعجب نمی کنند. به طور کلی بسیاری برای باور هستند که فقط پول است و نه شخصیت یا نظریه سیاسی فرد و یا صلاحیت دولتمرد بودن او که برنده انتخابات را معین می کند. اگر این تعریف سیاست مدارانه حقیقتاً تعریف درستی از حاکمیت است، چالش رو در روی رهبران عظیم خواهد بود. بدون شک، بعضی رهبران ملی گرا، از آن چه استنباط عامه مردم از یک رهبر سیاسی است، به کلی متفاوت خواهند بود. نلسن ماندلا در آفریقای جنوبی، مارتین لوتر کینگ در آمریکا، لُخ والسا در لهستان و آنگ سان سوکی در کشور برمه، در تضاد کاملی از آن چه برداشت مردم به عنوان رهبران ملی است می باشند.

هنگامی که بین حکومت و مردم آن چنان جدایی می افتد که مردم دیگر نمی توانند نفوذی هدف مند یا نظارتی بر اعمال سیاسی حکومت داشته باشند، آن گاه فعالینی که در صدد اصلاحات سیاسی هستند، دارای مشکلات زیادی شده و در صدد مخالفین آن دولت و رژیم قرار می گیرند. در چنین موقعیت ها، یک رهبری مؤثر و کارآمد می تواند اعتماد و شهامت را برای یک خیزش همگانی برای برقراری مجدد تعادل سیاسی که منجر به ایجاد آزادی های فردی و عدالت اجتماعی است بازگرداند.

خصلت ها یا ویژگی های مشترکی بین رهبران کارآمد - در سطح ملی یا محلی و در هر دو مورد مبارزه مسلحانه و

ویژگی ها در رهبری

1- شماری از مشخصات

وقت اضافه، هرسازمانی کیفیت ها و خصلت های رهبرخود را منعکس خواهد کرد. هیچ یک از رهبرانی که از امتیازات محل کارخود برای کارهای شخصی استفاده می کنند، نباید از این که زیر دستان آن ها نیز استفاده مشابهی می کنند دچار تعجب گردند. از فساد طراحی شده هنگامی که رهبران فاسد هستند نمی توان دوری جست. وقتی که رهبری صداقت خود را به اثبات رساند، کارمداوم، شهامت و احترام به دیگران را نشان دهد، تمام آن خصوصیت ها در پیروان او نیز پدیدار می شود. تمام خصوصیات و شواهد آرمانی یک رهبر سازمان، در خصوصیات و رفتارهای کارکنان آن سازمان منعکس می گردد.

2- اشخاصی را که انتظار دارید رهبر شوند بشناسید.

یک رهبر کارآمد باید ثابت کند که کسانی که قرار رهبری آن ها را دارد، مراقب آن ها و کار و کسب آن ها است. در سطح ملی، این بدان معنی است که او با توجه دایم به اطلاعات آماری درمورد ملاحظات جمعیتی، درآمد گروه ها (کشاورزان، کارگران، آموزگاران، کارکنان کشوری و غیره) سطوح آموزشی، مذهب، تنوع قومی، واردات و صادرات، منابع GDP، وجود سازمان های بهداشتی درمانی و سایرخدمات اجتماعی، درجریان آن چه می گذرد قرار دارد. مورد مهم دیگر، توجه به این موضوع است که "مردم در روز چه می کنند". برای مثال درکشور زیمباوه درسال 2002، مردم مجبور به تحمل ایستادن در صف و انتظار کشیدن به مدت چند ساعت در شلوغی و فشار، برای خرید مایحتاج سهمیه بندی شده بودند، با توجه به این واقعیت که حداقل 25 درصد جمعیت زیمباوه آلوده به ویروس اچ آی وی/ ایدز هستند و نیز با تورمی بالای صد درصد و نرخ بیکاری 70 درصد رو به رو هستند. واقعیت زندگی مردم این کشور این است که، عدم درآمد کافی، سوء تغذیه، و جستجو برای یافتن کار، غذا، توجه به مریضی ها و نیز مرگ اعضا

برای هدایت طبقه ضعیف جامعه، رهبری باید صاحب نامی باشد و چهره ای. رهبران باید کوشش کنند تا نفر به نفر کسانی که از آن ها حمایت می کنند بشناسند، حتی زاغه نشین ها را، و تمام کوشش خود را برای توجه به آن ها معطوف کنند. رهبران محلی در سطح ضعیف جامعه نه تنها باید به طور مداوم یادآور شوند که زندگی آنان تحت لوای حکومت دموکراتیک بهبود می یابد، بلکه باید به حل مشکلات احتمالی اهالی بپردازند.

3- درانجام مسئولیتی که به عهده دارید ورزیده باشید.

درمواقع بحران، هیچ چیز نمی تواند بیشتر از رهبری که از وظیفه خود بی اطلاع است، باعث شکست و ناامیدی گردد. تصمیمات بد، منتج به ایجاد خطرات بی جا و تلفات می گردد؛ اعتماد ازبین می رود و ترس امری معمول و همه گیر می گردد. این انتظار از رهبران می رود که بدانند چگونه دریک میدان جنگ باید پیروز شوند، خواه این میدان جنگ متعارف باشد و یا درحد یک مبارزه بدون خشونت وقت گیر و شاق باشد. جدا از این که آن ها باید مهارت و دانش مبادرت به جنگ ها را داشته باشند، باید آگاه باشند، جنبه های دیگری نیز در رهبری وجود دارد که در نتیجه گیری از مبارزه مؤثر می باشند. در سطح ملی، این بدین معنی است که رهبر بایستی شمرده و روشن بگوید، به چه دلیل این مبارزه بایستی صورت بگیرد، و عموم را در مشارکت در مبارزه ترغیب کند. سایر مهارت ها در رهبری می تواند قدرت جلب حمایت بین المللی و هدایت منابع برای مبارزه ای که، براساس یک تحلیل دقیق، دارای احتمال برنده شدن با حداقل تلفات، در سطح جامعه باشد. رهبران نیاز به درک این مطلب دارند که چگونه موقعیت را مورد ارزیابی قرار داده و نوعی از مبارزه بدون خشونت را انتخاب کنند که مناسب برای رسیدن به مورد نظر باشد، برنامه های اجرایی مبارزه بدون خشونت را تهیه کنند، و شرکت کنندگان را آموزش دهند که چگونه با موفقیت روشی را و یا روش های انتخاب شده را مورد استفاده قرار بدهند.

4- در جستجو و پذیرفتن مسئولیت

به نظر می رسد که فرار از مسئولیت، خصلتی فراگیر در جامعه امروز است، اغلب، هنگامی که با یک نمایندگی فروش درمورد مشکل محصولی که از او خریده ایم صحبت می کنیم، ظاهراً اولین اولویت برای او این است که، به ما بفهماند و ما را مطمئن کند که عیب کار هرکجا که هست، مقصر او نیست. به همین ترتیب، نخستین پاسخ یک دانش آموز درمورد علت رفوزه شدن او، سرزنش معلم است. یک رهبر سیاسی خواهد گفت که مبنای تصمیم او براساس بهترین اطلاعات موجود بوده است، و این که نتیجه کار تغییر کرده و به فضاحت کشیده شده است، مقصرا و نیست. نرسیدن به یک ملاقات بسیار مهم، به خاطر کمبود وقت برای رسیدن به آمادگی و، سایر اولویت ها مسائلی از قبیل رسیدگی به بچه ها، می تواند باشد (مریضی آن ها، حفظ کردنی، ملاقات اولیاء مدرسه). اما برگ برنده عبارتست از خواست خدا که همیشه بهترین بهانه برای شکست است. به هرحال، رهبران درمبارزه بدون خشونت، مردم عامی نیستند و، مبارزه نیز چیز پیش پا افتاده ای نیست.

یک رهبرکارآمد، مسئولیت شکست را در رسیدن به اهداف سازمان خواهد پذیرفت. اگر مشکلی پیش بیاید، سایرین را نباید سرزنش کرد. یک رهبر باید اعتراف کند که اشتباهی رخ داده است، مسئولیت این اشتباه را بپذیرد، مشکل را برطرف کند، از آن تجربه بگیرد، و ادامه دهد. زبردستان، رهبری را که اعتراف به اشتباهات کند و مسئولیت آن را به عهده بگیرد ستایش خواهند کرد. این مسئولیت پذیری درضمن اهرمی برای اصلاح امور به دست رهبر خواهد بود. "بچه ها، توجه کنید که من شخصاً مسئولیت این اشتباه را پذیرفته ام. من در پذیرش دستورات راهنما و سرپرست قسمت کوتاهی کردم. اما دلم هم نمی خواهد که بازهم در آینده بابت همین اشتباه سرزنش مجدد بشوم. ما نیاز داریم که برای جلوگیری از تکرار آن چه اتفاق افتاده است راهی پیدا کنیم." سریع ترین راه برای سرکوب قدرت ابتکار زبردستان، مقصر نشان دادن آن ها در اشتباه رخ داده است. بهترین نوع برخورد با اشتباهات، اعتراف به این نکته است که، درمبادرت به حمله، وقوع اشتباه دور از ذهن نیست. هیچ کس کامل نیست. اگرچه این بخشش شامل حال کسانی نخواهد شد که از اشتباه خود تجربه نیاموخته و اشتباهات خود را تکرار می کنند.

5- دیگران را بابت موفقیت بدست آمده تشویق کنید

وقتی که صحبت از موفقیت دریک رویداد می شود، یک رهبرخوب از استفاده از کلمات "من" پرهیز خواهد کرد. او کلمات "ما" تا "آن ها"، "او" و "یا" آن ها" را به کار برده و زبردست یا زبردستان خود را مورد تشویق قرار خواهد داد. این کوشش آن ها بوده است که موفقیت را ممکن کرده است.

ک رهبر ممکن است با استعداد ترین استراتژیست و یا سیاست مدار درجهان باشد- اما در صورتی که ابتکارات و نظرات او عملی نگردد، استعداد او یعنی هیچ. نتیجه کار این رهبر باعث تشویق دیگران خواهد بود که، هر یک از افراد به این فکر خواهند افتاد که او، شخص مهمی است، این موفقیت مرهون مشارکت و تلاش او است، و تلاش او بسیار مورد ستایش است.

6- وفاداری

وفاداری در یک جامعه دموکراتیک کار ساده ای نیست. این یک مسیر دو طرفه است که از یک سو، نیازمند اعضای سازمان به حمایت از رهبران خود است و از سوی دیگر، احترام رهبران به حمایت کنندگان خود و نشان دادن علاقه خود به آن ها است. وفاداری به معنای "بله قربان" گفتن نیست، اطاعت بی چون و چرا از آن چه رهبر به آن اشاره می کند، نیست. درحقیقت، این ممکن است به نظر یک ناسپاسی برسد که بدون آگاه کردن رهبر و اخطار به او که چیزی ممکن است در این برنامه در حال اجرا خطا بوده یا از قلم افتاده باشد، که اجازه بدهد که او مرتکب عملی گردد که نتیجه آن رسیدن آسیب به جنبش دموکراتیک باشد، وفاداری حکم می کند که وقتی اختلاف نظر وجود دارد، این اختلاف نظر باید به نظر رهبر برسد، البته نه در حضور زیردستان. این اختلاف نظر باید با دلایل ناراضایتی و راه حل های پیشنهادی برای برطرف کردن مشکل همراه گردد. رهبر وظیفه ای دوگانه به عهده دارد، صدور یک دستورالعمل در داخل سازمان برای به دست آوردن اطمینان به این که نگرانی های موجه مسیر خود را طی می کنند، ممکن است که عدم توافق باعث ایجاد مشکل گردد که علت آن بی خبری یک زیردست وفادار از بعضی حقایق یا برنامه ها در مورد اهداف استراتژیک گسترده تر است، و یا سایر عملیات که باید هم زمان انجام می گرفت، و یا انتظار عملیاتی که قرار بوده از طرف حریف انجام شود، به وجود آمده باشد. در هر حال، هنگامی که برنامه های عملیاتی برای اجرا توزیع می شوند، آن ها باید با تمام وجود مورد حمایت قرار گیرند. وفاداری، همچنین فرایندی را ایجاد می کند که در آن، رهبران

7- مخالفین خود را شناسایی کنید

این بدین معنی است که هرگونه اطلاعی مربوط به مخالفین بایستی جمع آوری شده و تحلیل شود. برای مثال، پاسخ به سؤالات از قبیل این که یک مخالف چگونه فکر می کند، به طور معمول چه کاری انجام می دهد، تحت شرایط فشار چه کاری انجام می دهد، باورهای او چیست، و این که چه مواردی برای او مهم است و چه مواردی برای او مهم نیست، همه عواملی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد. چه کسی، واقعاً، دشمن است؟ در مورد رهبران کلیدی چه شناختی بدست آمده که می تواند جهت مبارزه را علیه مخالفین دموکراتیک هدایت کند؟ با شناخت حریف، برنامه ریزان می توانند در پاسخ به او پیش دستی کنند.

8- از تجارب درس بگیریید

پرارزش ترین روش یادگیری، درس گرفتن از اشتباهات خویش است. این بسیار مشکل خواهد بود که بجوایم از اشتباهات و موقعیت های دیگران بیاموزیم. برای بعضی افراد، اگر قادر به آموختن از اشتباهات خویش نباشند. بنابراین تجربه مستقیم هم معلم خوبی نخواهد بود. در سال های اخیر، چند منبع پرارزش برای مطالعه و تحقیق در مورد مبارزات بدون خشونت به چاپ رسیده است که با استفاده و آموزش از آن ها می توان به نتیجه رسید.³⁸ افزون براین، بعضی سازمان های غیروابسته به دولت وجود دارند که مایل به در اختیار گذاردن نتایج تحقیقات و تجربه ها در زمینه راهبردهای مبارزات بدون خشونت هستند³⁹ برای دریافت اطلاعات بیشتر، این مهم است که بعد از هر یک از عملیات، مجله ای با نام "درس های آموختنی" تهیه گردد که دیگران هم بتوانند از این اطلاعات استفاده کنند. یک دوره استراتژیک به تنهایی نمی تواند کسی را استراتژیست کند. داشتن تفکر استراتژیستی حاصل تجربه ای است که از تجربه شخصی بدست می آید، و مهم تر از آن، به طور عاریتی، از خواندن و بحث با دیگران و تجربه دیگران حاصل می شود.

9- استفاده از حداکثر توانایی های هواداران

رهبران نیازمند انتخاب افراد مناسب برای مقام های مناسب هستند. کسانی که جنگ جهانی دوم را مطالعه کرده اند، با

³⁸- گونه هایی از این کتاب ها برتین لینتر Bertil Linter. ظلم، تلاش بورما برای دموکراسی Burma's Struggle For Democracy (لندن، بانکوک: White Lotus 1990) و هاوارد کلارک: مقاومت کشوری درکوزوو (لندن: Pluto Prow 2000)

³⁹- NGO هایی که می توانند کمک اطلاعاتی باشد از قبیل (www. The Albert Einstein Ins Einstein. Org)

Patton یک فرمانده درخشان میدان

نبرد بود کسی که باعث شد لشکر تحت فرمان او در نبردی که آن را مافوق ظرفیت او می دانستند به پیروزی برسد. او یک رهبر بلند پایه و با جاذبه بود. او به خاطر تکبر و بی پروایی هایی که داشت مورد نفرت بعضی فرماندهان متفقین بود و اگر به خاطر این واقعیت نبود که او خود را یک رهبر در نبرد به اثبات رسانده است، بدون شک او را به خانه اش بازگردانده بودند. از طرف دیگر، ژنرال آیزنهاور، یک رئیس ستاد در ارتش بود، با تجربیات و قابلیت های زیاد، که خود را چهره ای ساکت و بردبار معرفی کرده و می توانست حمایت دیگران و موافقت آن ها را در همکاری جلب نماید. به این دلیل، فرماندهی عملیات در اروپا به او واگذار گردید، او مأمور حمله از اروپا شد. او توانست فرماندهی نظامی تمام اروپا را از کشورهای متحد گرفته و حمایت و همکاری آن ها را در برنامه های موفقیت آمیز حمله نورماندی، که یکی از پیچیده ترین نبردهای نظامی در طول تاریخ بود به انجام برساند. نکته این جاست که یک رهبر باید از توانایی ها و استعداد های زیردستان خود مطلع باشد و با استفاده از آن ها بهترین امتیازها را کسب کند.

شیوه رهبری

شیوه رهبری در طول یک دوره عملیات گوناگون می باشد، از یک خودکامه افراطی تا تبدیل شدن به یک دموکرات "شاخص بودن در بین برابرها". موقعیت در شیوه رهبری و انتخاب آن شیوه مؤثر می باشد. عامل دیگر در تصمیم به انتخاب شیوه رهبری، می تواند منوط به شخصیت خود رهبر باشد.

در مجموع، امتیازات مورد توجه در یک رهبری خودکامه شامل حقایقی به شرح زیر است:

* در وضعیت‌هایی که عکس العمل فوری ضروری است، تمایل رهبران مستبد به انتخاب راهکار ایجاد بحران است.

* در مواقعی که شخصیت رهبر برای پیروان خود به طور کامل شناخته شده نیست، او می تواند از این موقعیت استفاده کرده و استبداد خود را حاکم نماید.

* موقعیت دیگر هنگامی است که گروه دچار شکست شده و نیاز به احساس امنیت دارد، در اینجا است که دست رهبر در انتخاب شیوه استبداد باز خواهد شد.

همیشه استثناهایی در نظریه های کلی وجود دارد. در مواقع بروز بحران، ممکن است فرصتی برای جویا شدن از نظریات دیگران یا بحث درباره راهکارها وجود نداشته باشد. هرگاه، احتمالات پیش بینی شده باشند و راهکارها

نقاط ضعفی نیز در نمونه های استبداد وجود دارند. برخلاف یک محیط ارتشی، جایی که فرمانبرداری به وسیله قانون تحمیل می گردد، عموم مردم از جنبش مبارزه بدون خشونت حمایت کرده و خطرات آن را می پذیرند، به دلیل این که آن ها نمی خواهند، به هرکاری که تحمیل می شود، تن در دهند. اطاعت محض از مقامات، باعث فرو خوردن ابتکارات عمل هواداران می شود، آن ها بدون راهنمایی بالادست ها اقدام به هیچ عملی نمی کنند، و فقط هواخواه باقی خواهند ماند. هرگاه مردم به این باور برسند، که به هر حال، آن ها در روند تصمیم گیری ها نقش دارند و در این روند صاحب اعتبار خواهند شد، طبیعتاً مشتاق خواهند شد که برنامه ریزی های "خودشان" را و اجرای دقیق آن و نتایج آن را شاهد باشند. امتیازات مورد توجه در یک رهبری دموکراتیک می تواند این باشد که:

* برانگیختن رغبت مردم به حمایت، به نحوی که هواداران احساس کنند، که آن ها نیز سهمی در روند تصمیم گیری داشته اند یا می توانند داشته باشند.

* شویق به طرح فکر تازه، اگر زمان یاری کند، درخواست از طرف رهبری (گردهم آیی های نخبگان، شاید) برای حل مشکلات. * مطمئن شدن افراد که، به چه دلیل و چگونه تصمیمات اتخاذ شده اند، پرورش اعتماد و اعتماد به نفس.

* انتخاب اعضای با تجارب ارزشمند، در جوامع دموکراتیک آنان که باید به نوبه خود، سمت راهنما داشته باشند.

در استفاده از روش دموکراتیک رهبری، بعضی اشکالات نیز می تواند ظاهر گردد. نخست این که، اگر رهبر فاقد هر یک از خصوصیات ضروری برای رهبری باشد، این کاستی بلافاصله خود را نشان خواهد داد. افزون بر این، در حالی که اختلاف زیادی بین نظرات وجود دارد، برای رسیدن به یک تصمیم قاطع، ممکن است زمان زیادی از دست برود.

صرف نظر از روش هایی که افراد تقلید می کنند، رهبران وظیفه دارند که به آموزش زیردستان بپردازند. این بدین معنی است که اطرافیان رهبر در جریان قرار می گیرند که چگونه تصمیم گیری می شود، مطلع می گردند که چرا بعضی از اطلاعات مهم تر از بعضی دیگر هستند، و نیز برای بعضی از توصیه ها مورد سؤال قرار می گیرند. این توصیه ها نیاز به نقد و بررسی دارند. به عبارت دیگر، یک رهبر با تجربه و

خلاصه

رهبران موفق در بعضی خصوصیات وجوه مشترکی دارند، هر رهبری برای رسیدن به موفقیت نیازی به داشتن تمامی این ویژگی‌ها ندارد، اما تمام رهبران موفق، اصرار به نمایش بعضی از این خصلت‌ها دارند. رهبران غالباً بسته به موقعیت-کم و بیش نیاز به یک خصلت یا شیوه رهبری متفاوت از دیگر رهبران دارند. این مهم است که به یاد داشته باشیم، به هر حال، که داشتن صلاحیت مهم‌تر از انتخاب شیوه رهبری است.

بخش دوازدهم

آلوده کننده ها

آلوده کننده، n ، ماده ای که ماده دیگری را آلوده می کند؛ فاسد کردن، v ، برای آلوده کردن، پلییدی ویا تباه کردن به وسیله تماس.

وبستر- فرهنگ جدید قرن بیستم، خلاصه نشده 19750

همچون آبی که می تواند بنزین مصرفی در اتومبیل ما را آلوده کند- اندازه کم می تواند باعث گردد که موتور روشن نشده و پت پت کند، و اندازه بیشتر می تواند باعث توقف اتومبیل شده و موتور را به کلی از کار بیندازد- جنبش مبارزه بدون خشونت نیز آلوده کننده هایی را در اختیار دارد که می توانند آن ها را فاقد بازدهی کرده و حتی باعث انهدام جنبش گردند. در این بخش، جدی ترین آلوده کننده ها در سازمان ها، یعنی تشکیل دهندگان مبارزات بدون خشونت مورد مطالعه قرار می گیرد.

خشونت به عنوان یک ماده آلوده کننده

خشونت مخالفین در مقابل دولت و یا حامیان آن، آیا مجاز است یا خیر؟ آیا ممکن است یک آلوده کننده جدی، موفقیتی را برای مبارزه بدون خشونت به همراه داشته باشد؟ ممکن است یک حرکت خشونت آمیز، بهانه ای مناسب برای دولت باشد که وحشیانه ترین انتقام را در مورد هر نوع هدف یا هدف هایی در میان جنبش مخالفین به طور مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان پاسخ اعمال نماید. خشونت مخالفین هم ممکن است نتایج ناخواسته ای مثل به تدریج ضعیف کردن اطمینان جامعه و مشارکت آن ها در جنبشی که موجودیت آن درگرو رسیدن به اهدافی از طریق استراتژی جنبش بدون خشونت و نحوه عمل آن است، گردد.

بالاترین مثالی که می توان از تحریک خشونت در ارتباط با درگیری ها بیان کرد، گروه تروریستی حماس و جهاد اسلامی و بعب گذاران انتحاری در مقابل شهروندان اسرائیلی در جریان دومین اعلام انتفاضه بود. به دلیل این که مقامات فلسطینی نتوانستند خود را از این عملیات تروریستی جدا کنند، حمایت عمومی مردم اسرائیل در مورد سرزمین مادری فلسطینی ها، به فراموشی سپرده شد، و جامعه بین المللی نیز پشتیبانی خود را برای بازداشتن مهاجرین اسرائیلی از تعقیب سیاست خشونت آمیز خود و نیز رسیدگی به ناآرامی های منطقه اشغالی در ساحل غربی به یک سو نهاد.

به عنوان هرگونه مبارزه سیاسی، شامل خشونت
آمیزترین آن ها، اهمیت انرژی، شورواشتیاق جوانی برای
پیروزی، می تواند به سختی مبالغه آمیز گردد. اما یکی
از برجسته ترین امتیازات درمبارزه بدون خشونت (جایی که
خشونت خودنمایی می کند، لزوماً موفقیتی به همراه نخواهد
داشت) این است که در رسیدن به سمت رهبری و یا هر مقامی
دیگر، داشتن سن یا جنسیت خاص، اصولاً مطرح نیست. از طرف
دیگر، ابراز خشونت به طور منطقی می تواند همراه با
مبارزه فیزیکی نبوده و درعین حال کمک برای یک جنبش باشد.
عضویت در یک جنبش بدون خشونت، سازگار با صلح طلبی و
باورهای دینی است. مبارزه های خشونت آمیز می تواند باعث
از دست رفتن حمایت اشخاص و گروه هایی گردد که آن ها می
توانند باعث جذب مقامات صدیق و حمایت کننده جنبش
دموکراتیک گردند. خشونت هرچه قدر پرارزش و توجیه پذیر
ظاهرگردد، خود به خود و درنفس عمل، یا حتی از طریق
تبلیغاتچی های زبردست و مراجع استیناف، برای جوامع بین
المللی، توجیه حمایت از یک گروه خشن بسیار مشکل است.

ظهور نفاق و چند دستگی به عنوان یک آلوده کننده

قدرت پایداری یک "جنبش مردمی" نیاز به مشارکت
فعال "مردم" دارد. مردم ستمدیده اگر احساس کنند که چنین
جنبش هایی منعکس کننده آرزوی آن ها است و، اگر نظرشان
نسبت به رهبری در جنبش این باشد که جنبش قادر به هدایت آن
ها به سمت پیروزی است، برای ایجاد هرگونه جا به جایی جذب
چنین جنبش هایی خواهند شد. غالب افراد برخلاف بعضی از
فعالین افراطی و متعصب مذهبی که حاضر به قربانی کردن
زندگی خود هستند، بدون این که امید به پیروزی داشته
باشند از منطق پیروی می کنند. به همین ترتیب افراد منطقی
ای وجود دارند که اگر متوجه شوند جنبش فاقد هدف های روشن
و استراتژیک برای رسیدن به پیروزی است، حاضر به خطر
انداختن معیشت خود به خاطر پیوستن به جنبش سیاسی در مخالفت
با استبداد نخواهند شد.

نفاق و چند دستگی بین و در میان گروه هایی که
با یکدیگر در یک جنبش دموکراتیک ائتلاف کرده اند، باعث
از دست دادن اعتماد و جسارت در توانایی جنبش در رسیدن به
اصلاحات سیاسی خواهد شد. از دست دادن اعتماد، آن گاه،

[رجوع به نمودار 5

وفاداری]. نفاق در بین رهبران نیز توانایی افراد را برای غلبه به نتایج ترس از آن ها می گیرد. در نهایت، بین رهبران گروه های حامی دموکراسی که در حمایت از یکپارچگی جنبش ناکام مانده اند و مراجع استیناف دولتی که از نفاق حمایت می کنند، تفاوت چندانی وجود ندارد. بعضی از جنبش ها هرگز بر روی پای خود نمی ایستند، بخشی از آن بدین علت است که نفاق در میان رهبران، به دلیل رسیدن به مواضع بحرانی، انجام عملیات را مشکل خواهد کرد، اگرچه نه غیرممکن. بعضی دیگر از جنبش ها، که زمانی دارای قدرت بودند، تأثیر خودشان و جذابیت خودشان را ازدست می دهند، آن هم به این خاطر که جامعه توجه می کند که افراد موثر تشکیلاتی در آن ها به رقابت تنگاتنگ پرداخته اند. آثار چند دستگی وقتی برملا می شود که در یک عملیات جمعی اعلام شده، بعضی گروه ها از شرکت در آن خودداری می کنند و یا گروه ها عدم توانایی خود را در فراهم کردن یک هم آهنگی استراتژیک برای حمایت از جامعه درخواستی هایشان برای ایجاد تغییرات به اثبات می رسانند.

یکی از مؤثرترین راه ها برای حمایت و برقرار ماندن اتحاد در بین جنبش، اعلام مبارزه برای رسیدن به اهداف در حداقل ممکن است. همچنین، این برای همه روشن گردد که رسیدن به این اهداف، مربوط است به همه اعضا جامعه و همگان از آن بهره مند می شوند، از جمله بسیاری کسانی که در حال حاضر از مخالفین حمایت می کنند.

تعبیر در منحصر به فرد بودن

خط مشی ها و یا بیانیه هایی که برداشت از آن ها حاوی این باشد که مشارکت در یک مبارزه سیاسی منحصر به گروه خاصی است، می تواند باعث ایجاد دشمنی و یا بی تفاوتی در میان گروهی که در آن مبارزه نادیده گرفته شده اند گردد. ممکن است تلاش هایی از طرف گروه های طرفدار صلح به عمل آید، برای مثال، انحصار مشارکت در جنبش مبارزه بدون خشونت برای "افراد مؤمن و پای بند اصول اخلاقی" و (نادیده گرفتن این واقعیت که غالب مردم جایی در این کمال

حضور ملیت های بین المللی در میان یک جنبش دموکراتیک

مشارکت افرادی از ملیت های دیگر در مؤلفه هایی از مبارزات سیاسی نباید دستاویزی برای مخالفین برای تبدیل کردن به یک مسئله گردد. چنین همراهی باید به سادگی پذیرفته شده و یا حتی به سادگی از طرف جنبش به عنوان یک درخواست کمک فنی اعلام گردد که هیچ گونه مسئولیتی جدی بر روش آن ها نیست. منطق قبول سریع و شفاف کمک از خارج امری است معقول. اولین و مهم ترین این است که تا حد ممکن، اعضا استراتژیک در هر جنبش مبارزه بدون خشونت، حداکثر اطلاعات ممکن را به منظور قضاوت در مورد صلاحیت رهبران خود و نیز صلاحیت و بهره گیری های خاص از مشاورین خارجی در جهت استفاده رهبری را داشته باشند. در همان حال که ممکن است موقعیت هایی ایجاد گردد که مشورت خارجی ها و یا مساعدت آن ها به دلیل نوع موضوع مورد مشورت و یا مساعدت صلاح نباشد که افشا گردند، رهبری جبهه مخالف نیز باید همچنان که به اهمیت منافعی که از این بابت بایست به آن ها دل خوش کرده است، مراقب آسیب های احتمالی ناشی از افشای آن ها نیز باشد.

نکته دوم، انتخاب یک سیاست کلی از شفاف سازی در مشارکت با ملیت های خارجی در جنبش مبارزات بدون خشونت می تواند تأثیر قاطع در رد این اتهام از طرف دولت باشد که موفقیت جبهه مخالف را به علت دخالت ملیت های خارجی عنوان کند که این شفاف سازی، کلیه چنین اتهاماتی را کم رنگ خواهد کرد. ضمن این که پاسخ جبهه مخالف نیز به اینگونه اتهامات می تواند ساده و مستقیم باشد: "همان طور که ما در بسیاری موارد روشن کرده ایم، رهبری در این جنبش اقدام به انتخاب دقیق مشاورینی از یک گروه عظیم از افراد واجد صلاحیت از همه طبقات جامعه و از همه کشورهای دوست نموده است." هنگامی که درخواست انجام مشورت صورت می گیرد، غالباً این تصمیم، نشان از یک اتفاق نظر عمومی به وسیله رهبری است. و این همانی است که باید باشد.

بیگانگانی هستند که ممکن است کوهی از دانش و مهارت ها را داشته باشند که مفید برای یک جنبش درگیر و یا در اندیشه گزینش یک مبارزه بدون خشونت باشد. با چنین افرادی باید تماس گرفته شده (با یک تفاهم کامل در این مورد که کارآموزان و مشاورین، از اعضا گروه تصمیم گیرندگان نیستند) و از استعداد آن ها بهره برداری شود.

مشارکت نیروهای نظامی در مبارزات سیاسی

تشویق برای سیاسی شدن نیروی نظامی یک ملت، یک اشتباه است. به اندازه کافی برای مبارزات سیاسی محلی، بازداشتن تشکیلات ارتش از دخالت در امور سیاسی سخت می باشد، خصوصاً اگر رهبری یک دولت به این نتیجه برسد که بایستی با انتخابات، صورت قانونی به خود بدهد، و طبق قانون اساسی اعلام رأی گیری نموده، و نیروهای نظامی را در مقابل مخالفین سیاسی بسیج کند. باید پیش بینی شود، همچنان که جنبش قدرت بیشتری پیدا می کند، این احتمال وجود دارد که دولت، ارتش را به مقابله با جنبش مبارزه بدون خشونت بفرستد، که جنبش حداقل بایستی بعضی ملاحظات را در این مورد داشته باشد. بنابراین کوشش جنبش باید براین باشد که با ممانعت از شرکت ارتش در مبادرت در جنگ با هم وطنان خود پیش گیری کند.

هنگامی که ارتش در یک مبارزه سیاسی محلی موضع گیری می کند، حتی برای دموکرات ترین آرمان ها، احتمال درگیری مسلحانه علیه یک اکثریت از جامعه، افزایش می یابد، و با آن، احتمال افروخته شدن آتش یک جنگ داخلی و یا یک کودتا افزایش می یابد. هیچ کدام از این احتمال ها نه به نفع مردم خواهد بود و نه این که باعث تقویت جنبش مبارزه بدون خشونت خواهد شد. اگر ارتش با بهانه ایجاد یک گذار، کنترل دولت را در اختیار بگیرد، به جز این که درگیر یک ضد حمله سریع گردد، این گذار برای سال ها و یا حتی دهه ها ممکن است به طول بیانجامد.⁴⁰ هرگاه بعضی از امراء ارتش، شخصاً در برابر موضع گیری مقاومت کنند، آن ها باید از ارتش استعفاء داده و به عنوان یک فرد، پیگیر عقاید سیاسی خود در بین یکی از جبهه های سیاسی باشند که البته مورد استقبال نیز واقع می شوند.

ساختار سازمانی III- مناسب برای مبارزه بدون خشونت

ساختار سازمانی که موجب می گردد به طور دائم توجه به هدف اصلی خود یعنی استراتژی مبارزه بدون خشونت را در نظر نداشته باشد، خود را در معرض آلوده شدن قرار

⁴⁰ - بیش از هفده سال طول کشید تا ژنرال پینوشه در شیلی از کار برکنار شد. در رانگون- برمه، حکومت دیکتاتورها بیش از 40 سال طول کشید.

همیشه به نوعی در وجود احزاب سیاسی وسوسه ای برای مستحکم کردن موقعیت درآینده سیاسی وجود دارد. بعضی از اوقات، این چنین عملیاتی زودتر از رسیدن "زمان برای مستحکم کردن موقعیت" پیش می آید. اصولاً باید شیوهایی در بین جنبش انتخاب کرد که باعث ایجاد این اطمینان گردد که تمام برنامه ریزی ها براساس تحلیل ازهدف انجام شده، مستقیماً یاری بخش اهداف بوده و به سازمان هایی محول شده است که لایق تر از گروه های قبلی هستند. به طور دل خواه، این روش شامل گروه برنامه ریزی می گردد که بتواند وابسته به گروه مقاومت در برابر فشار بوده و برنامه هایی را به جانب داری از یک گروه یا گروهی دیگر درزمینه اهداف و لیاقت ها طراحی کند. یک سازمان که مترصد دست یافتن به موقعیت بهتری در میان جنبش است، تنها نیازمند به بهترین آموزش ها و بهترین راهنما برای هدایت نیروها است.

یک جنبش نیاز به یک روش پیگیری برای اطمینان از انجام تعهدات سازمانی خود را دارد. هنگامی که برای رسیدن به اهداف و استراتژی مربوط به آن ها توافق هایی به عمل آمده است، باید انتظار داشت که یک هم آهنگی از طرف تمام سازمان های مربوط به جنبش برای پاسخگویی به این توافق ها به عمل آید. برنامه های حمایت از یک استراتژی، هنگامی که از طرف اعضا سازمان ها مورد قبول واقع شد، از آن به بعد نباید آن ها "اختیاری" قلمداد شوند. اگر وظیفه ای که انجام آن به یک گروه محول شده، به روشنی خارج ازبرآورد استراتژیک آن است، این اشتباه بلافاصله بایستی به نظربرنامه ریزان برگردانده شود تا این که، اصلاح مورد نیاز بر روی آن انجام گیرد. ممکن است لازم باشد یک سازمان را تا حد ممکن با افزایش قابلیت هایی تقویت کنیم و یا، به عنوان آخرین راه چاره، مأموریت را به بخش دیگری واگذاریم.

تحریک کنندگان اخلاص گر

این فرض که جاسوس ها و نفوذی های دولت، برای گزارش توانایی ها و نیز مقاصد جنبش، به داخل آن نفوذ می کنند، تنها دخالت دولت در کار جنبش نیست. موزیانه تر از جاسوس ها و نفوذی ها، تحریک کننده های اخلاص گر هستند که درصدد تحریک خشونت اند، محرک نفاق و بگومگو در جنبش اند و با انحراف مسیر جنبش سعی در پوشیده ماندن نقاط ضعف و آسیب پذیری دولت می کنند. در پاسخ به این تهدیدها، لزومی به ترسیدن و بدگمانی زیاد نیست، اما باید مراقب اشارات و تغییر الگوها در بحث های مربوط به راه چارها و لزوم مطالعه بیشتر در راهکارها باشیم.

خلاصه

درعین حال که ممکن است پاک سازی در یک جنبش مبارزه بدون خشونت به طور کامل، غیرممکن به نظر برسد، با هوشیار بودن و انجام کارهای پیش گیرانه، جنبش می تواند تا حدی برخوردهای نامساعد را در سازمان و بین اعضای مؤتلف آن سد کند. مهم ترین عامل در جلوگیری از ایجاد آلودگی دریک جنبش، قدرت و تأثیرگذاری رهبری است.

بخش سیزدهم

تحت تأثیر قرار دادن اجتماعات خارجی یک تبلیغات چی، متخصص درفروش طرز فکر و عقاید است

هانس اسپیر: اقتصاد دان، جامعه شناس و نظریه پرداز سیاسی

اگرچه مرکز ثقل در هر مبارزه بدون خشونت برای جا به جایی های سیاسی، همیشه باید در داخل باشد، اما حمایت جامعه بین المللی، بخش مهمی از آن است. حمایت دیپلماتیک و سایر حمایت های گسترده خارجی، می تواند "کارزار" استراتژیک مبارزه بدون خشونت را هرچه گسترده تر کرده و برطرفیت مقاومت سازمان ها بیفزاید. از طرف دیگر، همکاری با سازمان ها و دولت های خارجی به طور پوشیده و آشکار می تواند پیامدهایی در بر داشته باشد. منظور از این بخش، طرح یک چارچوب و نظریات گسترده در جهت ملاحظاتی در مورد حضور منابع خارجی است.

دولت ها

در مجموع، دولت ها، نظریه منصوب به ملکه الیزابت اول را در انگلستان منعکس می کنند "کشورها دارای دوست نیستند، فقط مصالح". بعضی اوقات، این مصالح می تواند در ارتباط با امنیت، اقتصاد و یا سیاست باشد. اغلب اوقات، این مصالح واقع بینانه اند، و ایده آلیسم نیز کاغذ بسته بندی است که این مصالح را در آن بسته بندی کرده تا برای کسانی که تأثیر پذیرند بیشتر قابل قبول بیافتد. در قرن های 19 و 20، استراتژی ملی گرایی یک بسته بندی مؤثر در تجهیز شدن برای جنگ بود. "سنگینی رسالت مرد سفید پوست" برای توجیه استعمارگری او، چیزی بیش از یک برگ انجیر برای پوشاندن نیت واقعی او که انگیزه سودجویی است نبود. هنگامی که به هر دلیل، منافع ملی تغییر می کند، خط مشی ها نیز تغییر می کنند و گاهی اوقات بسیار سریع. اتحادها تغییر می کنند (در سال 1936 تصویر این بود که اتحاد جماهیر شوروی دوست و هم پیمان دموکراسی غربی در سال 1941 خواهد بود) حتی در نقطه ای در میان جنگ، متحدین یکدیگر را رها می کنند.

بنابراین، این مهم است که، آن هایی که مسئول جلب حمایت جامعه بین المللی هستند لزوم به مبارزه بدون خشونت به منظور جا به جایی سیاسی را برای دولت های حمایت کننده، در عبارت منافع مشترک تعریف کنند. پای گرفتن و به قدرت رسیدن یک دولت دموکراتیک، به ارزش های مثبت در روابط دو یا چند جانبه پای بند است، و این خود نشانه ای است مثبت برای یک کشور دموکراتیک همسایه که از آن حمایت

حمایت و تفاهم از طرف بخش اجرایی، به شکل بسیار حیاتی مهم است. یک بیانیه دریک مبارزه دموکراتیک به وسیله رهبرسیاسی، می تواند یک اطلاعیه فوری برای سراسرکشور با منشاء قانونی تلقی گردد. این بیانیه می تواند در رسانه هایی که پس زمینه اطلاعاتی دارند، درگزارش های مربوط به حقوق بشر و تفسیر مقالات نیز منعکس گردند. در اغلب موارد، در یک مبارزه بدون خشونت که به مبارزه برای رسیدن به دموکراسی می پردازد، اینگونه اعلانات می تواند یک زمینه اعتماد به نفس را ایجاد کرده، مخالفین را دریک میدان بین المللی، مجبور به انتخاب موضع دفاعی کند.

دستگاه های مقننه درهرکشوری، ابزار رسمی و غیررسمی خود را برای تأثیرگذاری برشاخه اجرایی دولت دراختیار دارد، برای مثال درایالات متحده، یک دادرسی کنگره ای می تواند ابزاری مؤثر و بیان گر یک مبارزه برای جا به جایی های دموکراتیک باشد که متعاقب آن سخنرانی ها، صورت جلسات و قانون گذاری های دلخواه را درپی خواهد داشت.

سازمان های غیر وابسته به دولت. NGO

وظیفه پروراندن یک موضوع به صورت یک موضوع مطرح، و سپس برگرداندن آن به صورت یک مصلحت دولتی، دارای پیچیدگی هایی است که نیاز به داشتن مهارت های متعدد و تخصص است که درهرکشور، روند دقیق آن متفاوت و خاص آن کشور می باشد. خوشبختانه در بسیاری ازکشورهای دموکراتیک، سازمان هایی وجود دارند که قابلیت درک آن موضوعات را دارند و حامی آن ها هستند. بعضی سازمان های غیر وابسته به دولت، به شیوه ای بسیار خاص می توانند در دستگاه های دولتی نفوذ کنند. گروه هایی هستند که از حقوق کارگران دفاع می کنند، علیه سوء استفاده از حقوق بشر می جنگند، حمایت از شکنجه شدگان را به عهده می گیرند، تدارک انتخابات آزاد و عادلانه می بینند، حمایت از ارزش های دموکراتیک را در همه

متوجه NGO

در خطر قرار گرفتن منافع و حیات یک جنبش شوند، می توانند کمک های ارزش مندی در ایجاد و اجرای یک استراتژی برای راهنمایی در این که چه نوع رویکردی می تواند آن جنبش را از مهلکه اشکالات هزارتو نجات دهد، انجام دهند.

NGO ها نیز شبیه به دولت ها دارای منافع هستند. این عاقلانه خواهد بود اگر، به جمع آوری اطلاعات در مورد مصالح آن ها و شگردهای آن ها، قبل از تماس برای گرفتن کمک احتمالی از آن ها بپردازیم. این مهم است که یک جنبش چمدانی از این NGO ها بدست نگیرد، چون ممکن است خود این کار درگیری هایی در جنبش ایجاد کند و یا این که ممکن است نتیجه مهمی برای مردم نداشته باشد. برجسته ترین مثال از این دست اشتباهات می تواند این باشد که یک جنبش در مبارزات بدون خشونت خود به دنبال دریافت کمک از یک NGO باشد که خود این NGO مخالف تمام اشکال مبارزه با ازدیاد جمعیت است، در حالی که جنبش در میان جامعه ای است که از نرخ بالای ویروس AIDS/HIV و جمعیت زیاد رنج می برد.

برای مؤثر بودن روابط بین یک NGO و یک جنبش دموکراتیک، بایستی رابطه براساس منافع مشترک، احترام متقابل و دوستی استوار گردد. در مورد درخواست کمک توسط جنبش، احترام متقابل شامل مواردی از این قبیل که، وقت، یک منبع ارزش مند برای اعضا NGO است. حضور با علم و اطلاع کامل از موضوع ملاقات در جلسات، یادداشت های نوشته شده در مورد دستورالعمل جلسه و تهیه به موقع پاسخ برای درخواست اطلاعات اضافی برای مسئولین NGO ضروری است. یک جنبش که خود را عاری از خشونت معرفی می کند، هنگامی که معلوم گردد ابزار نظامی نگهداری می کند، اگر این افشا، بعد از ایجاد ارتباط بین آن ها اتفاق افتد می تواند برای آن NGO بسیار نگران کننده باشد.

سازمان های وابسته به جنبش باید تشویق شوند که به دنبال NGO هایی باشند که منافع آن ها مشخص کننده اهداف خاص آن ها است. برای مثال، گروه زنان، احزاب سیاسی، انجمن های روزنامه نگاران و سایر سازمان های حرفه ای می توانند از طریق کانون ها و اتحادیه ها، بسیار قوی تر و مؤثرتر عمل کنند تا سازمان هایی که خارج از این کانون ها هستند. این از طریق اعضا سازمان ها است که قدرت جنبش می تواند اظهار وجود نماید. این که رهبری در جنبش بخواهد مستقیماً درگیر تلاش برای ایجاد یک ارتباط سازمانی با حمایت کنندگان بیگانه بشود، نه سودمند است و نه لازم، به غیر

مشکلی که حمایت کنندگان با آن رو به رو هستند، غالباً خلاء موجود بین اهدافی است که حمایت کننده آن را تخصیص داده و آن چه درازاء این حمایت نصیب او شده است. وقتی که فقری طاقت فرسا وجود دارد، این قابل درک است که بخشی از کمک ها برای امرارمعاش اعضای فعال، مسکن، و خرج رفت و آمد آن ها صرف گردد. سازمان ها نیاز دارند بدانند، که به هر حال، این قبیل حمایت ها، یک صدقه نیستند که اهداء کننده ها توقع هیچ چیزی به عنوان برگشت نداشته باشند. آن هایی که چنین همراهی هایی را دریافت می کنند، باید در نظر بگیرند پیشنهادی را به عنوان یک قرار داد پذیرفته اند. یک قرار داد به این معنی است که در ازاء تأمین مالی حمایت کننده، دریافت کننده این حمایت نیز موظف به "پاسخ به محبت" مثل افزایش عضویت، ایجاد یک سیستم چاپار پستی، برنامه های آموزشی، تولید و توزیع کارهای چاپی، و تأمین هر چیز دیگری که پاسخگوی انتظارات کمک کننده باشد. پاسخگویی در حد انتظارات و یا بیش از حد انتظار کمک کننده در مورد چنین قراردادهایی، باعث تکرار آن ها خواهد شد. درحالی که اگر این انتظار برآورده نشود، اهداء کننده به روابط خود پایان خواهد داد. در میان گروه های NGO، درخواست برای حمایت بیشتر متوجه منابع موجود می باشد، جبران شکست کالایی نیست که یک NGO بتواند از عهده آن برآید.

رسانه های گروهی

افزون بر پرورش فکر بعید است که، بدون حمایت دولت های خارجی و گروه های NGO و بدون حمایت رسانه های گروهی خارجی، بتوان به یک مقبولیت از طرف عامه رسید. آگاهی و حمایت عامه مردم و از مبارزه دموکراتیک باعث ایجاد یک قدرت فزاینده و به همراه سایر تلاش ها، باعث جلب حمایت بین المللی خواهد شد. برای بهره گیری بهتر از ارتباط با رسانه های جمعی و همچنین همکاری با گزارشگران، سردبیران و سایر رسانه های کلیدی و رادیو و تلویزیون، نیاز به داشتن مهارت و تخصص است. همچنین لازم است بدانیم، خوانندگان خاص اخبار سازمان ها چه کسانی هستند. برای مثال، روزنامه های واشنگتن پست و واشنگتن تایمز، هر یک دارای خوانندگان خاص جدا از یکدیگر هستند، همین طور هم مجله نیویورک تایمز و مجله وال استریت جورنال.

شاید داشتن اطلاعاتی در مورد روزنامه نگارانی که به جزییات مبارزات دموکراتیک علاقمند و کنجکاو هستند، سودمند باشد. در بسیاری از کشورها، باشگاه های خارجی

Stringers " باشد.

بدست آوردن نام و نشان این باشگاه ها، تحقیق درمورد صلاحیت حرفه ای آن ها از طریق مثلاً تحقیق اینترنتی، می تواند باشگاه خبرنگارانی را که ایجاد یک رابطه حرفه ای با آن یک امتیاز به حساب بیاید، مشخص نماید.

خبرنگاران، شیفته دریافت خبر هستند، و ترجیحاً خبرهای اختصاصی، آن ها برای ساختن یک خبر با "ارزش خبری" نیازمند اطلاع از جزییات امر و اطلاعیه رسمی برای اعلام خبر هستند. اساساً، خبرنگاران میل دارند که قبل از وقوع هر واقعه در جریان آن قرار بگیرند. برای رسیدن به این هدف، باید یک ارتباط قابل اعتماد دوطرفه وجود داشته باشد. نکته اصلی در ایجاد چنین ارتباطی، بستگی به عامل روابط عمومی در جنبش و یا سازمان دارد. گزارشگران با تجربه معمولاً آگاهی لازم را دارند و فرض را بر این می گذارند که دیگران کوشش می کنند از آن ها برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند. مورد استفاده قرار گرفتن به خودی خود، زمینه ای برای ردّ پیشنهاد این ارتباط نیست، اما اگر فرصت بدست آمده برای گزارشگر خیلی مشخص نباشد که می تواند سهمی در انتشار این خبر داشته باشد، ممکن است او هدر دادن وقت در مورد یک اطلاعیه یا خبر حتی در صورت روشن بودن آن بی ارزش باشد.

جامعه به طور روز افزونی به اخبار پخش شده از تلویزیون متکی می گردد. این باعث اهمیت یافتن بیشتر تلویزیون در جایگاه روزنامه نگاران عکاس و ویدیویی می گردد. یک گزارشگر تلویزیونی با تجربه، می تواند یک مشاور بصیر برای کسانی باشد که در پی افزایش کاربرد رسانه های الکترونیکی هستند.⁴¹

قانون # 1. هم زمان با این که هیچ گونه مسامحه و یا چشم پوشی از هیچ در ورودی مربوط به رسانه ها نمی کنید، سعی کنید با یکی یا دو نفر از گزارشگران متفکر، روشن بین، و خوش برخورد، و نیز، تهیه کننده ای که بتوانید یک ارتباط بلند مدت با او برقرار کنید آشنا شوید. آن ها را به یک نوشیدنی یا یک فنجان قهوه دعوت کنید و یا دعوت آن ها را برای صرف نهار بپذیرید.

قانون # 2. به نوعی سعی کنید که با یک یا دو نفری که آشنا شده اید خود را در پیش آن ها با دادن اطلاعاتی واقعی و مفید عزیز کنید، حتی اگر این اطلاعات شما به طور مستقیم

⁴¹ - نویسنده گان چنین قوانینی، میل دارند که نام آن ها ذکر نشود.

News

Judgment " که آن ها متقاعد شوند که شما منافع آن ها را نیز در نظر دارید و همچنین نشان دهد که شما دارای ارتباطاتی قوی هستید. تماس دائم خود را با آن ها حفظ کنید، اما آن ها را با سماجت خود ذلّه نکنید مگر این که خبری برای گفتن یا چیزی برای ارائه داشته باشید.

قانون # 3. سعی کنید همیشه در دسترس باشید. روزنامه ها را تشویق کنید که با شما تماس بگیرند، شماره تلفن خودتان را به آن ها بدهید، همین طور ایمیل خود را، و به آن ها سریعاً پاسخ بدهید. اگر همان طور که در قانون #2 گفته شد عمل کنید، احتمالاً روزنامه ها شروع به تماس با شما خواهند کرد، و از شما خواهند پرسید که راجع چه مطلبی، چه می دانید، و یا خیلی ساده از شما راهنمایی خواهند خواست. البته، شما باید راجع به آن چه که بیان می کنید محتاط باشید، اما وقتی روزنامه چی ها در جستجوی چیزی از شما هستند، این موقعیت خوبی است که شما بفهمید که آن ها چه چیزی در مشت خود پنهان کرده اند.

قانون # 4. هیچ گاه وقایعی را که در روزنامه پیش می آید روی دایره نریزید. هیچ گاه اقدام به فراخواندن روزنامه چی ها نکنید مگر این که خبرهایی موثق توی آستین داشته باشید. وقتی این درخواست شما اجابت شد، شما باید چنان برنامه ریزی بکنید که محتویات مطلب در حد اکثر ممکن به چشم آمده و باعث برانگیخته شدن احساسات بشود، با توجه به این که محل و زمان دیدار باید چنان انتخاب شود که تهیه کننده ها فرصت کافی برای تولید داشته باشند.

قانون # 5. حتی الامکان سعی کنید هر رویداد یا عملی را که جنبش شما باعث و بانی آن است و به نظر مهم و دارای ارزش خبری است را هرچه سریع تر به اطلاع مطبوعات برسانید. توقعات آن ها را بالا نبرید. به اطلاعیه های نوشته شده بسنده نکنید. اگر به لحاظ شخصی برایتان میسر است، با تلفن به طور مستقیم تماس بگیرید. شرح ماجرا و آن چه را که در شرف اتفاق است، دقیق و موجز مطلع شوید، چه وقت، چرا، کجا و چه کسانی درگیر هستند و غیره. فراموش نکنید آن چه بدست می آورید، ظاهراً موضوعی است عادی، ضمناً منطقی یا اطلاعات معمولی که ممکن است پیگیری آن به خصوص برای کارکنان تلویزیون حیاتی باشد. اگر مناسب بود، پیشنهاد همکاری و راهنمایی دهید، همچنین شرح مختصری از پیشینه، و ترتیب مصاحبه با اعضای کلیدی را به عهده بگیرید.

قانون # 6. به یاد داشته باشید که آرمان شما و فعالیت ها و موقعیت شما به وسیله رسانه های گروهی زیر نظر است. به همین ترتیب فعالیت های حریف شما نیز توسط آن ها زیر نظر قرار خواهد داشت. جنبش شما ممکن است به خوبی آگاه از این باشد که رژیم به چه کاری مشغول است و یا چه برنامه ریزی هایی در دست اجرا دارد، که این ها همه مورد توجه و علاقه رسانه ها است، و شما هم باید تا آن جا که ممکن است در داشتن این اطلاعات با آن ها شریک باشید، تا باعث حمایت از خود شما، امنیت و نیز ناشناس ماندن منابع شما گردد.

قانون # 7. به خاطر داشته باشید که گزارشگران و تولید کنندگان باید داستان های خود را به بالا دستی ها "بفروشند" و با توضیح عواملی مثل زمینه، شرایط و اوضاع و احوال، ارتباط ها و پیامدها که بالادستی ها ممکن است از آن بی خبر باشند، به آن ها در این شغل کمک کنند و بدین وسیله به داستان جذابیت بیشتری بدهند. شما ممکن است از جزئیات زندگی نامه و یا ارتباطات دست اندرکاران اصلی آگاه باشید، و یا از وابستگی های مالی و دادوستد در بین آن ها که همه این آگاهی ها ممکن است موضوعی را مهم جلوه بدهد. شاید بتوانید، پیشنهادی هم برای بلندتر کردن طول نوار ویدئویی که باعث طولانی تر شدن داستان می شود بدهید.

قانون # 8. مراقب باشید که در ارائه نوار ویدئویی به گزارشگران اشتباهی رخ ندهد. صورت ریزی از تمامی اطلاعات مربوط به نوارها، اعم از تاریخ دقیق، محل، و محتوای صحنه ها را تهیه کنید. مطمئن شوید که شما دارای اختیار قانونی در موضوعاتی که برای نمایش در تلویزیون ارائه می دهید هستید، و این نمایش در تلویزیون کسانی را که در طول نوار نمایش داده شده اند به خطر نمی اندازد و یا خود شما هم مشکل قانونی نخواهید داشت.

قانون # 9. سعی کنید هیچ گاه یک گزارشگر را فریب ندهید، اطلاعاتی که حقیقت ندارند، و یا اطلاعاتی که طرف را به اشتباه می اندازد به یک گزارشگر ندهید. این کار ممکن است در کوتاه مدت به نفع شما باشد، اما خسارت آن در بلند مدت آن را بی ارزش می کند.

قانون # 10. به یاد داشته باشید که شبکه های مختلف، شرکت های رسانه ای، و خدمات خبررسانی، مخاطب های مختلفی دارند، و چرخه مختلف اطلاعاتی، روش ها، و نیازهای تکنیکی خاصی را دنبال می کنند. در غالب موقعیت های غیرعادی و فوریت ها، انتظار این است که این عوامل در رفتار با آن ها به نوعی منعکس گردند. یک گزارشگر که خبرهای کوتاه را برای

بخش چهاردهم

مشورت ها و آموزش

یک واقعیت ناگوار این است که گرایش به استراتژی مبارزه بدون خشونت به عنوان یک راه حل، غالب اوقات، بعد از این که مبارزه نظامی با شکست مواجه می شود، مطرح می گردد و یا بعد از بررسی مشخص می شود که مبارزه نظامی راه حل عملی برای پیروزی نیست. ماه ها، سال ها و حتی دهه ها پرداختن به مبارزه مسلحانه، می تواند به قیمت یک هزینه بسیار موحش تمام شود، و به این دلیل انتخاب یک مبارزه خشونت بار نمی تواند (و یا هرگز نتوانسته) یک راه حل قابل قبول باشد. علت شکست درچنین مبارزه ای، لزوماً مربوط به مردم درگیر در این مبارزه که احتمالاً از لیاقت کافی نیز برخوردار هستند، نیست، بلکه از نیروی بیشتری است که خارج از کنترل آن ها قرار دارد.

شکست درمبارزه مسلحانه دربرابر یک رژیم خودکامه نباید جای تعجب داشته باشد. با پایان پذیرفتن جنگ سرد، قدرت های بزرگ، دیگرنیاز به "مشرتی" کشوری، برای مبادرت به درگیری به نیابت آن مشتری برای حفظ منافع آن کشور درمقابل کشورهای بلوک مقابل نداشتند. درحال حاضر دولت ها، بیشتر متوجه منافع اقتصادی هستند تا بتوانند در تثبیت محیط سیاسی خودشان ایجاد امنیت نمایند. با افزایش تمرکز قدرت در دولت ها همراه با پیشرفت تکنولوژی برای کنترل بیشتر و افزایش خفقان دربین گروه ها، ازقبیل محدود کردن ارتباطات، کنترل گردهم آیی ها، گردهم آیی روشن فکران، و سایر سیاست ها برای سرکوب، باعث شده است که آموزش، جنبش، و به کارگرفتن گروه های مسلح بی نهایت مشکل گردد. حتی درجوامع دموکراتیک، "جنگ با تروریسم" باعث پذیرفته شدن کنترل های از پیش برنامه ریزی نشده و تفتیش افراد (حرکاتی که تا چند سال پیش می توانست به کلی دور از ذهن باشد) گردد. برای رژیم های خودکامه، بهانه جنگ علیه تروریسم، درهای تازه ای جهت سرکوب برای بیشتر کشورها گشوده شده است، گروه های طرفدار دموکراسی، این اتهام راعلیه دولت های تروریستی وارد کردند که زیر پوشش مبارزه با ترور، خود دولت ها اقدام به ترورکرده و هیچ زمره ای علیه آن ها ازطرف مجامع دموکراتیک بلند نمی شو

د. این عوامل در مجموع باعث شده اند که نبردهای مسلحانه برای جابه جایی های دموکراتیک تقریباً غیرممکن

"Cookise" فقط می تواند جلب توجه افرادی را بکند که آن ها را در کامپیوتر کار گذارده اند. با استفاده از برنامه کشف رمز، حتی اگر این رمز درموقع مقرر گشوده نشود، باعث جلب توجه خاص نسبت به افرادی می شود که از آن ها استفاده کرده اند.

تاکنون چند کتاب درمورد مبارزات بدون خشونت به نگارش درآمده است. این کتاب ها، هم زمان با فیلم ها، مقالات و جزوه ها، و آن چه از منابع ارزش مند برای کسانی که به دنبال استفاده از مبارزه بدون خشونت هستند و یا آن هایی که درحال حاضر درگیر اینگونه مبارزه هستند، ممکن است به اندازه کافی پاسخگو نباشد. درحالی که زمان، دانش و مهارت نیاز ضروری و فوری این عملیات است، باید فرماندهان به مشورت و استفاده از منابع با تجربه مبادرت نمایند. تقاضا برای چنین مشورتی برای طرف های مورد مشورت پر مسئولیت و خوفناک خواهد بود.

به حداکثر رساندن منابع برای یک آموزش کارآمد

یکی از موارد بسیار مورد توجه در فیلم نیرویی مافوق سلطه A Force More Powerfull که در زمینه عملیات در راهکار مبارزه بدون خشونت تهیه شده است، این فرصت را برای میلیون ها تماشاگر به وجود آورد که پیام روشنی را که طی سال ها از آن پشتیبانی شده، بشنوند و ببینند- اغلب برخلاف این تصور که راهکار فقط محدود است به اقدام به خشونت یا مبارزه مسالمت آمیز، راهکارهای مؤثر دیگری برای رسیدن به قدرت وجود دارد.

همراه با افزایش طرفداران مبارزه بدون خشونت، ما شاهد افزایش درخواست ها برای بدست آوردن اطلاعات و یا

هم شکل کردن آگاهی ها

سؤالی که در این جا مطرح می شود این است که: اگرما شیوه ای برای هم شکل کردن اطلاعات اصلی اتخاذ کنیم چه نوع آگاهی های اساسی و مهارت ها درتئوری و درعمل برای تلاش درمبارزه بدون خشونت شکل خواهد گرفت؟ برای مثال، ما همه آگاه هستیم که، مفاهیم و یا اصول مبارزه بدون خشونت کدامند، موقعی که یک نفر می تواند از آن ها برای شرکت درتظاهرات برای افزایش دست مزد اقدام کند، اعتراض به سوء استفاده ازحقوق بشر، و یا این که برنامه ریزی برای یک جنبش سراسری برای ایجاد جا به جایی سیاسی انجام گیرد. ما همچنین آگاه هستیم که این مفاهیم و یا اصول درعرصه فرهنگی نیز کاربرد دارند، همچنان که کاربرد اصول نظامی گری درهمه جا قابل اعمال است. اما چگونگی کاربرد این مفاهیم، تحت تأثیر شرایط خاص محیط درگیری تعیین می گردد، درحالی که خود آن ها به شکل تئوری معتبر خواهند ماند. شاید یک "شیوه آگاهی" بتواند کمک به تشکیل یک چارچوب شناخت نگری هم شکل نماید که دراین چارچوب، غالب موضوعات اساسی، اگر نه همه موضوعات مربوط به درگیری های بدون خشونت گنجانده شوند.

بعضی ازموضوعاتی که ممکن است درمقوله "شیوه آگاهی" جای داده شوند می تواند عبارت باشد از:

1- اهمیت انتخاب نهایی و میانی موضوعات برای مبارزه. داشتن یک هدف مشخص، کمک می کند تا بتوان ازمنابع بهتر استفاده کرد، کمک به شناخت بهتر تصمیماتی که دراولویت قراردارند، ودعوت از جمعیت نه فقط به خاطر مشارکت و تائید حرکت، بلکه به خاطر ارزیابی و شناخت تأثیر رهبری، هنگامی که مبارزه برملا می شود.

2- طبیعت کثرت گرایی (مردم سالاری) قدرت، منابع آن، و چگونگی اعمال آن در مؤسسات و سازمان ها را «ستون های قدرت» می نامند. بدون درک روشنی از مدل کثرت گرایی در قدرت، منابع آن، و این که به چه دلیل به عنوان «ستون های حمایت» خوانده می شود، برای افراد ناآشنا با تفکر نظامی، درک مبارزه بدون خشونت غیر ممکن می نماید. روشی فوری برای دریافت یک «تصویر» از قدرت ها و نقاط ضعف ستون های قدرت و یا جزییات بیشتر در تحلیل ها، در برنامه ریزی عملیاتی، می توان به روش های آتی یا مشاوره های ارائه شده در بخش 1 و 2 مراجعه نمود.

3- عرضه زمینه پهناوری از ابزار مبارزه بدون خشونت و راهکارها. چنین فهرستی نه تنها گروه های مبارز را با صورتی از راهکارها آشنا می کند، بلکه این برداشت را برای اعضای گروه ها فراهم می کند که مبارزه بدون خشونت عملیاتی است بیش ازصرفاً یک سری تظاهرات. نگاه به بخش 4، روش ها و راهکارها.

4- ترس و راهکارهای غلبه برنتایج آن. ترساندن مردم یک جامعه، راهکار مؤثر برای تثبیت قدرت دیکتاتورها به شمار می آید. ترس باعث ازکار افتادن نیروها، و پراکندگی دریک جامعه می گردد. تجربه نشان می دهد که استفاده از بعضی روش ها برای غلبه برترس مفیداند. هدف این نیست که مردم را نترس کنیم، بلکه به آن ها کمک کنیم تا عکس العمل مناسبی را درمقابل ترس ازخود بروز دهند. نگاه به بخش 10، ترس.

5- نتایج حاصل از تبلیغات بنیادی. شناسایی پیام، هدف، پیام آور و بازتاب عقاید، درمجموع باعث به وجود آمدن چارچوبی برای تفکر درمورد موضوع های مهم می گردد. نگاه به بخش 9، عملیات روانی.

6- آلودگی ها درجنبش های مبارزه بدون خشونت. تهدیدی خطرناک برای جنبش مبارزه بدون خشونت، انجام عملیاتی است خشونت بار که به آن جنبش نسبت داده شود. انجام عملیات انفرادی بسیار بد است. وقتی خبرها به سطحی می رسند که چنین عملیاتی با اطلاع رهبری طرح ریزی و به اجرا درآمده است، این ویران کننده خواهد شد. دریک ساختار جنبش مردمی، همیشه این فشار وجود خواهد داشت که اهداف درجهت تأمین حمایت ازطبقات مختلف جامعه افزایش یابد. باید توجه داشت که محدودیتی نیز در توشه ای که یک جنبش می تواند با خود حمل کند وجود دارد. این مهم است که بدانیم که اهداف هرجنبش بیش از آن که به طوردایم درحال افزایش باشد، دارای محدودیت است. البته، احتمال خطر ازطرف "دست

یکی از دلایل اولیه شکست جنبش به این خاطر است که رهبران آن نگران تقسیم قدرت، مدت ها قبل از رسیدن به پیروزی می باشند. آلودگی دیگر، این که توجه کافی ندارند که مبارزه برای دموکراسی، نیاز به سازمانی با اصول دموکراسی برای مبادرت به این مبارزه دارد. این یک مبارزه بدون خشونت است، با این وجود، یک مبارزه است. نیاز به یک رهبری قوی دارد همراه با انضباط. این یک "رویداد" نیست، بلکه یک برنامه طراحی شده است که برای سرنگونی یک دیکتاتوری، نیاز به استفاده از یک استراتژی اجرایی دارد. نگاه به بخش 12، آلودگی درمبارزه بدون خشونت.

متنوع کردن منابع آگاهی و مهارت ها

آن ها که در اندیشه آغاز مبارزه بدون خشونت هستند و یا آن هایی که عملاً در حال مبارزه اند، باید ترغیب شوند که در انتخاب کسانی که به آن ها خدمات آموزشی و آگاهی می دهند تنوع ایجاد کنند. برای مثال، وقتی اعلام می شود که نیاز به تجهیز کردن کارگران برای حمایت از مبارزات طرح ریزی شده است، برنامه نویسان ممکن است دسترسی به سازمان ها یا اتحادیه های متخصص داشته باشند که برای این منظور مناسب ترین منبع خواهند بود. در این زمینه، این سازمان های با تجربه بایستی از یک بخش خاص سازمان داده شوند- (برای مثال کشاورزی، صنایع، خدمات، و سایر).

همچنین، به این خاطر که تبلیغات، با استفاده از تعبیر های مؤدبانه تر مثل، اطلاعات و وسایل ارتباطات جمعی، چنین نقش مهمی را در مبارزه بدون خشونت بازی می کنند، بنابراین بایستی به دنبال متخصص موفق در روابط عمومی و مشاور با تجربه بود.

تشکیلات مربوط به بانوان با برآورد تقریبی نیمی از جمعیت انسانی موجود می توانند جذب جنبش مبارزه بدون خشونت شوند، البته در بعضی جوامع آن ها بخش مهمی از نیروی کار جامعه را تشکیل نمی دهند. ممکن است که این امکان به وجود آید که از مردمی در سایر کشورها که دارای هنجارهای فرهنگی مشابهی هستند و دارای تجربه مبارزاتی بدون خشونت، برای تجهیز زنان و انتخاب بهترین نقش برای آن ها، دعوت به عمل آورد.

توجه خاصی باید معطوف به جوانان کرد. در مبارزه بدون خشونت، همچون یک درگیری نظامی، این جوانان هستند که در صف مقدم جای می گیرند. درجا به جایی های اجتماعی، به حق آن ها پیش گامان در یک جنبش می باشند. چیزهای زیادی

نه تنها برای آن ها باید کتاب تهیه گردد تا به مطالعه بپردازند، بلکه آن ها باید در کارگاه ها به آموختن نحوه عمل در رهبری بپردازند، و به آن ها فرصت ملاقات با کهنه کارهایی که در گروه های دیگر با جوانان سروکار داشته اند داده شود تا بتوانند در مورد موفقیت ها و شکست های آنان نیز تجربه بیاموزند. آموختن از تجربه شخصی بسیار خوب است، اما آموختن از تجربه دیگران به قیمت کمتری تمام می گردد. یک ضرورت انفرادی، می تواند بهترین آموزش را از منابع مختلف حاضر برای شخص درخواست کننده در ارتباط با مهارت ها و آگاهی ها فراهم آورد. البته این بدان معنی نیست که آن هایی که کارآموزند، در امور مبارزه بدون خشونت هستند، لزوماً می توانند بهترین آموزگار و مشاور نیز باشند.

چه عاملی می تواند باعث کارآمدی مربیان و مشاورین گردد؟

حتی اگر ما ظرفیت پاسخگویی در مورد آگاهی های لازم و مهارت ها در مشاوره ها و آموزش ها را داشته باشیم، باید به این واقعیت توجه نماییم که چه نوع از کیفیت و مهارت ها را مربیان ما باید داشته باشند که بتوانند پاسخگوی اطلاعات و مهارت های مورد درخواست و نیاز باشند. بعضی از این کیفیت ها و مهارت ها عبارتند از:

1. شنونده و ناظر خوبی بودن. با مهم دانستن دریافت اطلاعات و دادن اطلاعات، و نیز غنیمت دانستن وقت، ارزیابی اطلاعات مهم تر، اهمیت دادن به انتظارات گروه، و ارزیابی موفقیت آن چه به عنوان موضوع مهم منتقل شده است. مربیان و مشاورین با تجربه از اهمیت زبان جامعه و ارتباط با آن ها به خوبی آگاه هستند. در زمان تنفس در کلاس، داشتن یک کمک برای جمع آوری توصیه ها از گروه شرکت کننده در کلاس به منظور اصلاح نحوه تدریس، بازنگری به مبحث هایی که فهم آن ها دشوار است، و شاید هم رجوع مجدد به مبحث هایی در آن درس ها توجه گروه را به خود جلب کند. این لزومی ندارد که مشاور یا مربی تمام وقت را با گفتار خود بپوشاند. برای چند دقیقه ساکت ماندن، فرصت صحبت کردن را برای دیگران فراهم خواهد آورد، و آن چه آن ها می گویند شاید دارای اهمیت باشد، و حتی مهم تر از آن چه که مشاور یا مربی می خواستند بیان کنند.

با توجه به ارزیابی اطلاعات قبلی، دکتر جین شارپ دیداری از گروه مخالف درپایگاه آن ها در مانرپلاو Manerplaw در برمه و در اواخر 1992 داشت. در این اواخر گروه، گرایش هایی به طرف مبارزه بدون خشونت از خود نشان داده بود.

The Politics Of Nonviolent Action گنجانده شده

بود. استاد تمامی این جلدها را درسال پیش مطالعه کرده بود.

بسیاری از بحث‌ها زمانی می‌تواند صورت پذیرد که مشورت مورد درخواست مطرح شده باشد. اولین دستور جلسه، بنابراین، یک مرور مجدد برموقعیت پیش آمده توسط یک یا چند نفر اعضا گروه بود که اساساً باعث به وجود آمدن چنین مشورتی شده بود. آن چه مورد توجه دراین مشاوره قرارگرفته بود، ازقرارمعلوم "OBE" (به معنای غافل گیرشدن توسط رویدادها Overtaken By Events) بود و اولویت‌های جدیدی نیز برای آن یافت شده بود. بعد ازمروری برموضوعات مطرح شده و تصمیم به این که کدام یک ازاین راهکارها صلاحیت کافی برای معرفی دارد، دستورکار برای مشاور مورد تجدید نظر قرارگرفت. یادداشت‌هایی برای موضوعات مربوط به درخواست اصلی تهیه شد که دراختیار گروه قرار گرفت. موضوعاتی که نیاز به مشورت‌های گوناگونی داشتند، درصورتی تعیین تکلیف می‌شدند که نظر کارشناسی مربوط به آن‌ها آماده می‌گردید.

2. وجود حساسیت‌ها درارتباطات بین فرهنگی. اصولی وجود دارند که تمام کارآموزان بایستی به آن واقف باشند. برای مثال، دانشجویان درشرایط و حال و هوای تجربه خودشان، به پردازش اطلاعات دریافتی خودشان می‌پردازند. کارآموز می‌تواند سرعت این پردازش را اضافه کند، درصورتی که نمونه‌های مربوط به آن شرایط مورد استفاده باشند. غالباً شخص تحلیل‌گر مأمور، اطلاع زیادی از موضوع نداشته، درنتیجه نیاز بسیار جدی و قانونی بایستی وضع گردد که یک تحلیل‌گر را از "تدریس" درکلاس منع نماید. دریک مورد، یک مربی که به راحتی و روانی قادر به صحبت کردن با دانشجویان خود بود، ترجیح داد که از افشای مهارت خود درآشنایی به آن زبان با مترجم خود خودداری نماید. ازقرار معلوم، مترجم که با موضوع به راحتی برخورد می‌کرد، شروع به دادن نظرات خود درمورد موضوع به جای نظریات مربی می‌نماید. او را به سرعت ازمقام خود برداشتند.

3. آگاه بودن به موضوع دارای اهمیتی است مافوق تدارک آموزش. این بسیار مهم است که مربی درعین حال که به پرسش

4. دانستن این که چگونه می توان یاد گرفت. هنگامی که اطلاعات خاصی برای حفظ کردن از راه خواندن، گوش دادن، و یا درعملکرد (یا ترکیبی ازهرسه) که بی سروته به نظر می آید به شخص می رسد، عقل سلیم می گوید که هرچیزی که به ذهن منتقل می شود، باعث تقویت شناخت خواهد شد و انعکاس آن درکتاب و سخنرانی های شخصی خواهد بود. ازاین رو، یک مربی، برای تقویت نظریات خویش، نیاز به دیدن و تمرینات عملی مربوط به دیدن را درهرفرصت ممکن دارد. یک مربی نظامی پیر، دستوری به غایت جالب را داشت که می توانست مورد استفاده برای تمام مربیان باشد؛ "به آن ها بگوئید که چه چیزی می خواهید به آن ها بگوئید، به آن ها بگوئید وبعد ازآن به آن ها بگوئید که چه چیزی به آن ها گفتید." یک مشاور نه تنها باید آشنایی درمورد گروهی که درخواست مشاوره با او داده اند، داشته باشد، بلکه این که جایگاه این گروه درجنبش کجا است را نیز باید بداند. به عبارت دیگر، آیا این مشورت برای گروه انشعابی است و یا برای خط فکری جریان غالب مخالف است؟ این بسیار مناسب است اگر موافقت و حمایت رهبران اصلی درجنبش نیز گرفته شود. اگریک گروه آبی نیز برگزارگردد، مشاور می تواند یک برداشت کلی نیز از راهبرد مبارزه بدون خشونت بدست بیاورد که آن را درسایر مبارزات نیز می توان مورد استفاده قرار داد. اگرشکی درعملی بودن مبارزه بدون خشونت باقی مانده باشد، ممکن است مناسب این باشد که پیشنهاد یک "تجدید نظرPilot Project" ازطرف افرادی که درجنبش قضاوت آن ها مورد قبول و احترام رهبران جنبش است صورت گیرد. هرگاه رهبری درجنبش متقاعد نشده باشد که مبارزه بدون خشونت تنها راه انتخاب است، جنبش موفق به جلب حمایت منابع مالی و نیز افراد کارآزموده ای که برای موفقیت دراجرای اهداف خود نیاز دارد نخواهد شد.

بنابراین، این غیرعادی نخواهد بود اگر، یک رژیم خودکامه اقدام به شناسایی حجم خطری که از طرف جنبش مبارزه بدون خشونت آن را تهدید می کند، نماید، حتی قبل از آن که رهبران جنبش مخالف خود به این فکر بیافتند. بنابراین، این نوعی دوران‌دیشی است اگر تبلیغاتی درمورد گروه آموزش های مقدماتی صورت نگیرد. همین طور هم دانستن نام افرادی که آموزش می بینند برای مربیان در هیچ شرایطی ضروری نیست. درحقیقت، در بعضی موقعیت ها، این عاقلانه خواهد بود که کارآموزان عملیاتی، خود را با نام مستعار "nom de guerre" معرفی کنند، و نام واقعی آن ها از نظر مربیان و یا هم رزمان آن ها پوشیده بماند، مگر این که آشنایی هایی قبلاً به وجود آمده باشد.⁴²

در صورت فراهم بودن شرایط، مربی ها و مشاورها به منظور ایجاد یک فضای جامعه پذیر با گروه ها هم‌نشین باشند، تا این که بتوانند در ساعت های خارج از کلاس نیز این فضای جدید را تجربه کنند. به عبارت دیگر، دسترسی به مربیان باید به سادگی امکان پذیر باشد. یکی از راه های مؤثر در انتقال دانش، زمان خارج از "ساعت کاری" و ایام بیکاری است.

⁴² - من نویسنده به یاد می آورم که یکی از کلاس های برپا شده در منطقه ای دور با نام های "اتلو"، "درخشان"، "رمئو" و "جان کندي" بود. دور Remote در این شرایط به این معنی بود آن در محل رکورد "مارکشی" در یک روز به کشتن شش عدد مار رسیده بود.

بعضی ملاحظات در پایان

مبنای تفکر در مورد مبادرت به راهکارمبارزه بدون خشونت و نظریه قدرت جامعه که اساس تحقق این مبارزه است را نباید به عنوان یک موضوع دور از ذهن تلقی نمود. به جای آن، تلاش در مبارزه بدون خشونت را موضوعی باید دانست که قابل فهم و اجرا به وسیله تمام کسانی باشد که در صدد براندازی یوغ رژیم ستم گر هستند. مردم نیاز به درک این واقعیت دارند که می توانند دقیقاً همان منابع قدرتی را در اختیار بگیرند که دولت ستم کار از طریق آن ها به سرکوب مردم می پردازد، و این که مردم می توانند، به طور جمعی منابعی را که دولت به وسیله آن ها امور خود را می گذراند، از دولت دریغ کرده و آن را در ادامه راه خود در بن بست قرار دهند.

اساسی ترین هدف در این کتاب، فراهم آوردن اطلاعاتی برای خواننده گان و ارائه راهکارهایی برای مبارزه بدون خشونت و طرح بحث هایی به طور خلاصه در جهت بهره گیری عملی آن ها می باشد. راهکارها قطعی و مسلم نیستند، و بیشتر نزدیک شدن به این زمینه فکری برای آماده سازی قدرت عظیم مردم در غلبه بر ظلم است. راهکارهای ارائه شده دارای وجوه مشترک بین درگیری های مسلحانه و درگیری های غیرمسلحانه است، اما آن چه به عمد بر آن تکیه شده است، و شاید بیشترین مشابهت های مشترک بین این دو است، که اهمیت آن در انتخاب رویکرد به تصمیم گیری و برنامه ریزی می باشد.

انتخاب راهکار، بیان گر جهت و ضرورت ها برای رسیدن به اهداف برای یک جنبش و مجاز دانستن انعطاف های لازم برای نقشه ها در استفاده از فرصت های پیش آمده و یا مبارزات می باشد. ادامه یک برنامه در صورتی که تغییراتی در محورهای اولیه آن ایجاد شده باشد، حتی در صورت فرمان ادامه آن از طرف بالاترین مرجع اشتباه خواهد بود. در یک استراتژی درست، برنامه ریزی با فکر، و رهبری قوی، یک جنبش مبارزه بدون خشونت می تواند به سرعت اقدام به اصلاحات ضروری بر اساس تغییرات انجام شده نموده و به انتخاب زمینه مبارزه پردازد و مخالفین را وا دارد که بنابر انتخاب جدید او مبارزه را ادامه دهند- و آن استراتژی و رهبری می تواند تأثیر قاطع در برآیند و نتیجه مبارزه بدون خشونت داشته باشد.

ضمیمه یک

واژه نامه اصلاحات مهم در مبارزه بدون خشونت

Accommodation سازش با مقتضیات: شیوه تغییر در مبارزه بدون خشونت که در آن مخالفین با دست یافتن به اهداف معینی راهکار سازش را انتخاب می کنند، و این در حالی است که آن ها حق انتخاب راه های دیگری را نیز برای خود محفوظ می دارند. سازش با مقتضیات هنگامی پیش می آید که مخالفین نظر خود را تغییر نداده اند، و نیز تحت فشار قرار نگرفته اند، اما به این نتیجه رسیده اند که سازش برای یک حل و فصل مطلوب تر است. سازش با مقتضیات ممکن است تحت تأثیر دخالت هایی قرار بگیرد که منجر به ادامه مبارزه، منجر به تغییر عقیده و انحراف از اهداف اولیه، فشارها و یا فروپاشی نظام مخالفین یا رژیم حکومتی بشود.

Authority اقتدار: کیفیتی که هدایت کننده نوع قضاوت ها، تصمیمات، توصیه ها و دستور بعضی از افراد و مؤسسات است که ظاهراً به عنوان حق به طور داوطلبانه توسط دیگری و یا دیگرانی اطاعت و اجرا می گردد. اقتدار، منبع اصلی قدرت سیاسی است، اما همسان با آن نیست.

Boycott تحریم: همکاری نکردن، خواه اجتماعی، اقتصادی، و یا سیاسی.

Civic abstention: حرکتی مشابه با عدم همکاری سیاسی.

Civiciation: اقدام شهری: حرکتی مشابه با مبارزه بدون خشونت که به منظورهی سیاسی اعمال می گردد.

Civic defiance نافرمانی شهری: حرکت هایی جسورانه در ارتباط با مبارزه بدون خشونت در اعتراض، مقاومت، و یا انجام دخالت ها به منظورهی سیاسی.

Civic Resistance مقاومت شهری: حرکت های مشابه در مبارزه بدون خشونت با اهداف سیاسی.

Civic Strike: تعطیل واحدهای اقتصادی به منظورهی سیاسی. نه تنها این که کارگران از رفتن بر سرکارها خودداری کنند، بلکه مهم تر از آن، دانشجویان، صاحبان حرفه، مغازه داران، کارکنان یقه سفید (شامل کارکنان دولت) و طبقات بالاتر که ممکن است به این مشارکت بپیوندند.

Civil Disobedience نافرمانی شهروندی: یک مبارزه بدون خشونت سنجیده با قوانین خاص، مقررات، فرمان ها، دستورات نظامی یا پلیس، و مشابه آن است. این ها قوانینی هستند که ذاتاً

Conversion نوگرایی: یک تغییر نظر از طرف مخالفینی است که اقدام به مبارزه بدون خشونت را آغاز نموده اند، به نحوی که دیگران را ترغیب به پذیرفتن اهداف مبارزه بدون خشونت نمایند. این یکی از ساختارهای چهارگانه در تغییر در اعمال مبارزه بدون خشونت است.

Disintegration فروپاشی: چهارمین ساختار جا به جایی در اعمال مبارزه بدون خشونت، که در آن مخالفین سرکوب نشده اند، اما انسجام آن ها و یا انسجام دولت در اثر عدم همکاری یا تمرد از هم متلاشی یا گسیخته است. ستون های قدرت در اثر عدم همکاری تا منتهی درجه محدود شده اند و یا از هم گسیخته اند تا آن حد که نظام مخالفین یا دولت به سادگی قابل منحل شدن می گردد.

Economic Shut-down تعطیل اقتصادی: معلق ماندن فعالیت های اقتصادی در یک شهر، منطقه، یا کشور به اندازه کافی، باعث فلج شدن اقتصاد می گردد. به طور معمول محرک آن سیاسی است. ایجاد چنین حالتی ممکن است در اثر اعتصاب کارگران و مدیریت، تجارت، بنگاه های بازرگانی، و بستن مغازه های کوچک توسط مغازه داران و توقف عملیات اقتصادی صورت پذیرد.

Freedom (political) آزادی (سیاسی): یک وضعیت سیاسی که ضامن آزادی در انتخاب و عمل برای افراد باشد و نیز آزادی افراد و گروه ها در شرکت در تصمیم گیری ها و عمل در جامعه و در نظام سیاسی باشد.

Grand Strategy برنامه ریزی بزرگ: گسترده ترین نظریات در مورد این که برای رسیدن به اهداف، چه برنامه هایی از عملیات مبارزه را بایستی انتخاب نمود. یک برنامه ریزی گسترده باعث هم آهنگی و هم جهت کردن مناسب و موجود (انسانی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، غیره) در یک گروه برای رسیدن به اهداف مورد نظر در مبارزه می گردد. ممکن است لازم باشد چند برنامه ریزی محدود دیگری هم برای رسیدن به اهداف خاص در بین برنامه ریزی گسترده گنجانده شود که مجموعاً بخش های فرعی را در یک مجموعه از مبارزه تشکیل می دهند.

Grievance Group نارضایتی گروه: کل افراد گروهی که نارضایتی آن‌ها موضوعات یک مبارزه است و از طرف مبارزه کنندگان بدون خشونت مورد حمایت قرار می‌گیرند.

Human Resources منابع انسانی: منظور از واژه هایی که در این جا به کار می‌رود، شمارتعدادی از افراد و گروه‌ها که در خدمت "حاکم" (به معنای گروه حاکم هرکشور) هستند، همکاری می‌کنند، و یا کمک به گروه حاکم برای رسیدن به خواسته‌هایشان می‌کنند. این‌ها شامل بخشی از افراد و گروه‌هایی در کل جمعیت، وابستگان آن‌ها و افراد مستقل از سازمان‌های خودشان می‌باشند. قدرت یک حکومت ناشی از وجود چنین منابع انسانی است، که موجب تشکیل یکی از منابع ستون قدرت می‌گردد.

Material Resources منابع مادی: این نیز یکی دیگر از منابع قدرت سیاسی است. واژه، اشاره به اموال، منابع طبیعی، منابع مالی، نظام اقتصادی، وسایل ارتباط جمعی، و تجهیزات وسایل حمل و نقل می‌باشد. میزان توان نظارت یا عدم نظارت حاکم بر مسایل فوق، ملاکی است بر گستردگی و یا محدودیت قدرت حکومت.

Mechanism Of Change نظام جا به جایی: روند رسیدن به جا به جایی، رسیدن به موفقیت با اتکاء به مبارزه بدون خشونت است. چهار ساختار در این نظام عبارتند از نوگرایی، سازش با مقتضیات محیط، اعمال فشار در مبارزه بدون خشونت و فروپاشی.

Methods روش‌ها: ابزار خاص در عمل برای عملیات مبارزه بدون خشونت. نزدیک به دویست روش خاص برای این مورد شناسایی شده است. این موارد درسه گروه اصلی طبقه بندی شده‌اند: اعتراض بدون استفاده از خشونت و قانع سازی، همکاری نکردن (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی)، و مداخله بدون استفاده از خشونت.

Noncooperation عدم همکاری: نوع گسترده‌ای از روش‌ها از مبارزه بدون خشونت که شامل محدودیت سنجیده، تعطیل کردن، ایجاد توقف فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، و یا عدم همکاری سیاسی (و یا ترکیبی از همه این‌ها) با فرد، مؤسسه و یا رژیم.

روش‌های عدم همکاری به صورت‌های فرعی عدم همکاری اجتماعی، عدم همکاری اقتصادی (تحریم اقتصادی و اعتصابات کارگری)، و عدم همکاری سیاسی طبقه بندی شده‌اند.

(Religious Or Ethical) Nonviolence بدون خشونت (مذهبی یا اخلاقی): اعمال خشونت آمیز گروه‌ها در زمینه اعتقادات مذهبی و اخلاقی ممنوع اعلام شده است. در نظام بعضی از اعتقادات، نه تنها اعمال خشونت‌های جسمانی ممنوع است،

Nonviolent Action عملیات بدون خشونت: راهکاری معمول دربرگزاری تظاهرات، مقاومت، و مداخله بدون خشونت بدنی است، چنین عملی ممکن است به اشکال مختلف صورت بگیرد از جمله: (a) کوتاهی در انجام کار (عبارت است از این که، شرکت کننده از انجام کاری که به طور معمول انجام می دهد، و برحسب معمول انتظار انجام آن وجود دارد، و یا طبق قانون و مقررات انجام آن خواسته شده است، سر باز زند؛ و یا (b) انجام (مأموریت) و انجام اعمالی که شرکت کننده به طور معمول آن ها را انجام نمی دهد، یا برحسب عادت انتظار نمی رود که انجام دهد، و یا براساس قانون و مقررات انجام آن ممنوع شده است؛ و یا (c) ترکیبی از هر دو مورد. روشی، شامل انبوهی از متدهای خاص که می توان آن ها را درسه دسته طبقه بندی کرد: تظاهرات بدون خشونت و قانع سازی، همکاری نکردن، و مداخله کردن بدون اعمال خشونت.

Nonviolent Coercion ایجاد اجبار بدون اعمال خشونت: شیوه ای در جا به جایی ها بدون اعمال خشونت که در آن علیرغم میل مخالفین به خواسته های مورد نظر دست یافته، به دلیل کنترل مؤثر در مورد موقعیت ها، به علت عدم همکاری و نیز نافرمانی گسترده، امور از اختیار مخالفین به طور گسترده ای خارج شده است؛ اگرچه مخالفین هنوز هم در سمت های اداری خود قرار دارند و نظام دچار فروپاشی نشده است.

Nonviolent Insurrection شورش بدون توسل به خشونت: یک خیزش عمومی درمقابله با رژیم ریشه دار مستبد به شکل عدم همکاری با آن و تورد.

Nonviolent Intervention مداخله کردن بدون توسل به خشونت: تعدادگسترده ای از روش های مبارزه بدون خشونت که درموقعیت درگیری با ابزار مبارزه بدون خشونت با مخالفین و نظام حاکم مورد استفاده واقع می گردد. این روش ها ناشی از هردوگونه اعتراضات سمبولیک و نیز عدم همکاری است. روش مداخله مختل کننده غالب اوقات مادی و عینی است (همچون اعتراضات نشسته)، و گاهی نیز روانی، اجتماعی، اقتصادی، و یا سیاسی است.

Nonviolent Protest And Persuasion اعتراضات وقانع سازی بدون

توسل به خشونت: تعداد گسترده ای از روش های مبارزه بدون خشونت که یک حرکت نمادین در بیان عقیده مخالفین هستند و یا در تلاش برای قانع سازی (مثل شب مانی ها، راه پیمایی های اعتراض آمیز، تحریک به اعتصاب). اینگونه اعمال از مرز اظهار بیان لفظی می گذرد، اما در حد کم کاری (به عنوان اعتصاب) و دخالت کردن و اشکال تراشی بدون توسل به خشونت باقی می ماند (مثل اعتصابات نشسته).

Nonviolent Struggle تلاش در جهت مبارزه بدون خشونت: مبادرت به

یک درگیری، با عزمی راسخ با تلاشی سخت به بهترین شیوه مبارزه بدون خشونت، خصوصاً درمقابل با یک حریف مصمم و با امکانات زیاد، که ممکن است با سرکوب پاسخ دهد.

Nonviolent Weapons مبارزه با سلاح بدون خشونت: روش خاصی

در مبارزه بدون خشونت.

Pillars Of Support ستون های حمایت: مؤسسات و بخش هایی از جامعه

که در خدمت رژیم حاکم برجامعه هستند و تلاش آن ها تأمین منافع برای حفظ قدرت حاکم و توسعه ظرفیت آن رژیم است.

مثال ها در این مورد می تواند، وجود پلیس، زندان ها، و نیروی نظامی که تنبیهات را تحمیل می کنند، رهبران اخلاقی و دینی که قدرت و صلاحیت را تحمیل می کنند (مشروعیت می دهند)، گروه های کارگری و تجار و گروه های سرمایه گذار که منابع اقتصادی را فراهم می کنند، و به همین روال سایر منابع شناخته شده در موضع قدرت سیاسی.

Political Defiance تمرد سیاسی: اعمال استراتژیک مبارزه بدون

خشونت به منظور متلاشی کردن حکومت استبداد و جایگزین کردن یک نظام مردم سالار به جای آن.

اینگونه مقاومت با عدم همکاری و تمرد باعث تجهیز مردم ستم دیده برای محدود کردن و قطع منابع قدرت حکومت استبدادی می گردد. چنین منابعی که توسط گروه ها و مؤسسات شکل می گیرند "ستون های مقاومت" نامیده می شوند. زمانی که یک سرپیچی سیاسی با موفقیت مورد استفاده قرار می گیرد، مهار یک ملت از طرف حکومت مستبد، چه در زمان حال و چه در آینده مشکل خواهد شد و بنابراین زمینه یک نظام مردم سالار برای مقابله با هر تهدید جدید آماده می باشد.

Political Jiu- Jitsu جو- جیتسو- ی- سیاسی: یک روند خاص که

در یک جنبش مبارزه بدون خشونت می تواند در تغییر در روابط کارساز باشد. در جوجیتسو سیاسی، عکس العمل منفی نشان دادن در مقابل سرکوب خشونت آمیز حکومت علیه مبارزه بدون خشونت، که تبدیل به عملیات سیاسی علیه حکومت شده، موقعیت حکومت را تضعیف کرده و باعث تقویت مبارزین در جبهه

Political Power قدرت سیاسی: مجموعه عوامل مؤثر و فشارهای موجود برای وادارکردن و اجرای سیاست های اداری برای یک جامعه است. اعمال قدرت سیاسی ممکن است به وسیله مؤسسات وابسته به دولت مورد استفاده قرار گیرد، و یا توسط گروه های مخالف دولت و سازمان ها. قدرت سیاسی ممکن است به طور مستقیم در یک مبارزه مورد استفاده واقع شود، و یا این که به عنوان یک ظرفیت بالقوه برای موقعیت مقتضی به شکل ذخیره نگه داری شود.

تحریم ها Sanctions : تنبیه ها و یا انتقام جویی ها، مبارزات خشن و یا بدون خشونت. تحمیل تحریم به این خاطر که افراد در رفتاری که از آن ها انتظار انجام می رفته موفق نبوده اند و یا این که رفتاری از آن ها سرزده است که انجام آن ممنوع بوده است. احتمال اعمال تحریم در مورد افراد به خاطر نافرمانی یا نرسیدن به هدف های مشخص شده بسیار کم است. تحریم ها یکی از منابع قدرت سیاسی هستند.

اتکاء به نفس- استقلال عمل Self-Reliance : داشتن این ظرفیت که شخص خود از تنظیم روابط مربوط به خودش برآید، نظرمستقل از خود داشته باشد، ازعهده تأمین نیازهای خود یا گروه و یا سازمان مربوط به خودش برآید، مستقل، خودمختار، و خودکفا باشد.

مهارت ها و شناخت Skills And Knowledge : یک منبع از قدرت سیاسی است. قدرت حکومت، به وسیله مهارت ها، دانش و

منابع قدرت Sources Of Power : منابع قدرت منابع اصلی قدرت سیاسی هستند. آن ها عبارتند از: اولیای امور، منابع انسانی، مهارت ها و دانش، عوامل غیرملموس، منابع مادی و تحریم ها. این ها برخواسته از متن جامعه اند. هرکدام از این منابع به وضوح بستگی به باورها، همکاری و فرمان برداری افراد جامعه و مؤسسات وابسته به یک جامعه دارند. با غنی بودن چنین منابعی، حکومت از قدرت بیشتری برخوردار است. هرگاه ارائه از طرف این منابع دچار ضعف شده و یا متوقف گردد، قدرت حکومت نیز ضعیف شده و یا فرو خواهد ریخت.

راهکار مبارزه بدون خشونت Strategic Nonviolent Struggle : مبارزه بدون خشونت که استفاده از آن براساس یک برنامه استراتژیک تهیه شده و براساس تحلیل موقعیت درگیری، نقطه ضعف و قوت گروه های رقیب، طبیعت، ظرفیت ها و نیاز به تکنیک عملکرد بدون خشونت، خصوصاً راهکار اصول اخلاقی و نوع مبارزه ای که باید مورد استفاده قرار گیرد. (نگا : راهکار اصلی، راهکار استراتژیک و نیز روش ها).

راهبرد (مبارزه) Strategy : برنامه ریزی برای اجرای یک مرحله مهم، یا مبارزه، در داخل یک راهبرد برای مبارزه کلی. یک استراتژی عبارتست از چگونگی راهبرد شروع یک درگیری خاص و مراحل بعدی آن، و چگونگی پیوند دادن مؤلفه های مختلف به نحوی مناسب به یکدیگر برای رسیدن به اهداف مبارزه به نحو شایسته. استراتژی در محدوده و بخش های یک راهبرد بزرگ کاربرد دارد. تاکتیک ها و روش های خاص در عملیات کوچک تر به منظور اجرای استراتژی در مبارزه ای مخصوص مورد استفاده قرار می گیرند.

اعتصاب Strike : ایجاد محدودیت به نحوی سنجیده و یا ایجاد بلا تکلیفی و تعلیق درکار، معمولاً به طور موقت، برای ایجاد فشار به کارفرمایان برای رسیدن به اهداف اقتصادی و یا گاهی اوقات فشار به دولت به منظور دست یابی به یک هدف سیاسی.

رزم آرای - تدبیر جنگی Tactic : برنامه ریزی برای عملیات محدود با این فرض که چگونه، در یک دوره کوتاه از درگیری، از تمامی ابزار موجود برای رسیدن به هدف های محدود استفاده کنیم. از رزم آرای ها tactics برای استفاده و کسب تجربه برای دوره هایی از یک مبارزه کلی استفاده می گردد.

خشونت Violence : اعمال خشونت بدنی علیه انسان های دیگر که باعث وارد آمدن جراحت و یا مرگ می گردد، و یا تهدید

بعضی از مذاهب و یا آئین های اخلاقی بدون خشونت باعث ایجاد تصور خشونتی می گردند، به مراتب گسترده تر از اعمال خود خشونت. پیروان چنین مکاتبی مجاز هستند که به گروه ها و افراد گروه واقعیت ها را آموزش داده و آن ها را از اینگونه تصورات خشونت آمیز برحذر دارند.

ضمیمه شماره دو

روش هایی در مبارزه بدون خشونت
روش هایی از تظاهرات بدون خشونت و ترغیب کردن

بیانیه های رسمی

- 1- سخنرانی های علنی
 - 2- نامه ها از طرف مخالفین یا حمایت
 - 3- بیانیه ها از طرف سازمان ها و مؤسسات
 - 4- عرضحال امضا شده از طرف عموم
 - 5- بیانیه ها و اعلام جرم و هدف
 - 6- دادخواست دسته جمعی
- ### ارتباط با جمعیت و گروه های سیاسی
- 7- شعارها، کاریکاتورها، وعلامات
 - 8- پرچم ها، پوسترها، نمایش و اعلام همدردی
 - 9- شب نامه ها، جزوه ها، و کتاب ها
 - 10- روزنامه ها و نشریه ها
 - 11- پخش صوت، رادیو و تلویزیون
 - 12- نوار نوشته های هوایی و دیوار نویسی ها

نمایش اعتراض های گروهی

- 13- هیئت های نمایندگی
- 14- جوایز افتخاری
- 15- گروه نفوذی
- 16- وا داشتن به اعتصاب
- 17- تحریم انتخابات

نمایش مبارزات مردم به طور سمبولیک

- 18- نمایش دادن پرچم ها و رنگ های سمبولیک
- 19- استفاده از لباس های سمبولیک
- 20- دعا خوانی و عبادت
- 21- حمل سمبولیک اشیا
- 22- کندن لباس به عنوان اعتراض
- 23- شکستن و ضایع کردن اشياء شخصی
- 24- سرگرمی های سمبولیک
- 25- نشان دادن نقاشی ها
- 26- رنگ آمیزی خود به عنوان اعتراض
- 27- انتخاب علائم جدید و اسامی جدید
- 28- تولید صداهاى سمبولیک
- 29- تولید تبلیغات جدید

30- در آوردن شکلک های خشن

ایجاد فشار بر روی افراد

31- جلب حمایت مقامات اداری

32- ریشخند کردن مقامات

33- معاشر شدن

34- بیدارمانی- گوش به زنگ ماندن

شور و هیجان و موسیقی

35- شوخ طبعی، فکاهی و مسخره بازی

36- اجرای موسیقی و نمایش نامه

37- آواز خوانی

راه پیمایی ها

38- راه پیمایی ها

39- نمایش رژه رفتن ها

40- راهپیمایی های مذهبی

41- زیارت ها

42- راه انداختن کاروان اتومبیل ها

بزرگ داشت از دست رفتگان

43- بزرگ داشت سیاسی

44- تدفین با تظاهرات زیاد

45- تدفین با تظاهرات سیاسی

46- بزرگ داشت در مراسم تدفین

گردهم آیی های گروهی

47- گردهم آیی های جمعی به منظور اعتراض یا حمایت

48- اجلاس های اعتراض آمیز

49- اجلاس های مخفیانه برای اعتراض

50- بحث علمی

عقب نشینی و انصراف

51- ترک جلسات به نشانه اعتراض

52- سکوت

53- خودداری از ادای احترام

54- انصراف

روش هایی در عدم همکاری های اجتماعی

طرد کردن افراد

55- طرد اجتماعی

56- طرد اجتماعی به نحو خاص

57- محروم از حقوق مدنی

58- تکفیر

59- ممانعت کردن- ممنوعیت

عدم همراهی با رویدادهای اجتماعی، آداب و رسوم، و سازمان ها

- 60- تعلیق در فعالیت های اجتماعی و ورزشی
- 61- تحریم موضوعات اجتماعی
- 62- اعتصاب دانش آموزان و دانشجویان
- 63- نافرمانی اجتماعی
- 64- کناره گیری از مؤسسات اجتماعی
- کناره گیری از نظام اجتماعی**
- 65- ماندن در منزل
- 66- جموعه ای از عدم همکاری های شخصی
- 67- "فرار" کارگران
- 68- بست نشستن
- 69- غیبت دسته جمعی
- 70- مهاجرت به علت اعتراض (هجرت)

روش هایی در عدم همکاری اقتصادی: تحریم اقتصادی

مبارزه به وسیله مصرف کننده

- 71- تحریم مصرف کنندگان
- 72- خودداری از مصرف کالاهای تحریم شده
- 73- سیاست قناعت
- 74- امتناع از اجاره
- 75- اجاره نکردن
- 76- تحریم همگانی مصرف
- 77- تحریم بین المللی مصرف
- مبارزه توسط کارگران و تولید کنندگان**
- 78- تحریم کارگری
- 79- تحریم تولید کننده ها
- مبارزه توسط واسطه ها**
- 80- تحریم تأمین کننده ها و متصدیان
- مبارزه صاحبان و مدیران**
- 81- تحریم تجار
- 82- ممنوع کردن و مجاز ندانستن فروش دارایی
- 83- تعطیل کارخانه
- 84- ممنوع کردن مشاوره در امور صنعت
- 85- "اعصاب عمومی" بازرگانان
- مبارزه توسط منابع مالی و مسئولین مربوط**
- 86- امتناع از سپرده گذاری در بانک ها

87- خودداری از پرداخت دست مزد، مطالبات و نیز مالیات ها

88- خودداری از پرداخت بدهی ها و یا سود و بهره

89- خودداری از پرداخت پول و اعتبار

90- انکار درآمد

91- انکار پول دولتی

مبارزه توسط دولت ها

92- تحریم محلی

93- تهیه لیست سیاه از تجار

94- تحریم فروشندگان بین المللی

95- تحریم خریداران بین المللی

96- تحریم تجارت بین المللی

شیوه های عدم همکاری اقتصادی: اعتصاب

اعتصابات نمادین

97- اعتصابات اعتراضی

98- ترک جلسه به طور موقت (اعتصاب سبک)

اعتصابات کشاورزی

99- اعتصابات دهقانی

100- اعتصاب کارگران کشاورزی

اعتصاب توسط گروه های خاص

101- انکار از طرف کارگران تحت تأثیر قرارگرفته

102- اعتصاب زندانیان

103- اعتصاب اصناف

104- اعتصاب حرفه ای

اعتصاب عادی توسط صنایع

105- برقراری اعتصاب

106- اعتصاب صنایع

107- اعتصاب به خاطر هم دردی

اعتصابات محدود شده

108- اعتصاب مشروح

109- اعتصاب با ایجاد صدا از یک شیئی خاص

110- اعتصاب خزیده

111- قانون مند کردن اعتصاب

112- گزارش "مشمئز"

113- اعتصاب به وسیله استعفا دادن

114- اعتصاب محدود

115- اعتصاب انتخابی

اعتصابات صنایع ترکیبی

- 116- اعتصاب فراگیر
- 117- اعتصاب عمومی
- ارتباط اعتصابات با تعطیل شدن اقتصاد**
- 118- روزی که مردم برای اعتراض به عمل دولت اعلام تعطیلی عمومی می کنند (درهندوستان)
- 119- تعطیل اقتصادی
- روش های سیاسی برای عدم همکاری**
- ردّ صلاحیت مقامات**
- 120- امتناع و یا انصراف از حمایت
- 121- رد حمایت مردم
- 122- ارائه مقالات و سخنرانی در حمایت از مقاومت
- عدم همکاری شهروندان با دولت**
- 123- تحریم مراجع قانونی
- 124- تحریم انتخابات
- 125- تحریم استخدام دولتی و گرفتن مسئولیت
- 126- تحریم ادارات دولتی، نمایندگی های آن و سایر مراجع مربوط به دولت
- 127- اعلام انصراف از مؤسسات آموزشی مربوط به دولت
- 128- تحریم مؤسسات مورد حمایت دولت
- 129- انکار کمک برای تقویت نهادها
- 130- جا به جایی درعلائم و نشانه های خودمان
- 131- هیچ وعده ملاقاتی را با مأمورین دولتی نپذیریم
- 132- مخالفت با انحلال مؤسسات موجود
- راه چاره برای شهروندان در فرمان برداری**
- 133- حرکتی به نشان بی میلی و قبول به زحمت
- 134- عدم اطاعت در صورت نبودن یک ناظر مستقیم
- 135- یک عدم اطاعت همگانی
- 136- عدم اطاعت درقیافه ای مبدل
- 137- نپذیرفتن برای متفرق شدن دریک تجمع و یا اجلاس
- 138- اعتصاب نشسته
- 139- عدم همکاری دراحضار به خدمت و یا اخراج از مملکت
- 140- پنهان شدن، فرار و یا دست کاری شناسنامه
- 141- نافرمانی مدنی درمقابل قوانین نامعقول
- مبارزه توسط کارکنان دولت**
- 142- مقاومت های گزینشی درکمک به رسیدن به اهداف دولت
- 143- ایجاد اختلال درخطوط مربوط بدستورات و اطلاعات
- 144- ازکار اندازی و کارشکنی
- 145- عدم همکاری با بخش اداری یا اجرایی

- 146- عدم همکاری قضایی
 147- بازدهی کم به شکل آگاهانه و عدم همکاری گزینشی
 در نهادهای اجرایی
 148- سرپیچی

مبارزات دولت محلی

- 149- دادن پاسخ های نیمه قانونی و طفره آمیز و تأخیر
 150- عدم همکاری به وسیله واحدهای تأسیس شده به وسیله
 دولت

مبارزات دولتی بین المللی

- 151- دگرگونی در دیپلماسی و سایر خدمات
 152- تأخیر و لغو کردن رویدادهای دیپلماتیک
 153- تأخیر در شناخت رسمی دیپلماتیک
 154- قطع روابط دیپلماتیک
 155- کناره گیری از سازمان های بین المللی
 156- خودداری از عضویت در مجمع بین المللی
 157- خروج از سازمان بین المللی

روش های مداخله بدون خشونت

روان شناسی دخالت

- 158- خودنمایی در برخورد با محیط
 159- روزه داری
 a- روزه داری از فشار روانی
 b- اعتصاب غذا
 c- روزه داری برای اصلاحات اجتماعی (درهند توسط
 گاندی)

- 160- تلاش معکوس
 161- ایجاد مزاحمت بدون اعمال خشونت

دخالت مادی

- 162- اعتصاب نشسته
 163- اعتصاب ایستاده
 164- اعتصاب سواره
 165- اعتصاب راه پیمایی
 166- اعتصاب چرخیدن
 167- عبادت
 168- حملات بدون خشونت
 169- حمله های هوایی بدون خشونت
 170- تخطی بدون خشونت
 171- کارشکنی بدون خشونت
 172- میان حرف پریدن بدون پرخاش

173- اشغال بدون خشونت

دخالت اجتماعی

174- ابداء طرحی نو برای جامعه

175- افراط در فراهم آوردن امکانات

176- از حرکت انداختن

177- به میان حرف پریدن

178- جنجال به راه انداختن

179- جا به جا کردن بنیادهای اجتماعی

180- دگرگون کردن نظام ارتباطی

دخالت های اقتصادی

181- مهیا کردن اعتصاب

182- شرکت در اعتصاب

183- تصرف بدون خشونت مکان

184- سرپیچی از ممنوعیت ها

185- ایجاد جنجال سیاسی به طور دسته جمعی

186- خریدهای ممنوع

187- توقیف دارایی ها

188- ارزان فروشی- دامپینگ

189- حمایت های گزینشی

190- جایگزینی در بازار

191- جایگزینی نظام حمل و نقل

192- جایگزینی در مؤسسات اقتصادی

دخالت های سیاسی

193- افراط در نظام های اجرایی

194- افشا کردن مشخصات نهادهای مخفی

195- جویا شدن از احوال زندانیان

196- نافرمانی از قوانین مدنی "بدون اثر"

197- تأثیر گذاری بر کارها بدون مشارکت

198- دوقطبی کردن اقتدار و ایجاد دو دولتی

بسیار از کسانی که در تلاش برای بدست آوردن حقوق دموکراتیک و نیز عدالت هستند، از گستره کامل مبارزه بدون خشونت آگاه نیستند. انتخاب درست راهکار مبارزه بدون خشونت، ودقت درانتخاب آن، احتمال پیروزی گروه های مبارزه را افزایش خواهد داد. جین شارپ Gene Sharp با تحقیق و فهرست کردن 198 روش و نیز بیان مثال های تاریخی تأثیر گذار، "سیاست مبارزه بدون خشونت" در سه جلد را فراهم آورد.

ضمیمه شماره سه

مثال از حل مسایل استفاده از چارچوب مطالعات فنی

در اواسط سال 1992، گروه ائتلاف مخالفین در برمه، کمیته سیاسی سرپیچی Political Defiance Committee (PDC) را پایه گذاری کردند. یکی از اولین مأموریت های این کمیته، تهیه یک مطالعه فنی برای انتخاب بهترین راه پرداختن به مبارزه برای بدست آوردن دموکراسی در برمه، در سایه دگرگونی در اوضاع و احوال بود. این مطالعه فنی به انجام رسید، مضمون آن که مورد بحث بلندیپایه های مشاورین ملی از اتحاد برمه قرار گرفته بود، مشاورین بایستی در مورد آن تصمیم می گرفتند که اولویت در اجرای آن با نیروی نظامی و یا نیروی مبارزه بدون خشونت باید باشد. بدیهی بود که PDC راهنمایی را برای مبارزه استراتژیک بدون خشونت تنظیم نمود که در آن به موازات تلاش برای مبارزه بدون خشونت اتحاد ملی برای دموکراسی به رهبری کونگ سانگ سوکی، از راهکار مبارزه بدون خشونت حمایت می شد، اما ضمناً مراقب بودند که برنامه ریزی واقع گرایانه باشد، چارچوب ارائه شده از طرف بخش مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. این مطالعه کارکنان PDC مثال خوبی است از اینکه چگونه این چارچوب مطالعات گروهی، می تواند پاسخگوی سئوالات استراتژیک باشد.

مطالعات فنی کمیته سرپیچی

1- مسئله:

شناسایی مؤثرترین راهکار در تشویق افراد برای مشارکت در مبارزه برای رسیدن به دموکراسی در برمه.

2- فرض:

اکثریت قاطع از شهروندان در برمه، مخالف قانون اساسی و بازگشت نظام شورایی SLORC هستند.

3- واقعیات نهفته در مسئله:

- A. در حدود 44 میلیون نفر در برمه زندگی می کنند.
- B. نیروهای مسلح در حدود 400/000 نفراند، در مقایسه گروه های نظامی طرفدار دموکراسی که فقط 10/000 نفراند. (توجه: در حال حاضر کمتر از 4/000 نفر)
- C. رهبران در بین افراد غیرنظامی طرفدار جنبش دموکراسی در داخل برمه، به شکلی مؤثر توسط SLORC برکنار

شده، دستگیر شده، و به زندان انداخته شده اند، و یا تبعید شده، تهدید شده و اعدام شده اند.

D. منابعی برای آموزش افراد غیرنظامی و دادن آمادگی به آن ها برای درگیری نظامی وجود ندارد.

E. ائتلاف دولت ملی مربوط به اتحاد برمه (NCGUB) نمی تواند به تنهایی، مشوقی برای ترویج جنبش دموکراتیک در داخل برمه باشد. این ائتلاف فاقد ساختار و یا افراد آموزش دیده برای برنامه، سازمان و یا اداره مبارزه استراتژیک است.

F. SLORC (بازگشت نظام شورایی - برمه) به حفظ و استفاده از نیروی نظامی و استفاده از راهکارهای سیاسی در برابر مبارزات مردم برمه ادامه می دهد.

G. در ده سال گذشته، رویارویی های سیاسی موفقیت آمیز در چند کشور به وقوع پیوسته است (آذربایجان، بنگلادش، فیلیپین، روسیه، آلمان شرقی، لهستان، لیتوانی، استونی، لاتویا، هائیتی و تایلند).

H. جوامع بین المللی علاقه زیادی به مبارزه و نتایج سیاسی این مبارزه نشان می دهند، خصوصاً هنگامی که بخش مهمی از جمعیت عملاً درگیر آن هستند.

4- بحث:

A. برای مدت نیم قرن، اقلیت های نژادی در برمه، که یک سوم جمعیت این کشور را تشکیل می دادند، تحت سلطه و آزارهای گوناگون ارتش این کشور و سیاستمداران آن بودند. هدف از این آزارها، در مجموع انهدام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقلیت های نژادی بود. سطح خشونت علیه این اقلیت ها چندان به طور واضح برای کلیت جامعه شناخته نبود. این شناخت از سال 1988، هنگامی که ارتش برمه انجام عملیات سبعانه علیه آن ها را شروع کرد، بدست آمد و آنگاه بود که جامعه برمه متوجه شد که در دهه های گذشته چه بر سر این اقلیت های قومی آمده است. به دلیل چنین آگاهی رو به رشد، برمه ای ها و سایر اقلیت های مذهبی آن، احساس می کنند که دارای یک دشمن مشترک هستند، ارتش دیکتاتوری در رانگون.

B. 44 میلیون شهروند برمه ای (توجه: در سال 2003 برابر با 50 میلیون) به وسیله نیروهای ارتش/ پلیس مرعوب شده و در اسارت زندگی می کنند. به عبارت دیگر، در برمه، برای یک صد نفر که در زندان نگهداری می شوند، فقط یک نفر زندانبان وجود دارد. این نسبت یک نفر به صد نفر، (توجه: در سال 2003 تعداد 125

نفر زندانی به یک نفر زندانبان) معیاری است برای پی بردن به درجه مهارت در استفاده از وحشت، و تهدید توسط رژیم، و کشش طرفداران دموکراسی برای تجزیه و جدایی. از طرف دیگر، این بیانگر کمبود یک رهبر و برنامه ریزی استراتژیک برای این بخش از مردم نیز می باشد.

C. به دلیل استفاده رهبران دیکتاتور از سلاح تهدید و سایر تعدی ها، اولین، دومین و غالباً سومین طبقه طرفداران دموکراسی، از جامعه برمه اخراج شده اند. این ضروری است که نیروهای طرفدار دموکراسی این نکته را به رهبران برمه گوشزد کنند. ضمن اینکه رهبران جدیدی را برای به عهده گرفتن مبارزه تعلیم بدهند.

D. تمامی مناطق تجاری مهم در سراسر مرزها توسط ارتش برمه اشغال شده است. چنین مصادره ای به این معنی است، وجوهی موجود بوده است و چنین اقدام شدیدی به منظور پرداخت وجه اسلحه و تأمین تدارکات از طریق مرزی می باشد. افزون بر این، حمایت نظامی از خارج نیز وجود ندارد، بنابراین، منابعی برای توسعه لوازم نظامی برای مبارزین طرفدار دموکراسی نیز وجود ندارد. مهمتر اینکه، بعید است که اگر وجوهی وجود داشته باشد، بتوان با آن لشکر بزرگی را آرایش داد که از عهده شکست نیروهای به طور کامل مسلح شده SLORC نظام شورایی برآید.

E. NCGUB ائتلاف دولت ملی مربوط به اتحاد برمه، رهبری اتحاد ملی برای دموکراسی (NLD) که در انتخابات ماه می 1990 به قدرت رسید را به عهده دارد. حتی در مناطقی که مجوز برای رأی گیری صادر نشده است، رهبری داو آنگ سان سوکی پذیرفته شده است. بنابراین NCGUB، رهبری تأیید شده از طرف مردم برمه را به عهده دارد. بدون حمایت شورای ملی اتحاد برمه، این شورا NCGUB قادر به القای این تصور به دنیا نیست که یک حکومت واقعی وجود دارد.

F. به خاطر ارتش مجهزی که SLORC در اختیار دارد و، مخالفین او فاقد اتحاد هستند، SLORC قادر به لشگرکشی و تهاجم سیاسی به هر کجایی که خود او انتخاب کند، می باشد. هر گاه اتحاد سیاسی، که در حال حاضر به نظر می رسد در بین گروه های مخالف در حال شکل گرفتن است، بتواند ادامه یابد، طرفداران

دموکراسی می توانند ابتکار عمل سیاسی را بدست بگیرند.

G. سابقه چشمگیر مبارزات بدون خشونت، خصوصاً در دهه گذشته، بیانگر این واقعیت است که، در جایی که حکومت های مستبد، برای سرکوب جامعه ستمدیده از نیروی نظامی استفاده می کنند، مبارزه بدون خشونت اعتبار خود را در مقابله با این حکومت سرکوبگر به اثبات رسانده است. توانایی های «سرپیچی های سیاسی» همچون مهارت های نظامی گری، محدود به شمار خاصی از افراد نبوده، و عبارت است از یک فرهنگ فراگیر برای همه افراد ستمدیده در یک جامعه.

H. رسانه های جهانی در آخرین روزهای سال 1988 از ناآرامی ها در برمه و شروع سرکوب به وسیله ارتش خبر دادند. علت وقوع این حوادث صرفاً مبارزه همگانی در داخل برمه بود که در همین ارتباط سایر دولت ها نیز اقدام به تحریم رژیم نظامی دیکتاتوری کردند. هنگامی که مشارکت عامه مردم وجود نداشته باشد، فشار بین المللی نیز معلق می ماند.

5- نتیجه گیری ها

A. برای شکست رژیم رانگون، جامعه برمه بایستی دارای این ظرفیت برای سرپیچی از SLORC گردد، همچنان که در سال 1988 شده بود، به منظور هم آهنگ کردن کوشش هایشان با ارتش طرفدار دموکراسی و نیز جنبش های بین المللی و ایجاد برنامه های استراتژیک برای متحد کردن و متمرکز کردن منابع موجود برای آن ها.

B. اگر جامعه بتواند یکپارچه در خدمت مبارزه علیه SLORC قرار گیرد، توازن قدرت را می توان به نفع شهروندان تغییر داد.

C. بایستی حمایت مشترکی در بین NCUB و NCGUB بوجود بیاید اگر اتحاد سیاسی بین آن ها حفظ شود.

D. به نظر می رسد که یک سرپیچی سیاسی باعث ایجاد ظرفیت برای شروع یک هجوم مبارزاتی سیاسی علیه دیکتاتوری نظامی می گردد.

6- توصیه ها :

A. تأسیس یک دفتر سرپیچی سیاسی که گزارش خود را مستقیماً به هیئت رئیسه مشاور ملی در اتحاد برمه (NCUB) می دهد. این اداره مسئول تهیه برنامه های استراتژیک، شناسایی منابع مورد نیاز، زیر نظر داشتن

آموزش‌ها و تعلیمات مربوط به سرپیچی‌های سیاسی، و هم‌آهنگ کردن تمام عملیات استراتژیک طرح ریزی شده‌اش.

B. هدایت دوره‌های سرپیچی سیاسی برای آماده کردن افراد انتخاب شده برای برگشت سریع به برمه، به منظور داوطلبی مجدد، آموزش و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای سرپیچی‌های سیاسی به منظور عملیات تهاجمی.

C. وظیفه منابع مخفی موجود برای حمایت واحدهای سرپیچی سیاسی.

ضمیمه چهار

چارچوب پیشنهادی برای تهیه یک برآورد استراتژیک برآورد موقعیت

1- مأموریت

2- موقعیت و روند عملیات

A. توجه به تأثیرگذاری احتمالی روند عملیات در
مبارزه

(1) ویژگی منطقه عملیاتی

(a) موقعیت جغرافیایی نظامی

- 1- مکان شناسی
- 2- مشخص کردن آب های

سطحی زمین

3- آب و هوای منطقه

(b) حمل و نقل

(c) ارتباطات

(d) عاقلانه بودن - مصلحت آمیز

بودن

(2) وضعیت نسبی قدرت

(a) ارتش جبهه مقابل

- 1- قوا
- 2- دستور حمله
- 3- موقعیت محل و آرایش
- 4- استحکامات
- 5- تدارکات
- 6- کارآیی در نبرد
- 7- تاریخچه نظامی گری

(b) نظام گری دوستانه (با مشخصات

بالا)

(c) سرپیچی سیاسی در طرف مقابل

- 1- نیروها
- 2- نقاط ضعف
- 3- ستون های حمایت

(3) مفروضات

B. ظرفیت های طرف مقابل

C. ظرفیت های مبارزات طرف مقابل

3- تحلیل طول مدت

عملیات طرف مقابل

4- مقایسه با مدت

عملیات خود ما

5- تصمیم

(4) ملاحظات جمعیت شناسی

(a) تراکم جمعیت

(b) تقسیم مراکز دانشگاهی و فارغ

التحصیل های آن ها

(c) درصد باسوادان در میان

حامیان آن ها

(d) تراکم اقوام و مذاهب

(e) سطح زندگی (در بین حامیان آن

ها)

(5) ملاحظات سیاسی

(a) متحدین طبیعی

(b) سازمان ها

(c) شکاف های سیاسی

(6) ملاحظات امنیتی

(a) تأثیرات ضد اطلاعات

(b) آسیب پذیری تازه واردین آن

ها

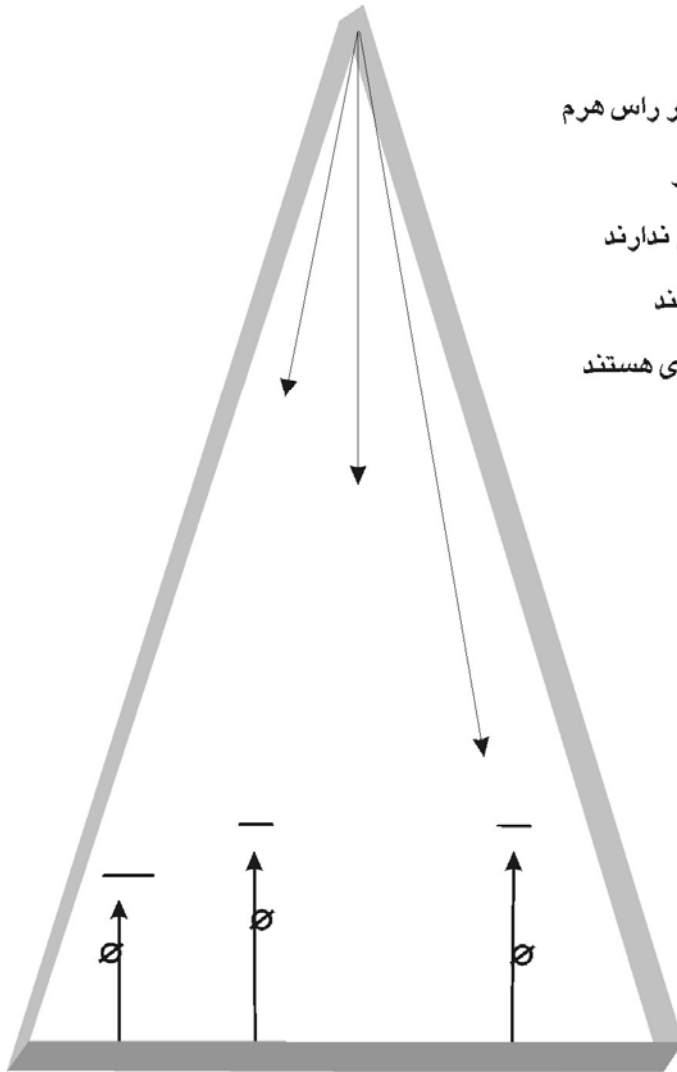
(c) سازمان اطلاعات

(d) ارتباطات

(e) اداره اطلاعات و امنیت

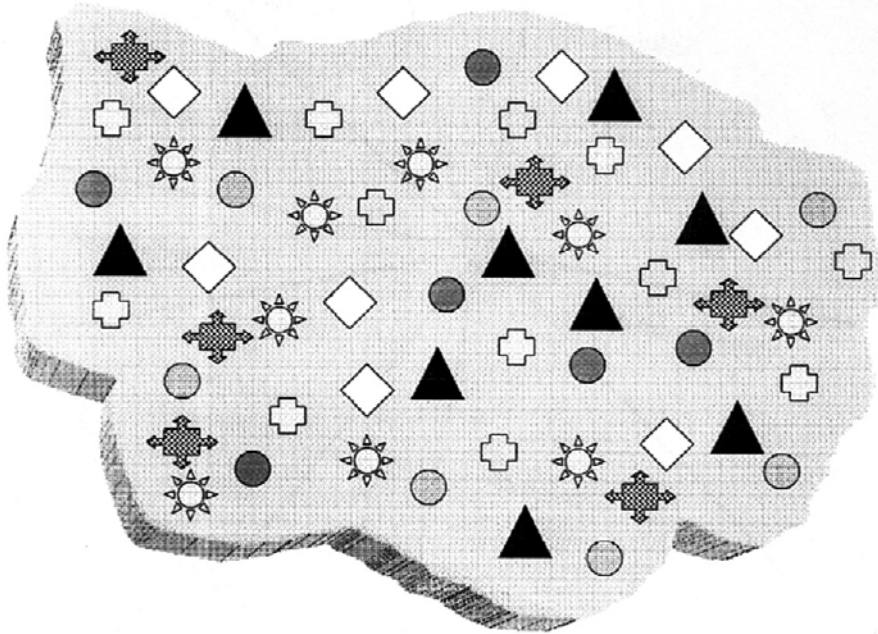
(d) وجود سرپیچی های دوستانه (مثل موارد بالا)

نمودار ۱ شکل تک حزبی در قدرت



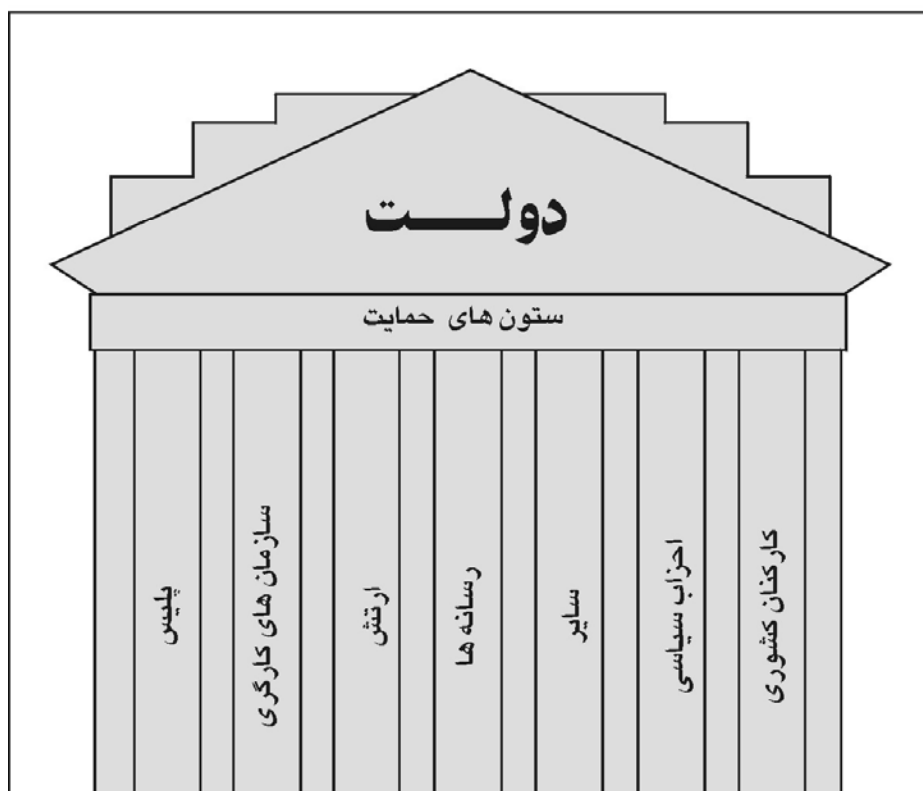
تمام قدرت مستقر در راس هرم
ساختار بدون تغییر
مردم هیچ مشارکتی ندارند
مردم باید اطاعت کنند
مردم متکی به رهبری هستند

نمودار ۲ شکل چند گرایی در قدرت

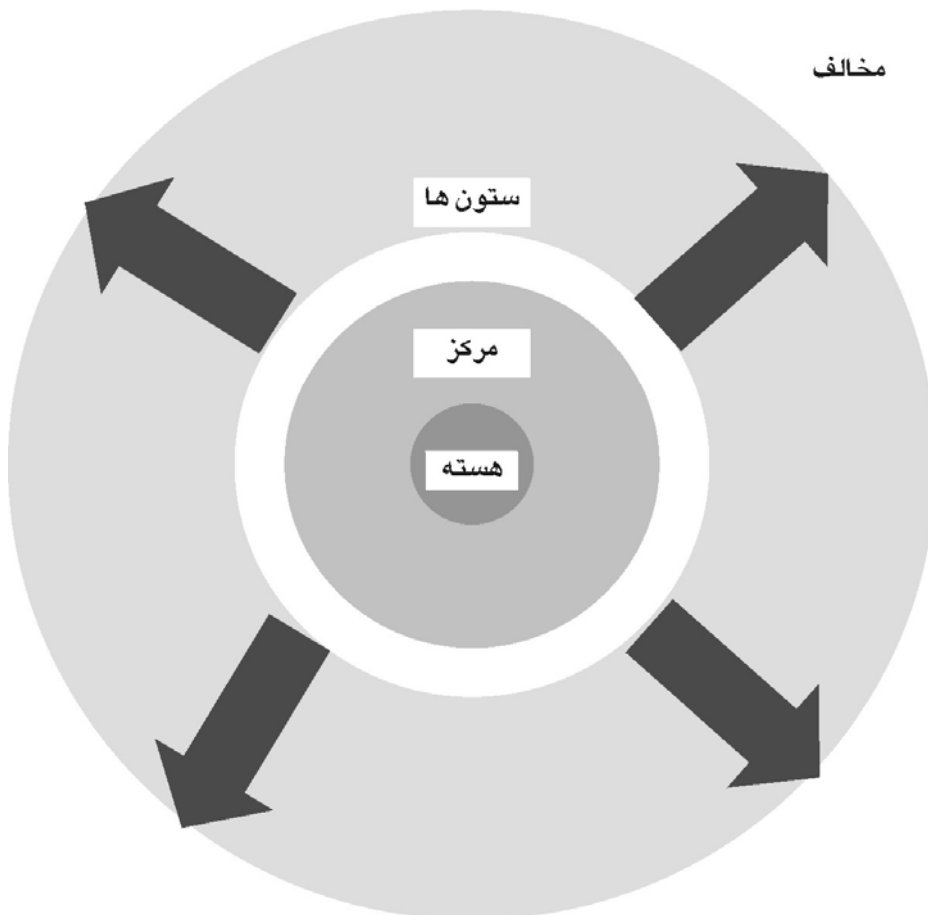


	مشروعیت
	نفرات
	مهارت و دانش
	عوامل نامحسوس
	ثروت مادی
	تأيید

نمودار ۳ ستون های حمایت



نمودار ۴
جذب کردن به جای دفع کردن
ستون های حمایت



برنامه ریزان مبارزه بدون خشونت در تکاپوی بازداشتن ستون های حمایت از حاکم،
به این ترتیب منزوی کردن او از منابع قدرت

نمودار ۵ تجسم وفاداری

